





۱۱

در باثبات‌ترین دوره ارزی کشور قرار داریم

در میزگرد تازه‌های اقتصاد با حضور دو کارشناس مسائل اقتصادی مطرح شد

۲۱

پیمان‌های پولی قدرت ریال ایران را افزایش می‌دهد

"هنی حمدان"، مدیر مسئول روزنامه اقتصادی "الوطن" سوریه



۵

ایران به بالاترین رشد اقتصادی در منطقه رسید

گزارش محمد رضا فرزین به شصت و چهارمین اجلاس سالانه مجمع عمومی بانک مرکزی



۲۹

کنترل کل‌های پولی اقدام ستودنی بانک مرکزی بود

مهدی ذوالفقاری، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس



۲۵

مدیریت بانک مرکزی نوسانات ارزی را مهار کرد

محمد رضا رنجبر فلاح، مدیر عامل اسبق بانک تجارت



حذف کامل دخالت‌های غیر تخصصی در بانک مرکزی هند

مکانیزم سیاست‌گذاری پولی در بانک مرکزی هند

۷۸



اجرای مکانیزم موفق تخصیص ارز اربعین برای دومین سال

بانک مرکزی خیال متقاضیان ارز اربعین را راحت کرد

۴۸

۳۳

با وجود خاورمیانه پر از آتش بازار ارز مدیریت شد

۳۵

دوره‌های جدید آموزشی اندیشکده پول و ارز برگزار شد

۳۶

اقتصاد ایران امکان تحقق تورم زیر ۲۰ درصد را دارد

۴۰

چرا کنترل کسری بودجه مهم است؟



• صاحب امتیاز:

موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز

• رئیس شورای سیاستگذاری:

مهدی مهرپور

• سردبیر:

علی احمد قاسمی

• ناظر محتوایی و مشاور سردبیر:

فاطمه محمدی

• همکاران این شماره:

جواد فراهانی، رضا فراهانی، پوریا صادقی
سید مهدی میرحسینی، هانیه اسماعیلی
حمید کمار، حسین کمال زارع، امیرحسین موسوی
حسین جعفری

• مدیر اجرایی:

محمود مهدوی

• گرافیک و طراح جلد:

سید احسان نوری نجفی

• صفحه آرایی:

مهدی بخشی

• عکاس:

مجید سلطانی

• نشانی:

تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان خالد اسلامبولی (وزرا)
نیش خیابان شهید رفیعی (۲۰)، ساختمان مرکز مبادله
ارز و طلای ایران - طبقه ۱۱، موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز

• کد پستی:

۱۵۱۱۹۱۸۹۲۰

• لیتوگرافی و صحافی:

نگار نقش

• چاپ و توزیع:

احمد شیرازیان



@tazehayeeghtesad

سرمقاله

۴	"ثبات"، ثمره اقدامات بنیادین یکساله بانک مرکزی
۵	ایران به بالاترین رشد اقتصادی در منطقه رسید
۱۱	در باثبات ترین دوره ارزی کشور قرار داریم
۲۰	ارتباط بانک مرکزی در دوره جدید با دنیا برقرار شد
۲۱	پیمان های پولی قدرت ریال ایران را افزایش می دهد
۲۵	مدیریت بانک مرکزی نوسانات ارزی را مهار کرد
۲۹	کنترل کل های پولی اقدام ستودنی بانک مرکزی بود
۳۳	با وجود خاورمیانه پر از آتش بازار ارز مدیریت شد
۳۴	صنایع بزرگ باید ارز حاصل از صادرات را بازگردانند
۳۵	دوره های جدید آموزشی اندیشکده پول و ارز برگزار شد
۳۶	اقتصاد ایران امکان تحقق تورم زیر ۲۰ درصد را دارد
۴۰	چرا کنترل کسری بودجه مهم است؟
۴۳	ثبات ارزی، امنیت سرمایه گذاری کشور را افزایش داد
۴۸	اجرای مکانیزم موفق تخصیص ارز اربعین برای دومین سال
۵۱	جادوی اقتصادی سنگاپور چگونه اتفاق افتاد؟
۶۰	قدرت نمایی نظام بانکی قطر در جهان
۶۵	مدیریت انتظارات فرانک سوئیس را نجات داد
۷۲	شیوه تخصیص ارز واردات در بانک مرکزی امارات
۷۵	مهر محرمانه بر سیاست گذاری بانک مرکزی چین!
۷۸	حذف کامل دخالت های غیرتخصصی در بانک مرکزی هند

"ثبات"، ثمره اقدامات بنیادین یکساله بانک مرکزی

اعتباری شامل انحلال سه موسسه کاسپین، نور و توسعه، از جمله اقدامات برجسته بانک مرکزی در طی سال ۱۴۰۲ بوده است. اجرای سیاست تثبیت اقتصادی از سوی بانک مرکزی در سال گذشته، زمینه افت قابل ملاحظه انتظارات تورمی جامعه را فراهم آورد. تمرکز بانک مرکزی بر مهار رشد نقدینگی و ثبات ارزی به عنوان دو بال محوری این بسته سیاستی، نوسانات بازار ارز را به شدت در سال گذشته با وجود تنش‌های سیاسی منطقه محدود کرد. معمولاً رشد پول به عنوان بخش سیال نقدینگی را شاخص انتظارات تورمی معرفی می‌کنند که این شاخص با کاهش ۴۷.۷ واحد درصدی، از ۶۵.۵ درصد در سال ۱۴۰۱ به ۱۷.۵ درصد در پایان سال ۱۴۰۲ رسید.

همچنین ثبات ارزی محقق شده، علاوه بر اافت شدید انتظارات تورمی جامعه، بر روی کاهش قابل ملاحظه تورم تولیدکننده اثر گذاشته است. بر همین اساس، نرخ تورم تولیدکننده بعد از گذشت ۶۷ ماه وارد کانال ۲۰ درصد شده است. نرخ تورم تولیدکننده به عنوان تورم پیش‌نگرا از ۱۰۳ درصد در بهار ۱۴۰۰ به کانال ۲۵ درصد در انتهای بهار ۱۴۰۳ کاهش یافته است.

همزمان در همین ایام، نرخ بیکاری نیز به پایین‌ترین میزان خود در ۲۰ سال گذشته رسیده است. مروری مختصر اصلی‌ترین متغیرهای اقتصاد کلان نظیر تداوم رشد اقتصادی، کاهش نرخ رشد کل‌های پولی، افت شدید رشد پول، ثبات ارزی در یک کریدور مشخص و کاهش نرخ بیکاری، نشان‌دهنده ثبات نسبی وضعیت عمومی اقتصاد کلان است که می‌توان نتایج بخشی از اجرای سیاست تثبیت اقتصادی توسط بانک مرکزی طی یکسال گذشته را در بهبود شاخص‌های اقتصادی مشاهده کرد.

هفته گذشته شصت و چهارمین اجلاس سالانه مجمع عمومی بانک مرکزی برگزار شد و در این اجلاس رئیس کل بانک مرکزی گزارشی از آخرین وضعیت متغیرهای اقتصاد کلان به همراه اثرات و نتایج بخشی از اقدامات سیاست‌گذار پولی و ارزی طی یکسال گذشته ارائه کرد.

طبق گزارشات بانک مرکزی، اقتصاد ایران در سال گذشته، رشد اقتصادی ۵ درصدی را تجربه کرد. همزمان با تداوم رشد اقتصادی در سال گذشته، توفیقات قابل ملاحظه‌ای در کنترل کل‌های پولی رقم خورد. بانک مرکزی در سال گذشته عملکردی کم‌سابقه را در تحقق اهداف سیاستی خود به نمایش گذاشت. هدف‌گذاری تورمی و نرخ رشد نقدینگی اعلام شده از سوی بانک مرکزی در ابتدای سال ۱۴۰۲، در پایان این سال محقق شد که می‌توان آن را نشانه بلوغ اعتبار سیاست‌گذار پولی کشور دانست. بانک مرکزی در ابتدای سال گذشته، کاهش تورم به کانال ۳۰ درصد و نرخ رشد نقدینگی ۲۵ درصد را به عنوان هدف خود معین کرد و در اسفند ماه سال گذشته با تحقق تورم ۳۱ درصدی و نرخ رشد نقدینگی ۲۴.۳ درصدی، اهداف مورد نظر بانک مرکزی محقق شد. بانک مرکزی نرخ رشد نقدینگی ۲۳ درصد با دامنه نوسان مثبت و منفی دو درصد را برای هدف سال جاری خود مشخص کرده است که تاکنون رشد نقدینگی در همین چارچوب محقق شده و می‌توان با توجه به توفیق بانک مرکزی در سال گذشته، انتظار تکرار این تجربه موفق را در سال ۱۴۰۳ داشت.

مهار رشد نقدینگی توسط بانک مرکزی از طریق اجرای سیاست کنترل مقداری رشد ترازنامه بانک‌ها و سامان بخشی به وضعیت مؤسسات

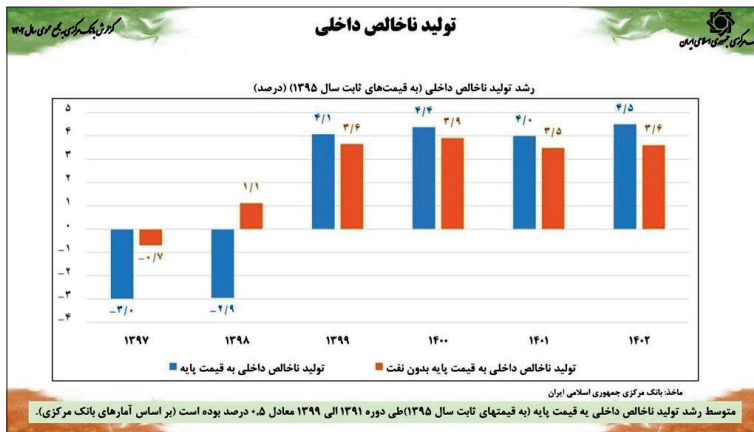




گزارش محمد رضا فرزین به شصت و چهارمین سالانه مجمع عمومی بانک مرکزی

ایران به بالاترین رشد اقتصادی در منطقه رسید

- رشد اقتصادی ۵ درصدی کشور در سال گذشته بیشترین رشد در بین کشورهای منطقه بوده که با وجود شوک های ناشی از تحولات نظامی و امنیتی حاصل شده است
- نرخ رشد نقدینگی و پایه پولی و رشد پول با حرکتی نزولی به روندهای بلندمدت بازگشته است
- ضریب جینی در سال ۱۴۰۲ با رقم ۰٫۳۶۱۴ به کمترین میزان حداقل در طی یک دهه اخیر رسیده و تورم کنترل شده است
- نرخ بیکاری در بهار سال ۱۴۰۳ معادل ۷٫۷ درصد شد که کمترین میزان طی سال های اخیر بوده است
- سهم تسهیلات خانوار از ۱۳٫۳ درصد در سال ۱۴۰۰ به ۱۸٫۳ درصد در سال ۱۴۰۳ رسید که نشان از اهمیت تأمین مالی خرد و خانوارها در دولت سیزدهم دارد



نمودار ۱

تولید ناخالص داخلی

فعالیت‌های بخش‌های مختلف ارائه می‌کند. رشد اقتصادی به قیمت پایه بدون نفت به ۳.۶ درصد رسیده است که پس از یک دوره رشد پایین نشان از موفقیت دولت در اجرای برنامه‌های اقتصادی دارد. این در حالی است که متوسط رشد تولید ناخالص داخلی طی دوره ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۹ معادل ۰.۵ درصد بوده است. (نمودار ۱)

در سال ۱۴۰۲ بخش نفت رشد ۱۴.۷ درصدی، گروه صنایع و معادن رشد ۴.۵ درصدی، گروه خدمات رشد ۳.۸ درصدی و بخش کشاورزی رشد ۰.۲ درصدی را به ثبت رسانده است. رشد اقتصادی ۵ درصدی کشور در سال گذشته بیشترین رشد در بین کشورهای منطقه را نشان می‌دهد که با وجود شوک‌های ناشی از تحولات نظامی و امنیتی در منطقه حاصل شده است. این موضوع حاکی از آرامش حاکم بر فضای اقتصادی کشور ناشی از اجرای سیاست تثبیت با هماهنگی سازمان‌ها و دستگاه‌های مربوطه است. (نمودار ۲)

تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در سال گذشته ۷.۲ درصد رشد داشته است. همچنین مصرف نهایی بخش خصوصی ۴.۱ درصد رشد در سال گذشته را به ثبت رسانده است که نشان می‌دهد وضعیت مصرف کالاها و خدمات مصرفی آحاد جامعه در وضعیت مناسبی قرار دارد. همچنین تولید ناخالص داخلی بخش ماشین‌آلات بر حسب ارقام هزینه نهایی ۷.۹ درصد و بخش ساختمان ۷.۱ درصد در سال ۱۴۰۲ رشد داشته است. این آمار به خوبی بیانگر سرمایه‌گذاری مناسب در کشور است و بنابراین آمار رشد اقتصادی همچنان مثبت و پایدار باقی خواهد ماند. در دولت سیزدهم میانگین رشد تولید

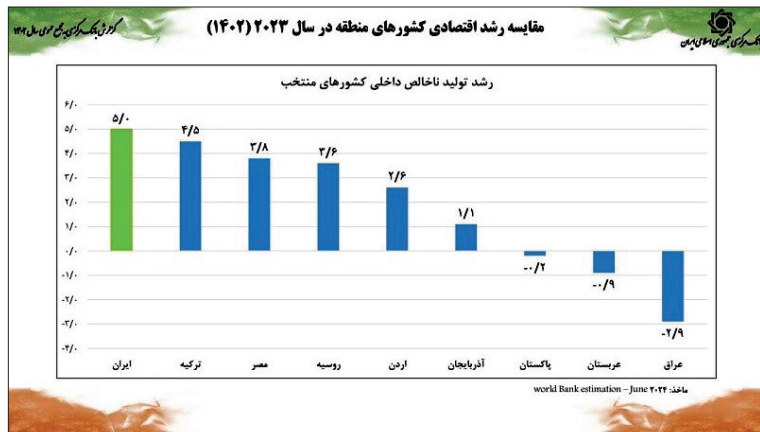
شست و چهارمین اجلاس سالانه مجمع عمومی بانک مرکزی با حضور محمد مخبر، سرپرست ریاست جمهوری، خاندوزی وزیر امور اقتصادی و دارایی، منظور رئیس سازمان برنامه و بودجه، اوجی وزیر نفت، علی‌آبادی وزیر صنعت، معدن و تجارت و موحدی‌آزاد دادستان کل کشور در محل ساختمان بانک مرکزی برگزار شد. دکتر محمدرضا فرزین، در مجمع عمومی بانک مرکزی اعلام کرد که اقتصاد کشور در سال ۱۴۰۲ رشد ۵ درصدی براساس قیمت‌های بازار را تجربه کرد، در حالی که نرخ رشد نقدینگی و پایه پولی و رشد پول با روندی نزولی به روندهای بلندمدت بازگشته است و تورم مصرف‌کننده و تولیدکننده نیز با تداوم روند گاهشی کنترل شده است. همچنین براساس اطلاعات مقدماتی بانک مرکزی، ضریب جینی در سال ۱۴۰۲ با رقم ۰.۳۶۱۴ به کمترین میزان حداقل در طی یک دهه اخیر رسیده است. مدیریت بازار ارز نیز به گونه‌ای انجام شده که کمترین میزان ضریب تغییرات در سال‌های اخیر در حوزه نوسانات بازار ارز در سال گذشته ثبت شده است.

رئیس کل بانک مرکزی در ادامه وضعیت متغیرهای اقتصادی را به شرح زیر تشریح کرده است:

بخش واقعی اقتصاد کشور در سال ۱۴۰۲ براساس قیمت پایه رشد ۴.۵ درصدی و به قیمت بازار رشد ۵ درصدی را تجربه کرده است، البته رشد اقتصادی به قیمت بازار گزارش جامع‌تری از رشد



نمودار ۲
مقایسه رشد اقتصادی
کشورهای منطقه در سال
۲۰۲۳



نمودار ۳
مقایسه عملکرد بخش واقعی

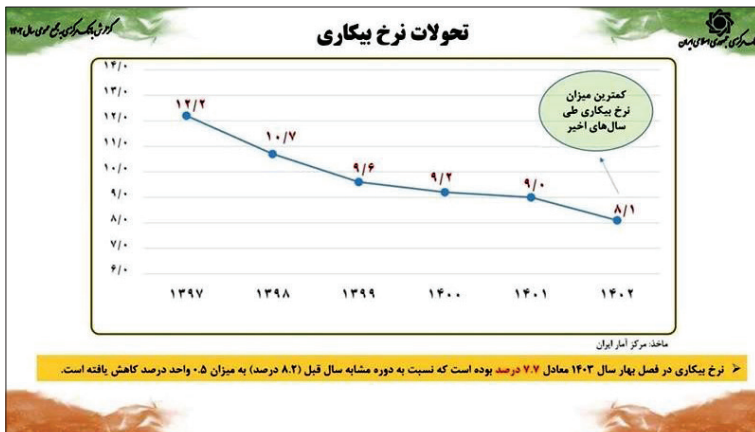
مقایسه عملکرد بخش واقعی (درصد)

عنوان	میانگین ۱۰ ساله	میانگین ۲۰ ساله	میانگین ۲۵ ساله	میانگین دولت سیزدهم
سال	۱۳۹۱-۱۳۹۹	۱۳۸۱-۱۳۹۹	۱۳۷۶-۱۳۹۹	نیمه دوم ۱۴۰۰ تا پایان ۱۴۰۲
میانگین رشد تولید ناخالص داخلی	۰/۵	۲/۷	۲/۷	۴/۵
میانگین رشد تولید ناخالص داخلی (بدون نفت)	۱/۲	۳/۵	۳/۶	۴/۰
میانگین رشد صنعت	۰/۷	۴/۳	۵/۳	۶/۵
میانگین رشد مصرف خصوصی	-۰/۳	۲/۸	۳/۴	۶/۳
میانگین رشد تشکیل سرمایه ثابت کل	-۷/۱	-۰/۳	۱/۸	۶/۴
میانگین رشد تشکیل سرمایه ساختمان	-۴/۸	۱/۶	۲/۱	۳/۲
میانگین رشد تشکیل سرمایه ماشین آلات	-۹/۹	-۲/۵	۱/۷	۱۱/۸

روند به بهبود وضعیت مسکن در کشور کمک کند. در خردادماه ۱۴۰۳ با وجود افزایش ۱۴۰۱ درصدی حجم معاملات در شهر تهران نسبت به مقطع مشابه سال گذشته، اما قیمت هرواحد مسکونی در شهر تهران در این بازه زمانی معادل ۹۰۷ درصد رشد داشته است، این در حالی است که قیمت مسکن در شهر تهران در خرداد ۱۴۰۲ در مقایسه با خرداد ۱۴۰۱ به میزان ۹۸۰۷ درصد افزایش یافته بود. این واقعیت اقتصادی نشانگر تعدیل انتظارات تورمی برای افزایش قیمت مسکن است و با تثبیت و ادامه این روند معاملات مسکن نیز به زودی شاهد رونق بیشتری خواهد بود. همچنین نرخ بیکاری در سال گذشته ۸۰ درصد بوده که این نرخ در بهار سال ۱۴۰۳ معادل ۷۰۷ درصد شده است که این آمار کمترین میزان نرخ بیکاری طی سال های اخیر بوده است. (نمودار ۴)

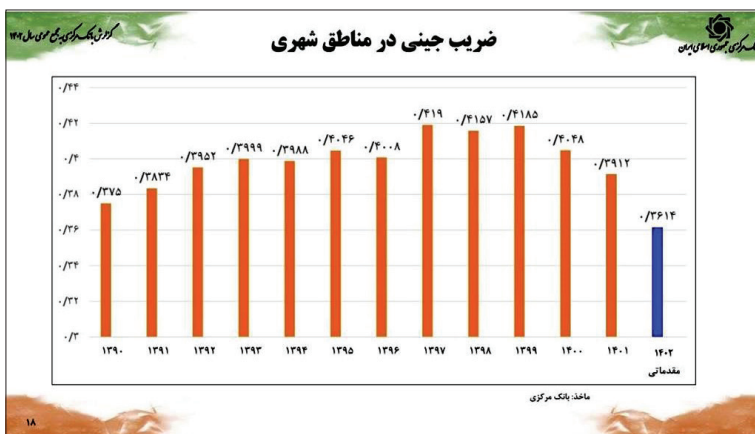
ناخالص داخلی ۴۰۵ درصد، میانگین رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت ۴ درصد، میانگین رشد صنعت ۶۰۵ درصد، میانگین رشد مصرف خصوصی ۶۰۳ درصد، میانگین رشد تشکیل سرمایه ثابت کل ۶۰۴ درصد، میانگین رشد تشکیل سرمایه ساختمان ۳۰۲ درصد و میانگین رشد تشکیل سرمایه ماشین آلات ۱۱۰۸ درصد بوده است که این آمار تفاوت معناداری با میانگین های بلندمدت دارد. (نمودار ۳)

سرمایه گذاری در بخش مسکن در سال ۱۴۰۲ امیدوارکننده بوده است. سرمایه گذاری بخش خصوصی برحسب قیمت واقعی در کل مناطق شهری در سال گذشته ۷۰۸ درصد رشد داشته است و در ساختمان های جدید برحسب قیمت های واقعی و در مقایسه با سال ۱۴۰۱ معادل ۱۷۰۱ درصد رشد نشان می دهد و امیدواریم این



نمودار ۴

تحولات نرخ بیکاری



نمودار ۵

ضریب جینی در مناطق شهری

همچنین پایه پولی نیز در راستای همگرایی با نرخ رشد نقدینگی به ۲۷/۶ درصد در پایان سال گذشته رسید و با ادامه این روند نزولی در سال جاری شاهد کاهش نرخ تورم نیز خواهیم بود. (نمودار ۶)

رشد پول (بخش سیال نقدینگی) در بین کل های پولی دارای بالاترین همبستگی با انتظارات تورمی است و این شاخص با کاهش ۴۷/۷ درصدی از ۶۵/۵ درصد در سال ۱۴۰۱ به ۱۷/۵ درصد در پایان سال ۱۴۰۲ و از این منظر به کمتر از میانگین بلندمدت رسید. (نمودار ۷)

با مجموعه اقدامات انجام شده در حوزه کنترل رشد نقدینگی، پایه پولی و رشد پول شاهد کاهش ۲۶/۴ واحد درصدی تورم نقطه به نقطه و کاهش ۱۳/۶ واحد درصدی تورم سالانه شاخص بهای مصرف کننده در سال ۱۴۰۲ بودیم و با توجه به اعداد پایین تر تورم نقطه به نقطه در مقایسه با تورم سالانه در سال جاری، علی القاعده می توان کاملاً انتظار

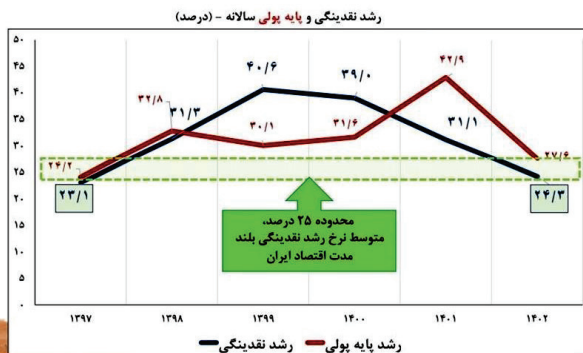
ضریب جینی ۰/۳۶۱۴ یکی از پایین ترین ضرایب جینی اقتصاد کشور حداقل در طول یک دهه اخیر بوده است که این تحول مثبت در نتیجه اجرای طرح مردمی سازی یارانه ها و افزایش یارانه هر فرد در دهک های مختلف درآمدی متعاقب حذف ارز ترجیحی برخی از کالاهای اساسی در ابتدای سال ۱۴۰۱، اجرای موفق سیاست تثبیت اقتصادی و مهار رشد بالای قیمت ها، تامین ارزاق اساسی معیشتی مردم با اجرای گسترده طرح کالابرگ الکترونیک خانوار و سایر سیاست های حمایتی دولت از دهک های پایین درآمدی محقق شده است. (نمودار ۵)

بازگشت نرخ رشد نقدینگی و رشد پایه پولی به روند بلندمدت نشانگر توفیق بانک مرکزی در اجرای سیاست های پولی بوده است، نرخ رشد نقدینگی در پایان سال ۱۴۰۲ به ۲۴/۳ درصد رسید که پایین تر از نرخ ۲۵ درصد هدف گذاری شده بود.



کنترل و مدیریت کل های پولی در جهت مهار تورم

گزارش عملکرد نیمه اول ۱۴۰۲



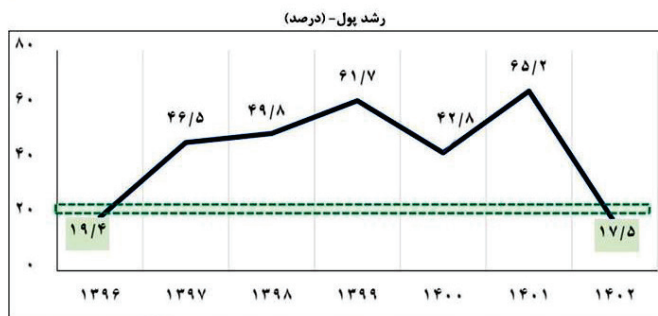
بازگشت نرخ رشد نقدینگی و پایه پولی به محدوده مقادیر بلندمدت

نمودار ۶

کنترل و مدیریت کل های پولی در جهت مهار تورم

تحولات رشد پول

گزارش عملکرد نیمه اول ۱۴۰۲



رشد پول (بخش سیال نقدینگی) در بین کل های پولی دارای بالاترین همبستگی با تورم در کوتاه مدت است
رشد پول در خرداد ۱۴۰۲ معادل ۲۱.۲ درصد

کاهش انتظارات تورمی

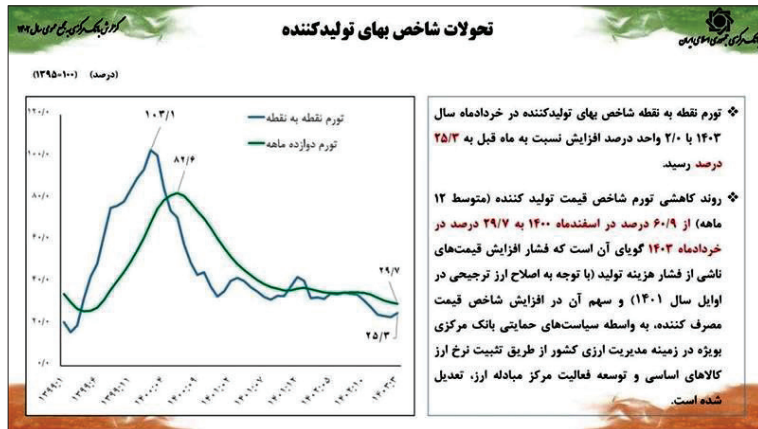
نمودار ۷

تحولات رشد پول

رسمی ارز، تفکیک نرخ حواله واسکناس و هدایت نرخ های رسمی به سطوح تعادلی، تقویت عرضه ارز و افزایش کیفیت دارایی های خارجی بانک مرکزی از طریق دیپلماسی فعال پولی و بانکی از مهم ترین اقدامات ما در این حوزه بوده است که از این طریق علامت دهی به فعالان و مرجعیت به بانک مرکزی بازگشته است. در نتیجه اقدامات حوزه ارزی، با وجود بحران های امنیتی و نظامی در منطقه در سال گذشته ضریب تغییرات بازار ارز در بازار ارز ۵۰٫۸ درصد، در اسکناس مرکز مبادله ۱۰٫۹ درصد و در حواله مرکز مبادله ۲۰٫۴ درصد بوده است که تفاوت کاملاً معنادار و محسوس با سال های پیش و نشان از موفقیت بانک مرکزی در اجرای سیاست تثبیت دارد. بانک مرکزی در سال گذشته ۶۸ میلیارد و ۳۳۹ میلیون دلار و در سال جاری تا ۲۳ تیرماه ۱۹ میلیارد و ۷۹۴ میلیون دلار ارز مورد نیاز کشور را تامین کرده است. این تخصیص و تامین

کاهش بیشتر تورم سالانه مصرف کننده در ماه های پیش رو را داشت. روند کاهش تورم سالانه شاخص بهای تولید کننده از ۶۰٫۹ درصد در اسفندماه سال ۱۴۰۰ به ۲۹٫۷ درصد در خردادماه سال ۱۴۰۳ گویای آن است که فشار افزایش قیمت های ناشی از فشار هزینه تولید و سهم آن در افزایش شاخص قیمت مصرف کننده، به واسطه سیاست های حمایتی بانک مرکزی در زمینه مدیریت بازار ارز از طریق تثبیت نرخ ارز کالاهای اساسی و توسعه فعالیت مرکز مبادله ارز تعدیل شده است. (نمودار ۸)

تامین نیازهای واقعی ارزی اقتصاد در حوزه تولید و سرمایه گذاری در دستور کار بانک مرکزی بوده است و براین اساس بیش از ۸۵ درصد ارزش واردات گمرکی کشور شامل مواد اولیه، کالاهای سرمایه ای و واسطه ای است که این موضوع نقش مهمی در کاهش تورم تولید کننده داشته است. راه اندازی مرکز مبادله ارز و طلا با هدف تعمیق بازار



نمودار ۸

تولیدکننده تحولات شاخص بهای

با توجه ریزی ارزی عملیاتی شده است. بهبود سهم خانوارها از کل تسهیلات پرداختی از دیگر دستاوردهای بانک مرکزی در دولت سیزدهم است، سهم تسهیلات خانوار از ۱۳،۳ درصد در سال ۱۴۰۰ به ۱۸،۳ درصد در سال ۱۴۰۳ رسید که نشان از اهمیت تأمین مالی خُرد و خانوارها در دولت سیزدهم دارد. افزایش پرداخت ۱۹،۹ درصدی در خرید تضمینی گندم، تحقق ۱۰،۷ درصدی تسهیلات پرداختی ازدواج و رشد ۵۲،۲ درصدی در پرداخت تسهیلات انش بنیان نیز از دیگر دستاوردهای اعتباری بانک مرکزی و شبکه بانکی در سال ۱۴۰۲ است. کنترل رشد نقدینگی از طریق کنترل ترانزاکشن بانکی و افزایش نرخ سپرده قانونی، بهبود قابل توجه نسبت کفایت سرمایه شبکه بانکی و ساماندهی موسسات اعتباری (اتحالی سه موسسه کاسپین، نور و توسعه) از اقدامات حوزه نظارتی بانک در سال ۱۴۰۲ و آغاز فاز آزمایشی ریبال دیجیتال، اصلاح نظام کارمزد بانکداری الکترونیک، راه اندازی اتصال سپام ارزی و SPFS، مهم ترین اقدامات حوزه فناوری های نوین بوده است.

ارز با هماهنگی وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مربوطه در کمترین زمان ممکن انجام و باعث شده فعالان اقتصادی با اطمینان بیشتری نسبت به فعالیت تجاری و بازرگانی خود اقدام کنند. با دیپلماسی پولی و بانکی و افزایش وصول درآمدهای نفتی و گازی کشور، هم کمیت و هم کیفیت دارایی‌های ارزی کشور افزایش یافته است و برخلاف انتقادات و گزافه‌های خبری نادرست، بانک مرکزی هرگز از دارایی‌های ارزی کشور و ارزشیابی برای مدیریت بازار ارز از جمله در مقطع کنونی استفاده نکرده است.

مدیریت بازار ارز از طریق افزایش وصول درآمدهای نفت و گاز، تامین ارز مورد نیاز واردات، گسترش تامین مالی ارزی و مدیریت ذخایر بین‌المللی کشور از برنامه‌های ارزی بانک مرکزی بوده که با کنترل و کاهش نوسانات نرخ ارز، افزایش درصد بازگشت ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصادی کشور به بیش از ۸۵ درصد، افزایش تامین ارز به تخصیص ارز از ۷۴ درصد در سال ۱۴۰۴ به ۸۵ درصد در سال ۱۴۰۲ و کاهش مدت انتظار برای تخصیص و تامین و کنترل ثبت سفارش‌ها،

بیش



جهش معنادار رشد تولید و سرمایه‌گذاری در دولت سیزدهم

در دولت سیزدهم، میانگین رشد تولید ناخالص داخلی ۴۰٫۵ درصد، میانگین رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت ۴ درصد، میانگین رشد صنعت ۶۰٫۵ درصد، میانگین رشد مصرف خصوصی ۶۰٫۳ درصد، میانگین رشد تشکیل سرمایه ثابت کل ۶۰٫۴ درصد، میانگین رشد تشکیل سرمایه سرمايه سرخامان ۳۰٫۲ درصد و میانگين رشد تشكيل سرمايه ماشين آلات نيز ۱۱۰٫۸ درصد بوده که این آمار، ثقات معناداری با میانگین‌های بلند مدت دارد.



● شماره ۵۱ - مرداد ۱۴۰۳ ●

در میزگرد تازه‌های اقتصاد با حضور دو کارشناس مسائل اقتصادی مطرح شد

در باثبات‌ترین دوره ارزی کشور قرار داریم



قدرتی:

- اثرات اجرای سیاست تثبیت در دو سال گذشته را در کاهش تورم و کنترل رشد نقدینگی و پایه پولی مشاهده می‌کنیم
- بانک مرکزی کارهای بزرگی را شروع کرده و مسئله مهم و حیاتی، تداوم این سیاست‌هاست

حسن‌خانی:

- مهم‌ترین مسئله در سیاست‌گذاری تورمی بانک مرکزی، کنترل شوک‌ها و ضربه‌های ارزی است
- در شرایط شوک‌های تورمی که با آن روبرو هستیم، باید از سیاست لنگر نرخ ارز استفاده کرد

۱۱



اقتصاد

● شماره ۵۱ - مرداد ۱۴۰۳ ●

نرخ ارزی یکی از مولفه‌های مهم اثرگذار بر تورم است و طی سال‌های گذشته اثرات بسیار زیادی را از بابت تغییرات نرخ ارز شاهد بودیم

پس از گذشت حدود یک سال و نیم از اجرای سیاست تثبیت اقتصادی توسط بانک مرکزی، برنامه‌های سیاست‌گذار در حوزه کنترل رشد نقدینگی و رشد پایه پولی به اهداف مورد نظر دست یافته و آمارها حاکی از بازگشت شاخص‌های اقتصادی به روند میانگین بلندمدت خود است. شاخص ارزی نیز با وجود رخدادهای بی‌سابقه سیاسی در این دوران، یکی از پائین‌ترین ادوار خود را در یک دهه گذشته پشت سر گذاشت که آثار این رخدادهای کاهش نرخ تورم نمایان شده است. هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد درباره این رویدادها و چشم‌انداز وضعیت شاخص‌های اقتصادی، میزگردی را با حضور علیرضا قدرتی و حسن حسن‌خانی، دو کارشناس مسائل اقتصادی برگزار کرد که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید:

سیاست اخیر بانک مرکزی در دوره اخیر، تثبیت و به نوعی کنترل نرخ تورم بود و در این راستا اقداماتی چون کنترل ترازنامه بانک‌ها و تلاش برای ایجاد آرامش در بازار ارز از طریق راه‌اندازی مرکز مبادله ارز و طلا انجام شده است. این سیاست‌ها را چطور ارزیابی می‌کنید؟

قدرتی: اتفاقاتی که طی دو سال گذشته در حوزه اقتصاد کلان کشور و به طور خاص در سیاست‌گذاری بانک مرکزی



رخ داد، سیاست تثبیت و کنترل تورم بود که به طور جدی به آن پرداخته شد و اثرات ملموسی در شاخص‌های اقتصادی داشت که منجر به کاهش تورم نقطه به نقطه، کاهش تورم سالیانه و کاهش سایر مولفه‌های پولی مانند نقدینگی و پایه پولی شد. اثرات تمرکز بانک مرکزی بر سیاست تثبیت را در این دو سال دیدیم که اقدام شایسته و خوبی بود و جای تقدیر دارد. بانک مرکزی کار بزرگی را شروع کرد و اقدامات اساسی در این زمینه صورت گرفت که در دوره‌های قبلی شاید این موضوعات کمرنگ‌تر بود و یا تمرکز لازم روی این موضوعات وجود نداشت. اینکه بانک مرکزی سیاست تثبیت را در یک بسته کامل دید، چه در حوزه سیاست تثبیت تورم و چه در حوزه سیاست‌های ارزی و

چه در حوزه کنترل ترازنامه بانک‌ها، ناشی از فهم درست موضوع بود که منجر به اجرای موفق نیز شد. در عین حال، مسئله مهم این نیست که این اقدامات صورت گرفته است، بلکه مسئله مهم و حیاتی تداوم سیاست‌های بانک مرکزی در این حوزه است. در دوره‌های مختلفی شاهد بودیم که شعار اصلی بانک مرکزی کنترل تورم بوده، ولی سیاست‌های مداومی در این موضوع نداشت و نوسانات در نرخ تورم ناشی از عدم تداوم سیاست‌گذاری بانک مرکزی بوده است.

یکی از موضوعاتی که بانک مرکزی به درستی روی آن فکر کرد، تمرکز بر مدیریت بازار ارز بود. نرخ ارز یکی از مولفه‌های مهم اثرگذار بر تورم است و طی سال‌های گذشته اثرات بسیار زیادی را از بابت تغییرات نرخ ارز شاهد بودیم که بانک مرکزی سیاست تثبیت نرخ ارز را در پیش گرفت و مرکز مبادله ارز و طلا را راه‌اندازی کرد. اینکه یک متولی و یک مرکز تخصصی برای این حوزه وجود داشته باشد، اقدام بسیار خوب و مناسبی بود. البته بهتر است بانک مرکزی به جای سیاست تثبیت به سمت سیاست ثبات برود، چرا که سرکوب نرخ ارز در کوتاه‌مدت ممکن است به کنترل تورم کمک کند، ولی در بلندمدت اثرات مخربی را روی بخش واقعی اقتصاد خواهد گذاشت. الان فاصله بین دلار نیما و دلار بازار آزاد بیش از ۵۰ درصد است و به طور ناخواسته بانک مرکزی سیاست واردات را تشویق می‌کند و فعالان اقتصادی به جای تمرکز بر تولید، به سمت واردات سوق پیدا کرده‌اند.

تفاوت ثبات و سیاست تثبیت چیست؟

قدرتی: سیاست تثبیت و ثبات کاملاً متفاوت هستند، در تثبیت به نرخ مشخصی می‌رسید و همه مولفه‌های



سیاست‌گذاری بر کنترل دلار در اطراف آن نرخ خواهد بود و به شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه و ژئوپلیتیک منطقه توجه نمی‌شود، اما ثبات به منزله این است که از تکانه‌های شدید نرخ ارز جلوگیری کنیم. بانک مرکزی به عنوان متولی بازار ارز باید از تکانه‌ها و نوسانات شدید جلوگیری کند. بانک مرکزی باید به عنوان بازارساز در زمان وقوع شوک در بازار دخالت کند و در مواقع عادی اجازه دهد بازار ارز قیمت‌های خود را در یک کانال منطقی پیدا کند و فعالان این بخش بتوانند راحت و آزرده به مبادله بپردازند و

سرکوب نرخ ارز
در کوتاه مدت
ممکن است
به کنترل تورم
کمک کند، ولی
در بلندمدت
اثرات مخربی
را روی بخش
واقعی اقتصاد
خواهد گذاشت

اخیر به چه شکل بوده است. کشور ایران متأسفانه به دلایل مختلف طی سال‌های گذشته دچار یک غفلت راهبردی شده است. پدیده خروج آمریکا از برجام به اذعان رئیس دولت یازدهم و دوازدهم در زمانی اتفاق افتاد که ذخایر ارز و طلای کشور در کمترین میزان خودش قرار داشته است. فارغ از اینکه این غفلت راهبردی ناشی از اصل برجام و یا شیوه انجام آن، یا ملاحظات بعد از آن است، ما با واقعیتی به نام خروج آمریکا از برجام مواجهیم که ۱۸ اردیبهشت سال ۹۷ رخ داد و پس از این خروج، دچار سه شوک ارزی با سه تفسیر متفاوت شدیم. ۶ مهر ۹۷ که دلار در بازار غیررسمی به ۲۰ هزار تومان رسید، ۱۵ مهر ۹۹ که دلار به حدود ۴۰ هزار تومان رسید و ۶ اسفند ۱۴۰۱ که دلار برای اولین بار به بیش از ۶۰ هزار تومان رسید.

۸ دی ۱۴۰۱ آقای فرزین سکان بانک مرکزی را به دست گرفت و پنج‌شنبه شب در تلویزیون گفت می‌خواهیم نرخ ارز کالاهای اساسی را به مدت یک سال ۲۸۵۰۰ تومان قرار دهیم که بعداً آقای مخبرگفتند دو سال. اسم این سیاست، تثبیت نیست، بلکه سیاست لنگر ارزی است. گزارش صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۲۲ نشان می‌دهد ۸۰ کشور از سیاست لنگر نرخ ارز برای کنترل تورم استفاده می‌کنند. حدود ۶۰ کشور چارچوب هدف‌گذاری تورمی و حدود ۲۰ کشور چارچوب کنترل کل‌های پولی دارند. بنابراین بیشترین تعداد کشورها که حدود ۸۰ کشور است از همین سیاست لنگر نرخ ارز استفاده می‌کنند. کاری که آقای فرزین انجام داد و درست هم بود این است، نه سیاست تثبیت نرخ ارز. تثبیت نرخ ارز تعریف دیگری دارد، یعنی تمام نرخ‌ها را به رسمیت نمی‌شناسیم و فقط یک نرخ می‌گذاریم و بقیه را می‌بندیم. این سیاست نه ادعای آقای فرزین بوده و نه در کشور ما رخ داده است. در ارز ۴۲۰۰ تومانی این ادعا از سوی آقای جهانگیری مطرح شد، ولی هیچ‌وقت انجام نشد که همان ۴۲۰۰ تومان هم با عدول از ادعای اولیه، به سیاست لنگر نرخ ارز تبدیل شد.

فارغ از اینکه چه ارزیابی می‌توان از این اقدام دکتر فرزین داشت، نفس این کار که یک لنگر نرخ ارز اسمی را در شرایطی که دچار شوک‌های تورمی هستیم، بپذیریم درست است. وقتی با شوک تورمی مواجهیم دیگر نمی‌توان سیاست تثبیت را اجرا یا با سیاست‌های کنترل کل‌های پولی، تورم را کنترل کرد. در شرایط شوک تورمی

نرخ ارز در این کانال منطقی و به دور از هیجان حرکت کند، چه این کانال صعودی و چه نزولی باشد. وظیفه بانک مرکزی این نیست قیمت را ثابت کند، وظیفه بانک مرکزی این است که شرایطی را فراهم آورد که از تکانه‌های شدید ارزی جلوگیری کند و امکان پیش‌بینی‌پذیری را برای فعالان اقتصادی فراهم آورد.

فرق سیاست تثبیت بانک مرکزی با سیاست میخکوب کردن نرخ ارز این است که در سیاست تثبیت، نرخ ارز در یک کریدور مشخص نوسانات اندکی داشته و به نظر می‌رسد بانک مرکزی هم به دنبال همان ثبات بازار ارز بوده تا تثبیت نرخ ارز در یک قیمت مشخص.

قدرتی: دو مقوله را باید از هم جدا کنیم. یکی تکانه‌های شدید ارزی و دیگری سیاست ارزی است. در سیاست ارزی عملاً می‌بینیم در واقعیت تفاوت جدی بین این دو سیاست وجود ندارد و نوسانی که دو سال گذشته اتفاق افتاده نتوانسته نیازها و انتظاراتی که فعالان ارزی از این مسئله داشتند را پوشش دهد، درست است که بانک مرکزی نمی‌خواهد تثبیت را در یک کریدور مشخص انجام دهد اما در عمل این اتفاق نیفتاد، شاهدیم نرخ ارز همان نرخ مشخصی است که نوسان و تغییر جدی نداشته و اگر هم داشته به سمت بالا بوده است و مواقعی که ریسک ما کاهش پیدا کرده، با کاهش نرخ در مرکز مبادله هم مواجه نشدیم. مرکز مبادله طی دو سال گذشته سعی کرده نرخ نیمه‌ار را به سمت نرخ بازار آزاد افزایش دهد و نزدیک‌تر کند، در حالی که نگاهم در سیاست ثبات این است که در کانال‌های صعودی و نزولی که براساس شرایط اقتصادی اتفاق می‌افتد، این کار را مدیریت کنیم. به طور قطع بانک مرکزی متولی مدیریت بازار ارز است و باید از تکانه‌های شدید در مواقع حساس با ابزارهایی که در دست دارد جلوگیری کند، ولی در عمل شاهد نیستیم بانک مرکزی سیاست ثبات و منطقی‌سازی و واقعی‌سازی نرخ ارز را در پیش گرفته باشد.

حسن خانی: ابتدا مقدمه‌ای درباره تورم می‌گویم و سپس به این می‌پردازم که نقش بانک مرکزی در سال‌های



بانک مرکزی متولی مدیریت بازار ارز است و باید از تکانه‌های شدید در مواقع حساس با ابزارهایی که در دست دارد جلوگیری کند

سیاست‌های پولی پاسخگو نیست، به خصوص در کشوری که نه تنها تحریم شده، بلکه تامین کالاهای اساسی در آن کشور وابسته به واردات است. بنابراین در این کشور باید سیاست لنگر نرخ ارز اجرا شود که شده است.

کل دنیا در شرایط فعلی، یعنی شرایط پساکرونا درگیر سیاست‌های ریاضتی هستند تا بتوانند معکوس سیاست‌های انبساطی دوران کرونا را داشته باشند و اقتصادها را از عدم تعادلی که ناشی از کرونا بود خارج و پول پاشی‌هایی که در ایام کرونا اتفاق افتاد را کنترل کنند. بنابراین سیاست ریاضتی این روزها در دنیا عمومیت دارد، اما سیاست‌های ریاضتی در چه شرایطی باید اجرا شود؟ گاهی سیاست ریاضتی را اعمال و سیاست انقباض پولی را اجرا می‌کنید، مثل سیاست کنترل ترازنامه که بانک مرکزی شروع کرده و توانسته تورم را کاهش دهد. اما این سیاست‌ها تا کجا باید ادامه پیدا کند، آیا تا جایی که نارضایتی ایجاد کند و به تولید آسیب جدی وارد کند؟ خیر. انجام سیاست‌های ریاضتی و رها کردن آنها ملاحظات زیادی دارد که قابل بحث است.

مهم‌ترین مسئله در محیط سیاست‌گذاری تورمی بانک مرکزی، کنترل شوک‌ها و ضربه‌های ارزی است که بانک مرکزی در دوره آقای دکتر فرزین موفقیت نسبی قابل قبولی در این زمینه به دست آورده است. از ابتدای سال ۱۴۰۲ در این یک سال و چهار ماه تقریباً می‌توان گفت با ثبات‌ترین دوره ارزی در ۶ سال گذشته را تجربه کرده‌ایم که عوامل مختلفی دارد. چهار عامل را برمی‌شمارم که بانک مرکزی چه کار کرده و چه کار باید انجام دهد و چه مواردی را باید ادامه دهد.

مهم‌ترین پارامتر در زمان اصابت شوک تحریم با شرایط و مختصات اقتصاد ایران این است که ذخایر بانک مرکزی باید ترمیم شود و ارتقا یابد. کشور روسیه وقتی به اوکراین حمله کرد و مورد تحریم واقع شد ۶۴۵ میلیارد دلار ذخایر رسمی طلا و ارز داشت، این پشتوانه عظیم طلا و ارز در دسترس بانک مرکزی روسیه، یکی از عواملی بود که باعث شد روسیه شوک تحریم را خیلی زود رفع کند، ۸۰ روز بعد از حمله و تحریم شدن روسیه نرخ برابری دلار و روبل به یک دلار به هشتاد روبل برگشت. بنابراین ذخایر ارز و طلای بانک مرکزی باید تقویت شود، کاری که این دوره به خوبی دنبال می‌شود و اخیراً هم حجم عظیمی از طلا به کشور وارد شده که نکته مثبت و قابل تقدیری است.

مسئله دوم صف نیماست، وقتی راجع به ارز صحبت می‌شود، راجع به امتیازی صحبت می‌شود که هم به کالاهای لوکس پرداخت می‌شود و هم به واردات کالاهای اساسی تخصیص پیدا می‌کند و هم به عنوان یک دارایی بدون نام در بازار در دست مردم می‌چرخد. بنابراین درباره یک پدیده همگن صحبت نمی‌کنیم. ارزی که به کالای اساسی اختصاص می‌یابد، نباید به بازار سپرده شود. چون وقتی ارز واردات ذرت دام و گندم را به بازار بسپارید، امکانی برای جبران وضعیت معیشت مردم وجود ندارد. بنابراین حتماً این ارز باید با نرخ مشخص تخصیص یابد. این تحلیل نادرستی است که اعمال پیمان‌سپاری ارزی انگیزه صادرات را از بین می‌برد. مشاهده می‌کنیم که همین امسال صادرات افزایش یافته و تعهدات ارزی هم انجام می‌شود که البته باید در کشوری که تحت تحریم است، حتماً انجام شود. اولین اقدامی که روسیه کرد این بود که صادرکنندگان را ملزم کرد ۸۰ درصد ارز حاصل از صادرات را به اقتصاد رسمی با نرخ مشخص برگردانند. این کار باید با قدرت ادامه پیدا کند. آدرس غلطی است که بگویید صادرکننده صادر کند و با ارز خود هر کاری می‌خواهد انجام دهد، در این صورت ارز صادراتی در ترکیه و کانادا تبدیل به ملک می‌شود و صادرات بزرگ‌ترین مسیر برای خروج و فرار سرمایه خواهد شد. قبل از دکتر فرزین، این اتفاقات متأسفانه با شدت بیشتری ادامه پیدا کرده بود که در این دوره کنترل شد. صف نیما تا جای ممکن باید به وسیله کنترل مقداری ثبت سفارش کوتاه شود، دلیلی ندارد وقتی میزان تقاضای معمول برای گوشی‌های تلفن همراه سه میلیارد دلار است، یکبار فقط سه میلیارد دلار آیفون ۱۴ و ۱۵ وارد بازار شود، در حالی که ۵ درصد مصرف جامعه را شکل می‌دهد، اما ارزی آن به اندازه کل واردات گوشی همراه است و این مسئله به درستی کنترل شد. مسئله سوم کیفیت و کمیت مداخلات ارزی بانک مرکزی است، بانک مرکزی باید هدفمند مداخله کند، نه ارزی‌پاشی بی‌مورد و بی‌جهت و نه رها کردن بازار، هیچ کدام راه خوبی نیست.

مسئله مهم بعدی بحث سفته‌بازی است، کار ویژه تبصره ۴ ماده ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز این بود که بازار طلا و جریان تبادل طلا را در کشور رسمیت ببخشد و هر کسی که می‌خواهد در کشور طلا داشته باشد باید این مبادله در سامانه ثبت شود. این نگرانی فقط

گزارش صندوق
بین‌المللی پول
در سال ۲۰۲۲
نشان می‌دهد
که ۸۰ کشور
از سیاست
لنگر نرخ ارز
برای کنترل
تورم استفاده
می‌کنند

و نقدینگی به کانال ۲۰ درصد رسیده است. آیا این رخداد، زمینه‌ای برای کنترل نرخ تورم در میان‌مدت و بلندمدت ایجاد می‌کند؟

قدرتی: از اتفاقات خوبی که
افتاد، همگرایی در کل‌های
اقتصادی بود که
شاخص‌های مختلف و به



طور خاص نقدینگی و پایه پولی کاهش پیدا کرد
و این نوید را داد که تورم به سمت کاهش میل
می‌کند. اما نباید دچار اشتباه استراتژیک
شویم، سیاست‌های پولی جزئی از برنامه‌های
ما برای کنترل تورم خواهد بود و باید
سیاست‌های کلان حوزه پولی، مالی و تجاری را
همسو و هم‌جهت پیش ببریم، یکی از
اشتباهاتی که طی سال‌های گذشته اتفاق
افتاده است، واگرایی و تناقض در سیاست‌های
پولی و مالی دولت است. سیاست‌های مالی
اگر همگرا با سیاست‌های پولی نباشد،
نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم در میان‌مدت و
بلندمدت منجر به کنترل تورم و کاهش نرخ تورم
شود و این هشدار را باید به مسئولین امر بدیم
که کنترل سیاست‌های پولی و انقباض پولی که
بانک مرکزی در پیش گرفته فقط بخشی از
سیاست کلان برای کنترل اقتصاد است. عدم
کارایی بخش واقعی اقتصاد و ناترازی‌هایی که
وجود دارد از جمله ناترازی در حوزه بودجه
دولت، ناترازی بانک‌ها و کل ناترازی‌هایی که
وجود دارد می‌تواند در آینده این دستاورد
کنترل تورم را به جد زیر سوال ببرد.

نکته بعدی انتظارات تورمی است که از عوامل
ایجاد تورم در جامعه است. در حال حاضر،
انتظارات تورمی به طور جدی کنترل شده و به
دلیل سیاست‌هایی که بانک مرکزی طی این
دوره داشته، توانسته بخشی از انتظار تورمی
جامعه را کنترل کند و به کاهش تورم کمک
کند، ولی سیاست پولی که بانک مرکزی به طور

برای ایران نیست بلکه برای بیشتر کشورهایی
که دچار تورم بالا هستند، وجود دارد که رمزینه
شدن اقتصادی اتفاق بیفتد. در کشور آرژانتین
در این چهار، پنج ماه اخیر که نرخ ارز رسمی
را افزایش دادند و نتوانستند فاصله نرخ ارز
رسمی و آزاد را کم کنند، بخش زیادی از مردم به
محض دریافت حقوق و کسب درآمد را تبدیل
به کریپتو می‌کنند و نایسامانی وسیعی در کشور
آرژانتین اتفاق افتاد. در کشور ما هم این نگرانی
وجود دارد، به این دلیل که هنوز سامانه‌ای در
حوزه بازار دارایی‌ها و رمزارزها وجود ندارد
و این نقطه ضعفی است که بانک مرکزی باید
هم در حوزه طلا و هم رمزارزها به صورت فعال با
توجه به اختیاراتی که در این دوره گرفته اقدام
کند.

مسئله دیگری که اهمیت بسیاری دارد، فاصله
نرخ سیاستی و نرخ آزاد ارز است، در شرایطی
که فاصله به شکل غیرقابل جبرانی مانند ۴۲۰۰
تومان و ۴۰ هزار تومان قرار بگیرد، این سیاست
پایداری نمی‌تواند باشد. حتماً باید فاصله نرخ
سیاستی و نرخ غیررسمی معقول باشد که بتوان
سیاست ارزی را نگه داشت. بند ۷ سیاست‌های
کلی اشتغال مبنی بر هماهنگی و پایداری
سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری پاشنه
آشیل اقتصاد ماست، هر وقت بانک مرکزی،
وزارت صمت، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت
بهداشت و درمان به خصوص سازمان غذا و
دارو و ارگان‌ها و نهادهایی که ذینفع و مرتبط
با سیاست‌های ارزی و تجاری کشور هستند،
بتوانند هماهنگی و پایداری ایجاد کنند و در
کنار سیاست‌های پولی بانک مرکزی بند ۷
سیاست‌های کلی اشتغال را تحقق ببخشند،
آنجامی توانیم بگوییم موفقیت را در کنترل تورم
خواهیم دید.

**بانک مرکزی توانسته به سمت
همگرا شدن کل‌های پولی
پیش برود. نرخ رشد پایه پولی**



شوگ‌های ارزی مهار شد

مهم‌ترین مسئله در محیط سیاست‌گذاری تورمی بانک مرکزی، کنترل شوگ‌ها و ضربه‌های
ارزی است که بانک مرکزی در دوره آقای دکتر فرزین موفقیت نسبی قابل قبولی در این
زمینه به دست آورده است. از ابتدای سال ۱۴۰۲ در این یک سال و چهار ماه تقریباً می‌توان
گفت باثبات‌ترین دوره ارزی در ۶ سال گذشته را تجربه کرده‌یم که عوامل مختلفی دارد.

مهم‌ترین
پارامتر در زمان
اصابت شوک
تحریم با شرایط
و مختصات
اقتصاد ایران
این است که
ذخایر بانک
مرکزی باید
ترمیم شود و
ارتقا یابد



اجرا به سرعت قابل اجراست، اما پاسخ دادن این سیاست و پدیدار شدن پاسخ این سیاست زمان می‌برد که به نظرم این زمان گذشته و امروز می‌بینیم بخشی از کاهش تورم به دلیل سیاست کنترل مقداری ترانزنامه بانک‌هاست که البته آثار منفی هم دارد و در ایجاد رکود و افزایش هزینه‌های تامین مالی بنگاه‌ها اثرگذار است و در بخش تولید از کمبود نقدینگی و تامین مالی رنج می‌بریم و این مسئله آثار خودش را در رشد اقتصادی خواهد گذاشت. با توجه به اینکه برنامه هفتم توسعه ابلاغ شده و در این برنامه هم اصرار بر این است که به طور متوسط سالانه ۸ درصد رشد داشته باشیم، فکر می‌کنم با ادامه سیاست کنترل ترانزنامه حتی اگر بپذیریم سیاست درستی بوده و ناسازگاری زمانی هم نداشته و در زمان درستی هم اعمال شده است، ولی تداوم این سیاست به نفع اهداف تولیدی برنامه هفتم حداقل نخواهد بود، اگر بخواهیم رشد ۸ درصدی را داشته باشیم، به این معنی است که اگر امسال رشد ۵ درصدی داشتیم، سال آینده باید ۱۱ درصد رشد داشته باشیم. حدمسم این است چارچوب کنترل کل‌های پولی از سمت بانک مرکزی به دلیل کنترل انتظارات اعمال شد و موفق هم بود، اما نگه داشتن بیش از حد آن به صلاح نیست. برای موفقیت بانک مرکزی روی جلوگیری از شوک‌های ارزی اصرار دارم. اگر بانک مرکزی با همین روند ۱۵ ماه گذشته بتواند

خاص در سال گذشته با انتشار گواهی سپرده ۳۰ درصدی برای جمع‌آوری نقدینگی در پیش گرفت عملاً ثمره خاصی نداشت و بار مالی جدی به بانک‌ها وارد کرد. در بخش تامین مالی برای بخش واقعی اقتصاد نیز مشکل جدی به وجود آورد و الان می‌بینیم نرخ واقعی تامین مالی بنگاه‌ها به بالای ۴۰ درصد رسیده و با توجه به بازدهی که برای این بنگاه‌ها متصور است، تداوم این نرخ برای بنگاه‌ها امکان‌پذیر نیست. قبول کنیم در کشوری که دچار شرایط سخت تحریمی و از فرصت‌های تامین مالی خارجی محروم است، تنها بخشی که می‌توان به آن اتکا کرد بخش کنترل تامین مالی داخلی است که با توجه به سیاست‌های بانک مرکزی در افزایش نرخ سود سپرده‌ها از سال گذشته عملاً این بخش دچار مشکل جدی شد، تبعات این اتفاق باعث شد دولت در ابتدای اردیبهشت ماه نتواند اوراق خود را بفروشد و در تامین مالی بودجه دچار مشکل شد. امروز بنگاه‌ها در تامین سرمایه مورد نیاز دچار مشکل هستند و در بلندمدت این مسئله در سمت عرضه نقصان جدی به بار خواهد آورد و دچار کاهش عرضه خواهیم شد و این مساله در ادامه باعث تشدید تورم می‌شود.

حسن خانی: اجرای سیاست کنترل مقداری ترانزنامه برای کنترل رشد کل‌های پولی سیاستی است که به لحاظ



یکی از اقدامات
خوبی که در
این دوره صورت
گرفته، مقابله
با بانک‌های
متخلف و ناتراز
بود که تداوم
این سیاست
می‌تواند کمک
بسیار زیادی
به کنترل تورم
داشته باشد



زمانی است که می‌توانیم به تورم‌های تک رقمی هم فکر کنیم، ولو اینکه تحریم هم وجود داشته باشد.

**تورم تولیدکننده بعد از ۶۷ ماه
به کانال ۲۰ درصد بازگشته و
نرخ ارز غیررسمی نیز یک روند
پایثبات داشته است، این شرایط
چقدر به بهبود وضعیت تولید
کمک خواهد کرد؟**

قدرتی: یکی از اتفاقات خوبی که افتاد برگشت نرخ تورم تولیدکننده به کانال ۲۰ درصد بود و این نوید را داد که بهای



تمام شده کالاها رشد کند داشته باشد. در صورتی که قیمت کالا برای تولیدکننده کاهش یابد در نهایت برای مصرف‌کننده هم مناسب خواهد بود و منجر به کاهش تورم می‌شود. اما فکرمی‌کنم این مسئله کوتاه مدت است، چرا که به سایر مولفه‌ها دقت نشده است، مهم‌ترین مسئله تامین مالی بنگاه‌هاست، بنگاه‌ها برای ادامه حیات خودشان نیاز به تامین مالی دارند، در حالی که ما با سیاست‌های پولی انقباضی که در پیش گرفتیم و افزایش نرخ سود سپرده‌ها و به تبع آن افزایش نرخ تامین مالی عملاً بنگاه‌ها دچار مشکلات جدی برای تامین سرمایه در گردش و تامین مواد اولیه خواهند شد و این در میان مدت باعث افزایش هزینه‌های بنگاه‌ها و

با کنترل مقداری ثبت سفارش، دیپلماسی فعال اقتصادی و افزایش فروش نفت، شوک‌ها و جهش‌های ارزی را کنترل کند، جهش‌های تورمی را در سال‌های آینده نخواهیم داشت و بانک مرکزی فقط باید به تورم هسته از مسیرهای مختلفی مثل کنترل ضوابط و رفتارهای بانکی مانند تسهیلات و معوقات بانکی و کنترل رفتار مالی دولت و کاهش کسری بودجه دولت بپردازد. ضمن اینکه سالی که گذشت اتفاق خوبی هم در دولت افتاد که جمع حساب‌ها در حساب واحد خزانه بود که براساس قانون باید زودتر رخ می‌داد، اما بالاخره در دوره آقای فرزین رقم خورد و تحول خوبی بود. دستگاه‌های دولتی مجبورند حساب‌های بانکی خودشان را در حساب واحد خزانه تجمیع کنند که از سوء رفتار دستگاه‌های اجرایی جلوگیری می‌کند و باعث انضباط بخشی به رفتار مالی دولت می‌شود و کسری بودجه دولت را کنترل می‌کند. سامانه تعهدات و تضمین ایجاد شده است. گاهی اوقات دولت تضمینی می‌دهد که بعداً تبدیل به کسری می‌شود که همه اینها باید کنترل شود. اگر با همین چارچوب‌هایی که وجود دارد و فارغ از کنترل مقداری ترازنامه که باید آرام آرام بانک مرکزی از آن دست بردارد با نگاه به پیشگیری از شوک‌های ارزی با هماهنگی سیاست ارزی، تجاری و مالی کشور پیش برویم، سال‌های پیش رو در دولت جدید



ریشه اصلی
تورم در کشور
ناترازی‌هایی
است که در
بخش واقعی
اقتصاد وجود
دارد و اگر به طور
خاص به این
ناترازی‌های
اقتصاد توجه
نشود، می‌تواند
تمام برنامه‌ها و
دستاوردهایی
که در کنترل
تورم داشتیم را
به راحتی از بین
ببرد

۱۸



اقتصاد

• شماره ۵۱ - مرداد ۱۴۰۳ •

افزایش بهای تمام شده کالاهای ساخته شده خواهد بود. نکته بعدی سیاست‌های ارزی بانک مرکزی است، هیچ کسی در دوره تحریم به خودش اجازه نمی‌دهد رفع تعهد ارزی را نفی کند، به هر حال کشور در شرایط سخت تحریم است و باید ارز حاصل از تولید در کشور به کشور برگردد و صرف امور کشور شود و کسی قبول نمی‌کند در مایحتاج عمومی کشور مردم و کالاهای اساسی تنش ایجاد شود و تامین آن را به نرخ‌هایی که ممکن است دستخوش هیجانات سیاسی، اجتماعی و انتظارات تورمی برای ارز شود، بسپاریم و معیشت مردم را تحت الشعاع قرار دهیم. آنچه مسلم است اینکه با سیاست‌های تثبیت ارزی که دو سال گذشته در پیش گرفتیم، صادرکننده‌های خود را تنبیه می‌کنیم. صادرکنندگان در صادرات‌شان هزینه‌های جدی متحمل شدند، بازارهایشان محدود شده و توقع است این ارز صرف آن بنگاه شود و نرخ‌هایی که برای بازگشت ارز در نظر گرفته شده نرخ واقعی و مقرون به صرفه برای بنگاه‌ها باشد. نباید به این شکل باشد که یک شرکت صادرکننده با تمام مشکلات که برای صادرات و تحریم و رقیبا وجود دارد کار کند و مجبور شود ارز خود را تقدیم واردکننده‌ای کند که از رانت صف‌های تخصیص ارز استفاده می‌کند و کالایی را می‌آورد که سود آن با توجه به ضعف جدی که در شبکه‌های توزیع داریم، برای واردکننده است. بانک مرکزی باید در همراهی با صادرکننده سیاست تثبیت ارزی را تغییر دهد و اجازه ندهد صادرکننده تنبیه و واردکننده تشویق شود.

یکی از اتفاقاتی که افتاد بحث تشکیل بازار متشکل ارزی بود که مرکز مبادله ارزی هم سرمنشاء و آغاز تشکیل بازار ارز کشور است که اتفاق خوبی است، اما هنوز نتوانسته جایگاه خودش را به دست بیاورد. خلاء وجود ابزارهای مشتقات ارزی که در همه جای دنیا برای کنترل این بازار و پیش‌بینی کردن اقتصاد کشور برای سرمایه‌گذار خارجی مرسوم است را ملاحظه می‌کنیم، اگرچه اقدامات خوبی صورت گرفته و این در مقابل انتظاراتی که در جامعه از ایجاد این مرکز وجود دارد کافی نیست و حتماً باید نرخ نیما به نرخ بازار واقعی جامعه نزدیک شود. انتظارات تورمی از کدام نرخ ارزی می‌بیند، نرخ ارز رسمی یا نرخ ارز بازاری؟ قطعاً انتظارات تورمی که طی این چند سال دامن زده شده ناشی از اثرات بازار آزاد است که باید به آن توجه شود. نمی‌توان این بخش را در نظر نگرفت و بگوییم وجود ندارد،

اثر می‌گذارد و مردم براساس این نرخ انتظارات تورمی خود را شکل می‌دهند.

حسن خانی: وقتی شما

پیشنهاد می‌دهید به چهار سوال باید پاسخ بدهید. یک، مشکل دقیقاً چیست که



می‌خواهید بازار ارز ایجاد کنید. دو، پیشنهاد شما با چه مکانیزمی آن مشکل را رفع می‌کند؟ اگر بازار ایجاد کردید چه اتفاقی را رقم می‌زند؟ سوال سه، تبعات پیشنهاد شما چیست و سوال چهار، آیا پیشنهاد شما بهینه است؟

پیشنهاد می‌دهند سقف نیما را باید برداریم یا به بازار آزاد نزدیک کنیم. قرار است چه مشکلی را حل کند؟ قرار است رانت را حل کند؟ نیما را به بازار آزاد نزدیک می‌کنیم، بازار آزاد کجا می‌رود؟ بالاتر می‌رود. رانت مدخل درستی برای سیاست‌گذاری ارزی در شرایط تحریم نیست. برای مثال روزی مسئولان سازمان توسعه تجارت گفتند می‌خواهیم برای واردکنندگان موبایل سقف سابقه بگذاریم، یعنی کسی که پارسال ۵۰۰ میلیون دلار موبایل می‌آورد، امسال می‌تواند بیاورد و تازه‌کاری که می‌خواهد واردات انجام دهد، نمی‌تواند. این هم رانت است اما در شرایط خاص برای اینکه شوک به بازار نیاید باید اینکار را انجام داد، کما اینکه این کار را انجام دادند و جلوی شوک ارزی ناشی از تقاضای بی‌رویه واردات موبایل به کشور گرفته شد. رانت مدخل درستی برای سیاست‌گذاری ارزی در شرایط فعلی کشور نیست. مثال دیگر، نرخ تورم در دو سال گذشته ۵۰ درصد و تسهیلات بانکی ۲۳ درصد بود، کسی که تسهیلات می‌گرفت ۲۷ درصد رانت دریافت می‌کرد، آیا این رانت به شما این مجوز را می‌دهد که نرخ تسهیلات را ۵۰ درصد کنید؟ آرژانتین این کار را کرد و ببینید به چه فلاکتی افتاد، نرخ تورم در آرژانتین ۷۰ درصد بود، نرخ سود بانکی را ۷۰ درصد کردند، اما نرخ تورم در آرژانتین ۱۳۰ درصد شد. گاهی به اسم رفع رانت، فاجعه به وجود می‌آید، با اینکه نیت این نیست، اما در دام می‌افتد. در دام تسلسلی که بین نرخ نیما و نرخ آزاد رانتی است که نرخ نیما را بالا می‌برد اما باز هم بازار آزاد بالا می‌رود. آن وقت می‌خواهید چه کنید؟ وقتی راجع به سیاست‌گذاری ارزی به خصوص اقتصادی در کشور تحریم شده که شش سال تورم بالای ۴۰ درصد را تجربه کرده نسخه سیاستی می‌گذارید، باید به این چهار سوال دقیق پاسخ بدهید.

برنامه
بانک مرکزی
برای کنترل
مؤسسات
متخلف و عدم
مجوز برای
اضافه برداشت
بانک‌ها تأثیر
بسیار خوبی
بر کنترل رشد
پایه پولی کشور
داشت

تمام برنامه‌ها و دست‌آورد‌هایی که در کنترل تورم داشتیم را به راحتی از بین ببرد.

حسن خانی: چند نکته را به

عنوان پیشنهاد می‌گویم،

یکی بند ۷ سیاست‌های کلی

اشتغال است که حتماً دولت

جدید باید به هماهنگی سیاست‌های پولی،

مالی، ارزی و تجاری همت بگمارد. مسئله دوم

که به دولت چهاردهم پیشنهاد می‌دهم

رعایت الزامات سیاست‌گذاری ارزی در شرایط

تحریم است. نطقی از آقای طبیب‌نیا دیدم که

در واقع فرمانده اقتصادی دولت چهاردهم

معرفی شده که ایشان درباره رانت ارزی

صحبت می‌کردند که نگاه درستی نیست و باید

با اقتضائات شرایط تحریم و پابندی به لنگر

اسمی نرخ ارز به عنوان یکی از پیشران‌های

شوکه‌های تورمی سیاست‌گذاری کرد. اصلاح

روابط مالی نفت و بودجه از مسائل مهم کشور

است که متأسفانه تا الان موفقیتی به دست

نیآورده‌ایم. مسئله بعدی تفکیک بودجه ارزی

از ریالی است که این تفکیک باعث شفافیت در

روابط مالی دولت می‌شود. مسئله بعدی گزیر

بانکی است، اگر بانکی در چرخه ناسالم قرار

گرفت که اصلاح‌پذیر نیست نباید منابع کشور

و بیت‌المال صرف بدرفتاری‌های آن بانک

شود، حتماً باید فرایندهای گزیر برای

بانک‌های اصلاح‌ناپذیر با جدیت و البته با

رعایت ملاحظات آن برای مردم دنبال شود. تا

وقتی نتوانیم فرایند گزیر را برای برخی

بانک‌هایی که ناسالم‌اند و امکان سالم‌سازی

آنها وجود ندارد طی کنیم، اصلاح نظام بانکی

معنا نمی‌یابد و باز به چهار مطالبه مقام معظم

رهبری که سال ۹۷ از دستگاه حاکمه و اجرایی

کشور خواستند، باز می‌گردم، اصلاح نظام

بانکی، اصلاح نظام بودجه ریزی، اصلاح نظام

مالیاتی و اصلاح قانون سیاست‌های کلی اصل

۴۴ که اگر این چهار اصلاح انجام شود بسیاری

از مشکلات از جمله تورم در کشورمان حل



چه شیوه‌ها و همکاری برای ادامه

روند سیاست‌گذاری پولی

پیشنهاد می‌کنید؟

قدرتی: اگر نگاه واقع

بینانه‌تری به عملکرد بانک

مرکزی و اجرای

سیاست‌های بانک مرکزی

طی دو سال گذشته داشته باشیم، می‌توان به

این عملکرد نمره قبولی داد زیرا اقدامات

خوبی در این دوره صورت گرفته است. یکی از

اقدامات خوبی که در این دوره صورت گرفته

مقابله با بانک‌های متخلف و ناتراز بود که

تداوم این سیاست می‌تواند کمک بسیار

زیادی به کنترل تورم داشته باشد. برنامه بانک

مرکزی برای کنترل این مؤسسات متخلف و

عدم مجوز برای اضافه برداشت این بانک‌ها

تأثیر بسیار خوبی بر کنترل رشد پایه پولی

کشور داشت. نکته دوم بحث توجه بانک

مرکزی بر ترانزنامه بانک‌ها و الزام بانک‌ها به

خروج از بنگاه‌داری بود که پس از سال‌ها

اتفاق خوبی در بانک ملی افتاد و بخشی از

سرمایه‌گذاری و بنگاه‌داری این بانک به پایان

رسید و منافع حاصله در راستای عملیات

بانکداری مورد استفاده قرار گرفت. مسئله

بعدی تثبیت و تمرکز جدی بر سیاست‌های

پولی و اصرار بر تداوم آن بود که بهتر است این

اصرار در دولت بعدی هم ادامه پیدا کند.

سیاست کنترل بازار پولی و انقباض پولی که

اتفاق افتاده حتماً باید رخ دهد. در کنار آن دو

موضوع تمرکز بر سیاست‌های مالی و تمرکز بر

گسستی که در بخش واقعی اقتصاد رخ داده

باید صورت گیرد. در حال حاضر دولت

سیزدهم اقتصاد کشور را در شرایط خوبی

تحویل می‌دهد و بستر لازم برای انجام

فعالیت‌های دولت بعدی فراهم است. باید

حواس‌مان باشد ریشه اصلی تورم در کشور

ناترازی‌هایی است که در بخش واقعی اقتصاد

وجود دارد و اگر به طور خاص به این

ناترازی‌های اقتصاد توجه نشود، می‌تواند



ارتباط بانک مرکزی در دوره جدید با دنیا برقرار شد



کیومرث کرمانشاهی

معاون کل اسبق سازمان توسعه تجارت

سال اخیر، موضوع برگشت ارز است. قبول داریم الان شرایط کشور، شرایط خاصی است، ما در تحریم هستیم و مشکلات نقل و انتقال پول داریم، به همین دلیل هم برگرداندن پول مشکلات خودش را دارد، ولی بانک مرکزی باید برای این ماجرا هم برنامه داشته باشد. گاهی اعلام می‌شود که می‌خواهیم از صنایع کوچک و متوسط حمایت کنیم، مثلاً اینها را معاف کنیم، به نظر من باید برای این مسئله هم جزء به جزء برنامه داشت و با دلیل و برهان اعلام کرد. اگر مثلاً قرار است از صنایع بزرگ حمایت نشود، دلایلش مطرح شود، اگر قرار است از صنایع کوچک و متوسط حمایت شود، دلایلش برشمرده شود و این به آن هماهنگی‌ها و تطابق سیاست‌های اقتصادی و تجاری ما برمی‌گردد که اگر این کار انجام شود، فکر کنیم تا حد زیادی تکلیف معلوم می‌شود. یکی از خواسته‌های فعالان اقتصادی پیش‌بینی پذیر بودن بازارهاست. برای تحقق این امر باید از صدور بخشنامه‌های خلق الساعه و یکباره تا حد امکان جلوگیری کنیم. اگر بخواهیم بازارها قابل پیش‌بینی باشد، نیاز به ثبات داریم. توسعه برنامه و الگو می‌خواهد و کشورهای توسعه یافته با ثبات و برنامه اقتصاد خود را رشد داده‌اند. بانک مرکزی هم در دوره جدید مدیریتی اقدامات خوبی را انجام داده و دیپلماسی فعال اقتصادی با کشورهای منطقه و دنیا برقرار کرده است. اگر مسائل مربوط به نقل و انتقال پول مشخص شود، آن زمان بحث قیمت‌گذاری دستوری و چند نرخ و ... تعیین تکلیف خواهد شد. بنابراین بانک مرکزی تا می‌تواند باید به دنبال ثبات مقررات پولی، مالی و ارزی باشد. اگر این اتفاق بیفتد، تکلیف فعالان اقتصادی و حوزه تولید هم معلوم می‌شود و اینکه فعالان بدانند تقسیم منابع بانکی به چه صورت است و سهم‌شان از منابع بانکی چقدر خواهد بود و واقعاً اینطور نباشد که فقط یک عده خاص به منابع بانکی دسترسی داشته باشند که مطمئناً مدیریت فعلی بانک مرکزی حتماً همین را هم می‌خواهد که واقعاً منابع به دست کسانی برسد که مستحق و فعال واقعی هستند.

شعار سال درباره جهش تولید است. معتقدم بانک مرکزی باید به صورت شفاف اعلام کند که سالیان گذشته و به ویژه سال قبل چه درصدی از منابع بانکی را به تولید اختصاص داده است و امسال برنامه‌اش چیست و یا اینکه برای سه تا پنج سال آینده چه سیاست‌هایی برای حمایت از تولید دارد؟ به عبارت دیگر، با عدد و رقم و به صورت شفاف، برنامه‌های بانک مرکزی برای اینکه نظام بانکی را به خط کند که منابع مربوطه به سمت تولید هدایت شود، چیست؟ مسئله دیگری که می‌تواند به سیاست‌های کلان کشور کمک کند، به نظر تطابق و هماهنگی سیاست‌های تجاری و اقتصادی با سیاست‌های پولی است. یعنی اگر قرار باشد ما برنامه داشته باشیم، طبیعتاً نمی‌شود که سیستم بانکی کار خودش را انجام دهد و سیستم تجاری هم راه خودش را برود. سیاست‌های تجاری و بانکی ما باید با همدیگر هماهنگی داشته باشند، حتی بحث دیپلماسی و سیاست‌هایی که در حوزه مباحث سیاسی مطرح می‌شود نیز باید با تصمیمات اقتصادی، بانکی و تولیدی ما هماهنگ باشد. یک بحث دیگر که شاید مهم‌ترین سیاستی باشد که بانک مرکزی باید اعمال کند، بحث تک‌نرخ شدن ارز است. در حال حاضر، ارز ترجیحی و نرخ‌های مختلف ارز را داریم، اما به نظر می‌رسد تأثیری در سفره مردم نگذاشته است، بنابراین باید برای حرکت به سمت تک‌نرخ شدن ارز برنامه داشته باشیم، یعنی بانک مرکزی اعلام کند مثلاً ظرف سه یا پنج سال به صورت پلکانی می‌خواهد فاصله قیمت ارزهای مختلف را به هم نزدیک کند. اگر این اتفاق بیفتد، این رانت‌ها از بین می‌رود و تکلیف فعالان اقتصادی یک بار برای همیشه در مورد نرخ ارز مشخص خواهد شد. در واقع چهار مسئله مهم تطابق سیاست‌های تجاری و بانکی، شفافیت و اعلام به موقع آمارها، بحث تک‌نرخ شدن ارز و ارائه برنامه مشخص حمایت از تولید، باید در برنامه‌های بانک مرکزی قرار داشته باشد و به سمتی برویم که فعالان اقتصادی و اهالی کسب و کار نسبت به آنها آگاهی داشته باشند. یک بحث هم در چند

"هنی حمدان"، مدیرمسئول روزنامه اقتصادی "الوطن" سوریه
در گفت و گو با تازه های اقتصاد:

پیمان های پولی قدرت ریال ایران را افزایش می دهد

- کنار گذاشتن دلار آمریکا و مبادله با ارزهای محلی قدرت اقتصادی کشورها را افزایش می دهد
- پیمان های پولی، قدرت ارز محلی را تقویت می کند و آثار مثبت اقتصادی خواهد داشت
- اهمیت ذخایر ارزی کشورها در حمایت از پول ملی و بازپرداخت بدهی های بین المللی نهفته است
- کشورها برای به دست آوردن مزیت رقابتی در تجارت بین المللی، وارد جنگ ارزی می شوند



تغییرات در نرخ بهره به طور فزاینده‌ای منعکس کننده سیاست پولی بانک‌های مرکزی است

بانک مرکزی در هر کشوری، از جایگاه ویژه‌ای در نظام تصمیم‌گیری‌های اقتصادی برخوردار است و اقدامات این نهاد می‌تواند مسیر توسعه اقتصادی کشور و رشد اقتصادی را باز کند. بانک مرکزی همچنین باید اقداماتی را ساماندهی کند تا نرخ تورم در کشور مهار شود و توزیع عادلانه‌ای نیز در تسهیلات بانکی اتفاق بیفتد. طبق قانون، مسئولیت حفاظت از ارزش پول ملی به این نهاد واگذار شده، با این حال سلسله اقداماتی لازم است تا در کنار هماهنگی سیاست‌ها در کشور از مالی، پولی و تجاری، بتوان تورم را مهار و ارزش پول ملی را حفظ و تقویت کرد. بانک مرکزی ایران در دو سال اخیر، گام‌های پایه‌ای و موثری را برای ارتقاء برخی نقش‌های بانک مرکزی برداشته است، از اقدام به کنترل ترازنامه بانک‌ها و رشد نقدینگی برای دستیابی به کنترل تورم تا تثبیت ارزی برای برقراری آرامش در بازار ارز و تقویت مناسبات بین‌المللی برای توسعه همکاری‌های بانکی کشور. از آخرین اقدامات صورت گرفته نیز امضای پیمان پولی با کشور روسیه و اقدام به حذف دلار از مبادلات بین دو کشور است که می‌تواند برای هر دو کشور طرف معامله، دستاوردهایی را به همراه داشته باشد. در این زمینه و همچنین بررسی جایگاه کلیدی بانک مرکزی در تصمیم‌سازی‌های پولی کشور، "هنی حمدان"، کارشناس مسائل اقتصادی سوریه و مدیر مسئول روزنامه اقتصادی "الوطن"، به پرسش‌های مطرح شده از سوی هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد پاسخ داد. وی همچنین سردبیر سابق روزنامه دولتی "تشرین" بوده و تهیه‌کنندگی برنامه‌های اقتصادی تلویزیون سوریه در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ را هم در کارنامه خود دارد. متن زیر حاصل گفت‌وگوی هفته‌نامه تازه‌های اقتصاد با وی است:

یکی از مهم‌ترین اقدامات دولت‌ها و مشخصاً از طریق بانک مرکزی، سیاست‌گذاری ارزی است. سیاست‌گذاری موثر چه ملزوماتی دارد و به چه هدفی باید برسد؟

موفقیت سیاست پولی بانک مرکزی در هر کشوری به مفهوم مدیریت شایسته و توانمند در عملکرد خوب و ترسیم چشم‌انداز صحیح آینده است. سیاست پولی یکی از ابزارهای اصلی سیاست‌های کلان اقتصادی برای مدیریت شرایط کلی اقتصاد کشور است. به طور کلی، بانک مرکزی یا مرجع پولی هر کشوری، مسئول تهیه و اجرای سیاست پول ملی است که هدف آن دستیابی به تعادل بین عرضه و تقاضا در زمینه پول

از طریق تعدیل مستمر نرخ بهره و انجام تعدیل‌ها و اصلاحات پولی با اتخاذ اقداماتی انعطاف‌پذیرتر و منطبق‌تر با ماهیت چالش‌ها و تغییرات ناشی از رویدادها و شاخص‌ها در کشور است. ایجاد چنین تعادل ظرفیتی بین عرضه و تقاضا در زمینه پول از طریق جلوگیری از رشد غیرمنطقی نقدینگی محقق می‌شود تا مانع افزایش نرخ تورم شود و در عین حال از کمبود عرضه پول و به تبع، محدود شدن رشد اقتصادی جلوگیری کند. از آنجایی که عرضه پول به تدریج تا حد زیادی می‌بازد تقاضا برای پول وابسته شده است، نوآوری‌های مالی تا حدودی موجب عدم اطمینان از روابط درهم‌تنیده سنتی میان پول، تولید و قیمت‌ها شده است. در نتیجه، تغییرات در نرخ بهره به طور فزاینده‌ای منعکس کننده سیاست پولی بانک‌های مرکزی است. در حالی که هدف از اتخاذ سیاست پولی محدودکننده (که با نرخ‌های بهره بالا منعکس می‌شود) مهار تورم است. سیاست پولی انبساطی (که با نرخ بهره پایین منعکس می‌شود) با هدف حل مشکل رکود اتخاذ می‌شود.

برخی کشورها با اعمال سیاست تثبیت ارزی و یا شناورسازی نرخ ارز، موفق به برقراری آرامش ارزی می‌شوند. چگونه باید به انتخاب درست در سیاست‌گذاری ارزی برسیم؟

شناور کردن نرخ ارز به مفهوم واگذار کردن آن به مکانیزم عرضه و تقاضا، بدون دخالت بانک مرکزی در تعیین قیمت آن است، اما این مفهوم، وجود حقیقی ندارد، حتی در زمینه ارزهای شناور که به ارزهای سخت معروف هستند و عبارتند از دلار آمریکا، یورو، پوند انگلیس، ین ژاپن و فرانک سوئیس، اگرچه تسویه حساب‌های مالی جهانی غالباً با این ارزها انجام می‌شود و این ارزها در مبادلات پولی بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرند، اما دولت‌های آنها معمولاً نرخ خاصی را مدنظر قرار می‌دهند تا منافع آنها را محقق کند و در واقع برای تثبیت نرخ مورد نظر، به طور غیرمستقیم از طریق مکانیزم‌های مختلف سیاست پولی تلاش می‌کنند. دو نوع شناورسازی نرخ ارز وجود دارد. یک نوع، شناورسازی مطلق است و دیگری شناورسازی مدیریت شده یا همان نوعی که بانک مرکزی در هر کشوری در آن مداخله می‌کند تا نرخ ارز را در راستای منافع اقتصاد ملی و نیازهای موجود از دوره‌ای به دوره دیگر، افزایش یا کاهش دهد. شناورسازی مدیریت شده معمولاً توسط کشورهایی با اقتصاد قوی انجام می‌شود که سهم قابل توجهی از تجارت بین‌المللی را به خود اختصاص می‌دهند، بنابراین

شناورسازی
مدیریت
شده نرخ ارز
معمولا توسط
کشورهایی با
اقتصاد قوی
انجام می شود

مداخله ارزی که به عنوان مداخله در بازار ارز یا دستکاری ارز نیز شناخته می شود، فرآیندی است که با سیاست پولی مرتبط است. این مداخله زمانی اتفاق می افتد که دولت یا بانک مرکزی به قصد تأثیرگذاری بر نرخ ارز و سیاست تجاری، ارزهای خارجی را در ازای پول داخلی خود خریداری کرده و یا می فروشد. سیاست گذاران ممکن است به منظور پیشبرد اهداف مختلف اقتصادی از جمله کنترل تورم، حفظ قدرت رقابت و یا حفظ ثبات مالی در بازارهای ارز مداخله کنند. اهداف دقیق این مداخله می تواند به مرحله توسعه کشور، میزان توسعه بازار مالی و ادغام بین المللی و سرعت آسیب پذیری کشور در برابر شوک ها و عوامل دیگر وابسته باشد. تورم بالا می تواند هزینه های جدی و همیشگی را بر اقتصاد و مردم تحمیل کند، اما آثار توزیعی تورم، یعنی نحوه توزیع پول از برخی افراد به نسبت دیگران پیچیده است. برای پاسخ موثر و کارآمد به شدیدترین افزایش تورم در طول سه دهه اخیر و درمان آسیب های وارده به خانوارها، سیاست گذاران باید درک بهتری از نحوه تأثیر تورم بر گروه های مختلف جامعه در مکان های مختلف داشته باشند. تورم غیرمنتظره همانطور که در شرایط بحران ها رخ می دهد، منجر به فرسایش ارزش واقعی بدهی های دولت به هزینه و زیان دارندگان اوراق می شود. برای کشورهایی که بدهی آنها بیش از ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی است، هر افزایش غیرمنتظره (غافلگیرکننده) یک درصدی در نرخ تورم، تخمین زده می شود که بدهی عمومی را به میزان ۶ درصد از تولید ناخالص داخلی کاهش می دهد و اثر آن برای چندین سال باقی می ماند. تورم منجر به فرسایش درآمدهای واقعی در کشورهای واردکننده کالاهای اولیه شده است، زیرا دستمزدها در سطح گروه های درآمدی مختلف با قیمت ها همگام نبوده است.

برخی اقتصاددانان، مهم ترین عامل نوسانات تورمی را متلاطم بودن بازار ارز می دانند. برای جلوگیری از اثر منفی نرخ ارز بر سیاست کنترل تورم، چه باید کرد؟

اهمیت ذخایر ارزی کشورها در حمایت از پول ملی و

برای افزایش یا کاهش واردات یا صادرات کالا به این نوع شناورسازی رو می آورند. این نوع مکانیسم شناورسازی در جنگ ارزی که اقتصاد جهانی پس از بحران مالی بین المللی سال ۲۰۰۸ شاهد آن بود، برای به حداکثر رساندن صادرات و کاهش واردات، استفاده شد. البته کشورهایی که اقتصاد ضعیفی دارند نیز ممکن است به چنین مکانیسمی متوسل شوند، اما این اقدام برای آنها بار مالی و اقتصادی زیادی را به همراه دارد. مصر از نمونه کشورهایی است که از این مکانیسم استفاده می کند و برای تثبیت نرخ ارز، به سرمایه گذاری خارجی متوسل می شود. کشورها در صورت مواجه شدن با شرایط ناپایدار مالی و اقتصادی، به سیاست شناور کردن ارزهای خود متوسل می شوند که این امر موجب می شود تا داشتن ارزهای خارجی به یکی از عوامل مهم آشفته گی بازار تبدیل شود، زیرا سفته بازی ها زیاد شده و نرخ ارز از کنترل بانک مرکزی و نظام بانکی خارج شده و به دست بازار موازی یا بازار سیاه می افتد. از اینرو دولت با تعهداتی بیش از ظرفیت خود مواجه می شود، در حالی که منابع ارزی موجود در کشور، خارج از کنترل آن و در اختیار نهادهایی غیر از بانک مرکزی، سیستم بانکی و موسسات مالی است، به همین دلیل در چارچوب یک برنامه اقتصادی، به شناور کردن ارز متوسل می شود تا به وضعیت ثبات سیاسی برسد. مطالعات نشان داده است که شناور کردن پول محلی در اقتصادهای آشفته به توصیه و سفارش صندوق بین المللی پول و یا در چارچوب آنچه به عنوان دستور کار صندوق بین المللی پول شناخته می شود، انجام می گیرد که معمولا شامل مجموعه ای از اقدامات از جمله شناورسازی قیمت ارز، آزادسازی نرخ بهره و کاهش تعداد کارکنان بخش دولتی، اتخاذ برنامه خصوصی سازی بخش دولتی، آزادسازی تجارت خارجی و سایر مسائل دشوار است.

اساسا میزان اثر و مداخله فدرال بانک ها بر بازار ارز تا چه میزان است و عدم مداخله در بازار ارز چه خطراتی خواهد داشت؟



بازپرداخت بدهی های بین المللی نهفته است. هر کشوری می تواند ذخایر خود را از هر نوع ارز خارجی قرار دهد که می خواهد نرخ ارز خود را مطابق با آن تعیین کند. به عنوان مثال، اگر کشوری نرخ ارز خود را ۴۰ لیر در برابر دلار تعیین کند، باید به ازای چاپ هر ۴۰ لیر، یک دلار ذخیره کند، به این معنی که باید ذخایر ارزی خارجی را به اندازه ای حفظ کند که بتواند تمام پول محلی را براساس نرخ ارز مشخص شده تبدیل کند. این شاخص ها البته با توجه به سیاست های هر کشوری، در زمینه پولی و مالی تغییر می کنند. نرخ ارز در قالب یکی از سه سیستم ثابت، شناور و شناور کنترل شده تعیین می شود.

تا چه میزان به جنگ ارزی بین کشورها و استفاده از ارز به عنوان یک ابزار سیاسی در جهان امروز معتقدید؟

جنگ ارزی زمانی رخ می دهد که بانک مرکزی یک کشور به سمت سیاست های پولی محرک برای کاهش عمده ارزش پول داخلی خود حرکت می کند. کشورها برای به دست آوردن مزیت رقابتی در تجارت بین المللی، وارد جنگ ارزی می شوند و هنگامی که ارزش پول ملی خود را کاهش می دهند، صادرات خود را در بازارها کم هزینه تر می کنند و در نتیجه شرکت ها صادرات بیشتری انجام می دهند و سودآورتر می شوند و به ایجاد اشتغال و بالتبع، رشد اقتصادی کمک می کنند. جنگ های ارزی همچنین به سرمایه گذاری در دارایی های دولتی تشویق می کنند، به گونه ای که بازار سهام برای سرمایه گذاران خارجی گران تر می شود و هر چه حجم سرمایه گذاری خارجی به دلیل هزینه نسبتاً ارزان برای تجارت بیشتر باشد، فعالیت اقتصادی دولت افزایش می یابد. معمولاً نرخ ارز یک کشور در برابر ارز دیگر، هنگام مبادله بین کشورها تعیین می شود. در جنگ ارزی، یک کشور عمداً ارزش پول خود را در برابر کشور دیگر کاهش می دهد و عمداً قیمت ارز کشورها در برابر دلار آمریکا را بازار تعیین می شود.

برخی صاحب نظران جایگاهی برای بانک های مرکزی در مدیریت بازار ارز قائل نیستند و معتقدند بانک مرکزی کاملاً باید از سیاست گذاری بیرون برود. درباره این دیدگاه چه نظری دارید؟

بررسی پوشیده نیست که یکی از مهم ترین وظایف بانک مرکزی کنترل نرخ ارز، کنترل سطح نرخ بهره، نظارت بر بانک ها و تلاش برای محدود کردن نرخ تورم است. بانک مرکزی همچنین مشاور دولت و

آخرین پناهگاه برای اعطای وام است و برخی نیز حل مشکلات توسعه اقتصادی را نیز به مجموعه وظایف آن می افزایند. در واقع بانک مرکزی از مجموعه ای از سیاست ها برای انجام این وظایف استفاده می کند که مهم ترین آنها کنترل سطح ذخیره قانونی، کنترل نرخ های بهره، تنزیل شده توسط بانک ها و ورود به بازار به عنوان فروشنده یا خریدار انواع اوراق بهادار یا ارزهای خارجی است. این سیاست ها به تثبیت سطح عرضه پول در بازارها کمک می کند و در نتیجه سطح معقولی از تورم را حفظ و از نرخ ارز محلی در برابر نوسانات بزرگ و مکرر حفاظت می کند.

در مواقع محدودیت منابع ارزی، بانک های مرکزی اقدام به سهمیه بندی ارزی کرده و مرکزی را برای مدیریت مصارف ارزی ایجاد می کنند. با این نوع اقدامات چقدر موافقت؟ راهکار دیگری برای مدیریت تقاضای ارزی دارید؟

اولویت ها در دستیابی به اهداف، با توجه به شرایط اقتصادی که هر کشوری طی می کند، تعیین می شود و در اجرای این اهداف، انعطاف لازم برای انطباق با تمامی تغییرات متوالی اقتصادی داده می شود. تدوین سیاست های پولی و مالی کوتاه مدت و میان مدت برای محدود کردن افزایش بیش از حد نرخ های تورم که با گشایش اقتصادی و توسعه سرمایه گذاری همراه است، مشروط بر اینکه این سیاست ها به خودی خود هدف نباشند، در این خصوص باید مورد توجه باشد.

از ابزارهای مدیریت ارزی در جهان، پیمان های پولی است که برخی کشورها منعقد می کنند. در این زمینه چه نظری دارید؟

شکی نیست که ارز در بلوک های اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار است و میزان قوی بودن ارز به این معناست که اقتصاد کشور از رانت های عالی برخوردار است. بلوک های جهانی به سمت کنار گذاشتن دلار آمریکا حرکت کرده اند، همانطور که درباره روسیه و چین اتفاق افتاد و دو کشور وابستگی اقتصاد خود به ارزهای خارجی را کاهش دادند و ارز واحد مشترک را ابزار مبادلات ارزی قرار دادند. بدون شک این امر آثار مثبت اقتصادی و موفقیتی در سیاست های کلی دو کشور و اقتصاد آنها خواهد داشت و قدرت مضاعفی را به واحد پول هر کشوری می دهد که روابط خود را با سایر ارزها تا حد امکان کاهش می دهد.

محمد رضا رنجبرفلاح، مدیرعامل اسبق بانک تجارت
در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد:

مدیریت بانک مرکزی نوسانات ارزی را مهار کرد

- بانک مرکزی در زمینه کنترل رشد نقدینگی بسیار موفق عمل کرد که اثر آن را بر قیمت دارایی‌ها و کاهش تورم مشاهده می‌کنیم
- در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی افزایش یافته و رشد اقتصادی مثبت شده که علامت خوبی است
- بانک مرکزی با راه‌اندازی مرکز مبادله ارز و طلا توانست درصد بالایی از مبادلات واقعی اقتصادی را به این بازار هدایت کند



با این همه تلاطم‌های سیاسی که حداقل در دو سال گذشته مشاهده کردیم، به غیر از مدت زمان کوتاه چند روزه بانک مرکزی توانست به خوبی بازار را مدیریت کند و نوسانات را تا حد ممکن از بین ببرد

۲۶



• شماره ۵۱ - مرداد ۱۴۰۳ •

بررسی شاخص تورم و متغیرهای پولی و اعتباری اثرگذار در آن مانند نرخ رشد نقدینگی و رشد پولی از موفقیت سیاست تثبیت بانک مرکزی حکایت می‌کند. براین اساس، نرخ تورم نقطه به نقطه مصرف‌کننده از مردادماه ۱۴۰۰ تا فروردین‌ماه ۱۴۰۳ حدود ۱۲.۸ درصد کاهش داشته و تورم سالانه نیز از ابتدای دولت یعنی مردادماه ۱۴۰۰ از ۴۵.۷ درصد به ۳۸.۸ درصد در فروردین‌ماه ۱۴۰۳ کاهش یافته، همچنین رشد نقدینگی از ۳۹ درصد در سال ۱۴۰۰ به ۲۴.۳ درصد در سال ۱۴۰۲ رسیده است. رشد اقتصادی به عنوان یکی از شاخص‌های اساسی رونق اقتصادی در کشور طی نزدیک به سه سال فعالیت دولت سیزدهم بهبود قابل ملاحظه‌ای یافته است، به طوری که میانگین رشد اقتصادی در سه سال پایانی دولت دوازدهم منفی ۲۰.۵ درصد بوده و این عدد در سه سال ابتدایی فعالیت دولت سیزدهم، به بیش از ۵.۵ درصد رسیده است. به طور مشخص، رشد اقتصادی کشور در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ به ترتیب برابر با ۵.۶ و ۵ درصد بوده و برآوردها نشان می‌دهد این رقم در سال ۱۴۰۲ به بیش از ۶ درصد رسیده است. شاخص مهم دیگری که می‌تواند پایداری رشد را در اقتصاد تضمین کند، سرمایه‌گذاری یا تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ملی است. این شاخص در دهه ۱۳۹۰ به طور کلی منفی بوده و نرخ رشد آن در طول سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹، منفی ۱۳.۸ درصد بوده است. با آغاز کار دولت سیزدهم، رشد تشکیل سرمایه ثابت مثبت شد، به نحوی که سال ۱۴۰۰ به ۴.۱ درصد و سال ۱۴۰۱ نیز به ۲.۵ درصد رسید. همچنین رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ۹ ماهه اول سال ۱۴۰۲ نیز ۴.۵ درصد و به طور متوسط رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در طول دولت سیزدهم ۳.۶ درصد بوده است. در همین زمینه با محمدرضا رنجبرفلاح، مدیرعامل اسبق بانک تجارت به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

از نظر جنابعالی، اقدامات شاخص دولت سیزدهم در بخش بانکی و اقتصادی چه مواردی بوده است؟

در ابتدای دولت چند متغیر کلان اقتصادی

دچار شرایط بسیار حادی شده بود، افزایش نرخ تورم، نوسانات شدید نرخ ارز، سرمایه‌گذاری منفی و همچنین رشد منفی اقتصاد یا رکودی که برای یک دهه بر اقتصاد حاکم شده بود. همه اینها برنامه‌ریزی مناسبی را می‌طلبید که باید از جانب مجموعه اقتصادی کشور و از جمله بانک مرکزی، راهکارهایی برای آن اندیشیده می‌شد. برای مبارزه با تورم و مهار آن، این تدبیر اندیشیده شد که رشد نقدینگی مهار و اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی کنترل شد، همچنین سیاست کنترل ترانزنامه‌ای بانک‌ها در دستور کار قرار گرفت و یک مقدار هم از ابزار نرخ بهره به عنوان ابزار سیاست‌گذاری استفاده شد. در زمینه کنترل نقدینگی، بانک مرکزی بسیار موفق عمل کرد، به نحوی که این نرخ رشد از بالای ۴۰ درصد به زیر ۲۵ درصد و نزدیک ۲۴ درصد رسیده و بلافاصله اثر خودش را در اقتصاد گذاشت که اثر آن را بر قیمت دارایی‌ها و همچنین کاهش نرخ تورم مورد انتظار مشاهده می‌کنیم.

در زمینه مدیریت نرخ ارز و کاهش نوسانات آن، بانک مرکزی، بازار مبادله ارز و طلا را تشکیل داد که صادرکنندگان و واردکنندگان کالا ارزشان را در آن بازار مبادله کنند تا بانک مرکزی بتواند درصد بالایی از مبادلات واقعی اقتصاد را به این بازار هدایت کند و نرخ ارز در این مرکز شکل بگیرد. از طرف دیگر، ارزی که با نرخ ۴۲۰۰ تومان تخصیص داده می‌شد، به دلیل رانت و فساد که در اقتصاد ایجاد می‌کرد، حجم آن کاهش پیدا کرد و سیاست‌ها به سمت نرخ دیگری که ۲۸۵۰۰ تومان بود، هدایت شد. همین‌جا لازم است درخواست خودم را از بانک مرکزی اعلام کنم که هرچه سریع‌تر نرخ ۴۲۰۰ تومان را رسماً خاتمه بدهد و پایان آن را اعلام کند، هر چند مقدار تخصیص آن ممکن است اندک باشد. همچنین سیاست تک‌نرخ شدن را به تدریج و ملایم دنبال کند، یعنی میزان تخصیص‌های بانرخ ۲۸۵۰۰ تومان را هم به تدریج کم کند و به سمت نرخ مبادله ببرد، چون تجربه نشان می‌دهد این سیاست به لحاظ قیمت کالاهای اساسی خیلی موفق نبوده است. چون قیمت کالاهای اساسی که با ارز ترجیحی وارد کشور می‌شود، برای مصرف‌کننده در بازار تفاوت محسوسی ندارد که به اندازه تفاوت ۲۸۵۰۰ تومان تا ارز بازار آزاد باشد، به خاطر همین بانک مرکزی نرخ توافقی را که رئیس کل بانک

تجدید نظر در
سیاست‌ها
کمک می‌کند
که شاهد رشد
تولید و صادرات
در کالاهای
کشاورزی
و صادرات
غیر نفتی باشیم

و افزایش پایه‌های مالیاتی، اقداماتی را انجام داده است که البته چون برخی از آنها جدید است و تاکنون تجربه نشده، شوک‌هایی را وارد کرده است، ولی وقتی آمار درآمدهای مالیاتی را در بودجه می‌بینیم، مشاهده می‌کنیم که آن هدف دیرینه‌ای که دنبالش بودیم که از سهم نفت در بودجه کاسته شود و مثل تمام کشورهای توسعه یافته، سهم مالیات‌ها افزایش پیدا کند و هزینه‌های دولت به درآمدهای مالیاتی وصل شود، اتفاق افتاده است، البته باید مراقب بود که مالیات‌های جدیدی که وضع می‌شود، آن‌هم در اقتصادی که یک دهه در شرایط رکودی بوده است، باعث تشدید رکود نشود. به هر حال، اینها مراقبت‌هایی است که در حال حاضر در فضای سیاست‌گذاری کشور صورت می‌گیرد.

**در خصوص بحث رفع
ناترازی‌ها که بانک مرکزی
به طور جدی به آن ورود
کرده است، چه نظری
دارید؟ اقداماتی مثل کنترل
ترازنامه‌ها و کارهایی از این
دست تا چه اندازه می‌تواند
موثر باشد و به طور کلی اگر
ناترازی‌ها برطرف شود، چه
تأثیری را می‌تواند در اقتصاد
و بانکداری ما داشته باشد؟**

مجموعه ناترازی‌ها را اگر بخواهیم برای همه اقتصاد کشور نام ببریم، فهرستی می‌شود مثل ناترازی در بودجه خانوار، ناترازی در نقدینگی بنگاه‌ها و سودآوری آنها، ناترازی در بودجه دولت، ناترازی در تراز بانک‌ها، به نحوی که بعضی از بانک‌ها اضافه برداشت دارند، حساب بین بانکی آنها منفی است و یا از منابع اتاق پایایی و وجوه بین بانکی

مرکزی اعلام کرد، باید فعال‌تر کند و حجم آن را بالا ببرد، به نحوی که ما یک نرخ بازار مبادله و یک نرخ توافقی را داشته باشیم و از حالت چندنرخ‌ی خارج شویم، ولی این باید به تدریج اتفاق بیفتد تا زمانی که اقتصاد در یک نرخ توافقی یا نرخ نزدیک به بازار آزاد، به تعادل و ثبات برسد. این مجموعه اقدامات مفیدی بوده که بانک مرکزی در حوزه ارزی انجام داده و اگر بخواهیم منصفانه نگاه کنیم، با این همه تلاطم‌های سیاسی که حداقل در دو سال گذشته مشاهده کردیم از جمله حمله رژیم صهیونیستی به غزه و اتفاقاتی که افتاد و ناخواسته ایران درگیر یکسری از مسائل شد، همه اینها شوک‌های سنگین امنیتی، نظامی و سیاسی بود که بلافاصله در بازارهای متعدد اقتصادی از جمله بازار ارز می‌تواند اثر بگذارد، اما به غیر از مدت زمان کوتاه چند روزه، مشاهده کردیم که بانک مرکزی توانست به خوبی بازار را مدیریت کند و نوسانات را تا حد ممکن از بین ببرد.

در خصوص رشد اقتصادی و رشد سرمایه‌گذاری هنوز آثار سیاست‌ها را کامل نمی‌توانیم ببینیم، اما علامت‌های آن آغاز شده است، یعنی همین که بالاخره در سال ۱۴۰۲ و ۱۴۰۱ می‌بینیم که ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی رشد پیدا کرده و رشد اقتصادی مثبت شده، علامت خوبی است. البته بالا رفتن نرخ بهره که برای کنترل تورم اتفاق افتاده، باید مراقب این باشیم که اگر خیلی شدید باشد، می‌تواند در بحث جهش تولید و رشد اقتصادی آثار منفی بگذارد. این مجموعه اقدامات باعث شده ما یک نوع سیاست تثبیت را به معنای ثبات و آرامش بخشد به بازارها تجربه کنیم، در این زمینه بانک مرکزی بسیار خوب عمل کرده و وزارت امور اقتصادی و دارایی هم در زمینه مالیات‌ها



نرخ ارز توافقی مدنظر بانک مرکزی افزایش یابد

بانک مرکزی نرخ توافقی را که رئیس کل اعلام کرد را باید فعال‌تر کند و حجم آن را بالا ببرد، به نحوی که ما یک نرخ بازار مبادله و یک نرخ توافقی را داشته باشیم و از حالت چندنرخ‌ی خارج شویم، ولی این باید به تدریج اتفاق بیفتد تا زمانی که اقتصاد در یک نرخ توافقی یا نرخ نزدیک به بازار آزاد، به تعادل و ثبات برسد.

استفاده می کنند و بخشی از این ناترازی هم به دلیل این است که از دولت طلب دارند. هر کدام از این ناترازی ها موجب ناترازی بعدی می شود. به هر حال افزایش قیمت ها و تورم، قدرت خرید خانوارها را متأثر کرده و آنجا یک ناترازی اتفاق افتاده است. بودجه دولت به دلیل اینکه صادرات نفت مدتی کم شده بود و باید از محل دیگری درآمدها جایگزین می شد، دچار ناترازی بود. الان صادرات نفتی ما افزایش پیدا کرده و در حال گسترش است. باید تمرکز زیادی را هم روی صادرات غیرنفتی گذاشت، به ویژه در زمینه سیاست های ارزی باید تجدیدنظری صورت بگیرد. برخی از بخش های اقتصادی، به ویژه بخش کشاورزی با صادرات مواجه است، اقلامی مثل پسته، زعفران و کالاهای دیگر، اقلام صادراتی هستند که برای کشور درآمد ارزی می آورند. این بخش ها از آنجایی که از رانت برق و گاز ارزان و اینطور مسائل کمتر استفاده می کنند یا اصلا استفاده نمی کنند، بنابراین ملزم کردن آنها برای اینکه حتما ارزشان را در مرکز مبادله بفروشند، شاید سیاست درستی نباشد. مثلا قیمت جهانی پسته به دلیل افزایش تولیدات پسته جهانی افت کرده، میزان تولیدات آمریکا به شدت افزایش پیدا کرده، کشورهای دیگری مثل ترکیه، افغانستان و یونان به صادرات پسته روی آورده اند، قیمت پسته در بازارهای جهانی پایین آمده، بنابراین روی درآمد کشاورزان ایرانی اثر گذاشته است. حالا کشاورزی که قیمت تمام شده محصولش با قیمت های تعادلی آزاد است را ملزم کردند که ارز را باید مثلا با نرخ ۴۲-۴۱ هزار تومان عرضه کند و این در حالی که قیمت های جهانی هم پایین آمده است، آسیب زیادی زده و کشاورزان نتوانسته اند پسته هایشان را بفروشند، چون قیمت ها اصلا مناسب نبوده است. صادرکنندگانی مثل شرکت تعاونی پسته نیز پسته را از کشاورز خریده و در بازارهای دیگر مثلا چین و کشورهای دیگر آن را انبار کرده، به امید اینکه با بهبود قیمت بتوانند پسته را بفروشند. به عنوان مثال، قیمت پسته الان به حدود ۷ دلار کاهش پیدا کرده است، هفت دلار را حتی اگر به قیمت ارز آزاد در نظر بگیریم، در حدود ۴۰۰ تا ۴۲۰ هزار تومان می شود که برای کشاورزان اصلا مقرون به صرفه نبوده و کشاورزان پسته هایشان را نگه داشته اند. بنابراین می بینیم رکودی در این قسمت کالای کشاورزی وجود دارد و تا ۳۰۴

ماه دیگر پسته جدید هم وارد بازار می شود، در حالی که پسته سال قبل هنوز صادر نشده است. به نظرم بانک مرکزی صادرات این قبیل اقلام را که از رانت در زمینه تولید برخوردار نیستند، به سمت نرخ توافقی هدایت کند. این تجدیدنظر در سیاست ها کمک می کند که شاهد رشد تولید و صادرات در کالاهای کشاورزی و صادرات غیرنفتی در اقتصاد باشیم و گام به گام در سیاست های ارزی مطابق با شرایط اقتصادی باید به صورت سیال و مدیریت شده، اتخاذ تصمیم کرد و جلورفت.

بانک مرکزی تلاش کرده سطح گزارشگری و اطلاع رسانی را در این دوره افزایش دهد، اقداماتی نظیر انتشار داده ها و اطلاع رسانی بیشتر. به نظر شما توجه به فرآیند ارتباطی بانک مرکزی تاجه اندازه می تواند به بهبود عملکرد سیاست گذار پولی کمک کند؟

سیاست بسیار مهمی است، آنچه که نوسانات و انتظارات را تعدیل می کند، آگاهی از سیاست های بانک مرکزی است، چه سیاست های کوتاه مدت، چه میان مدت و بلند مدت. اینکه متباین کل سیاست ها را اعلام می کند یا اینکه معاونت اقتصادی بانک مرکزی آنها را به طور مرتب ارائه می کند، بسیار مفید است. ارتباطی که بانک مرکزی با رسانه های دنیا و موسسات بین المللی دارد و ارتباطی که با بانک های مرکزی کشورهای دیگر برقرار کرده، این فضا را خیلی روشن و شفاف می کند که هم ذهنیت کشورهای دیگر به صورت برون مرزی رویه الیام و بهبود برود و هم در داخل کارگزاران اقتصادی شفاف تر نسبت به برنامه های بانک مرکزی آگاه باشند. به لحاظ نظری و تئوریک هم اثبات شده وقتی سیاست ها از قبل اعلام می شود، آثار تلاطم سیاست ها به حداقل می رسد، یعنی واحدهای اقتصادی اطلاع دارند، زمان کافی دارند و می توانند خودشان را با شرایط وفق دهند، به خاطر همین شوکه نمی شوند که بازارها با شوک شدید مواجه شوند. بنابراین روی انتظارات و تلاطم ها اثر گاهنده می گذارد و دامنه نوسان ناشی از هیجانات را پایین می آورد.

مهدی ذوالفقاری، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس
در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد:

کنترل کل‌های پولی اقدام ستودنی بانک مرکزی بود

● بانک مرکزی طی یکی دو سال گذشته، اقدامات

نظارتی مناسبی را اعمال کرده و در برخی
حوزه‌ها مثل کاهش مطالبات مشکوک‌الوصول
پیشرفت‌های خوبی داشته است

● ادغام بانک‌های ناتراز یکی از اقدامات
بسیار خوب بود که باید درباره سایر
بانک‌های مشکل‌دار نیز انجام شود

● کاهش رشد نقدینگی و محدودیت‌هایی که
بانک‌ها به ویژه در پرداخت تسهیلات بانکی دارند
سیاست مطلوبی در کوتاه‌مدت بوده است

● شفاف‌سازی، اعتماد عمومی به
بانک مرکزی را افزایش می‌دهد



بخشی از آرامشی که در بازار ارز ما حاکم شده، به خاطر این است که بخش عمده‌ای از پول‌های حساب‌های بانکی رفته است

بررسی روند رشد نقدینگی در دو سال گذشته، حاکی از مدیریت باثبات نقدینگی و حرکت این متغیر کاملاً مبتنی بر مسیر برنامه‌ریزی شده توسط بانک مرکزی بوده است. در حالی که روند صعودی رشد نقدینگی در سال‌های ۹۹ و ۱۴۰۰ نگرانی‌هایی را در وضعیت کلان اقتصادی به وجود آورده بود، اما اکنون پس از گذشت دو سال از آن مقطع، متغیرهای پولی کشور در وضعیت نسبتاً پایداری قرار گرفته‌اند و آمارها حاکی از تحقق اهداف بانک مرکزی در کنترل رشد نقدینگی و قرار گرفتن در محدوده‌های تعیین شده است. مرور مسیر طی شده نشان دهنده آن است که نرخ رشد دوازده‌ماهه نقدینگی از ۴۲.۸ درصد در پایان مهرماه ۱۴۰۰ طی یک‌روند نزولی به زیر ۲۴ درصد در سال جاری رسیده است. این ارقام بیانگر توفیق بانک مرکزی در اجرای سیاست کنترل مقداری ترازنامه بانک‌ها و دستیابی به اهداف کنترل رشد کل‌های پولی و مدیریت رشد نقدینگی در محدوده هدف تعیین شده است. همچنین در دوره اخیر، بانک مرکزی توجه ویژه‌ای به کنترل خلق پول بانک‌ها داشته و دستاورد مهم به دست آمده در زمینه کاهش رشد نقدینگی به طور مشخص از طریق تنظیم و اعمال جدی سیاست کنترل مقداری ترازنامه بانک‌ها حاصل شده است. در این چارچوب، بانک مرکزی در راستای کنترل رشد خلق پول بانک‌ها و موسسات اعتباری، در سال ۱۴۰۱ ضوابط ناظر بر کنترل مقداری ترازنامه بانک‌ها را تکمیل و اصلاح کرد و علاوه بر کنترل دارایی‌ها، کنترل بدهی‌های ترازنامه بانک‌ها، به ویژه بانک‌های ناتراز و ناسالم، را در دستور کار قرار داد. در همین زمینه با دکتر مهدی ذوالفقاری، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در بخش بانکی کشور، رفع ناترازی بانک‌ها است که بانک مرکزی در این زمینه اقدامات اساسی از جمله کنترل ترازنامه‌ها را در یکی دو سال اخیر دنبال کرده است. این اقدامات را چقدر

در بهبود عملکرد بانک‌ها موثر می‌دانید؟

با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از بانک‌ها در بازار سرمایه پذیرش شده‌اند و گزارش‌های آنها به صورت ماهانه و فصلی منتشر می‌شود، به نظر می‌رسد، بعد از خودرو، پُرچالش‌ترین صنعت، صنعت بانکی است و عملاً این شرایط ناترازی بانک‌ها هم ثمره عملکرد مدیریتی ضعیف سیستم بانکی و همچنین مقامات ناظر در دو دهه گذشته بوده است. با این وجود، احساس می‌کنم بانک مرکزی طی یکی دو سال گذشته یکسری اقدامات نظارتی مناسبی را اعمال کرده و در برخی حوزه‌ها مثل کاهش مطالبات مشکوک‌الوصول، پیشرفت‌های خوبی داشته، اما از سوی دیگر فشار بر بانک‌ها برای تأمین مالی، دست بانک‌ها را بسته است.

اقداماتی مانند انتشار اوراق گواهی سپرده خاص با نرخ سود ۳۰ درصد که اواخر سال گذشته توسط بانک مرکزی انجام شد را چطور ارزیابی می‌کنید؟

این سیاست، سیاست خوبی است. افزایش نرخ سود سپرده بانکی موجب شده که بازار ارز کنترل شود و بخشی از آرامشی که در بازار ارز ما حاکم شده، به خاطر این است که بخش عمده‌ای از پول‌ها به حساب‌های بانکی رفته است و سرمایه‌گذار ترجیح می‌دهد که به جای دارایی‌های ریسکی مثل دلار، طلا و سهام، سرمایه خود را در حساب سپرده مسدود کند که این اتفاق برای کلان اقتصاد و کنترل تورم خوب است. اما چالش‌هایی را برای بازار سرمایه و شبکه بانکی ایجاد می‌کند. الان هزینه تأمین مالی در کشور ما بالاست و بخش تولید عملاً تمایلی ندارد وام با نرخ بهره ۳۰ درصد بگیرد. در انتها ممکن است بگویند که از بانک مرکزی استقراض کنند و سود سپرده مردم را از طریق استقراض از بانک مرکزی بدهند که اثراتی روی نقدینگی، حجم پول و بازگشت تورم خواهد داشت. به عنوان مثال، بیشترین فروش سهام در پرتفوها ۷۰-۸۰ شرکت سرمایه‌گذاری در ۲-۳ ماه گذشته، متعلق به صنعت بانکداری بوده است، چون آنها بنیانی کار می‌کنند و به این نتیجه رسیده‌اند که سودآوری بخش بانکی قطعاً با چالش مواجه است. بنابراین این سیاست از لحاظ اولویت بودن کنترل تورم، سیاست خوبی است که می‌تواند نقدینگی را

از دست مردم بیرون بکشد، ولی برای صنعت بانکی شاید خیلی جذاب نباشد.

اساسا بانک مرکزی به عنوان اقدام پیشگیرانه در بروز ناترازی‌های بانکی، چه استانداردهایی را باید برای بانک‌ها قرار دهد؟

اعتقاد دارم فعالیت سیستم بانکی با سخت‌گیری و یا به صورت دستوری نمی‌تواند جواب دهد. اقدامات خوبی انجام شده است، ادغام بانک‌های ناتراز واقعا یکی از اقدامات خیلی خوبی بود که باید درباره سایر بانک‌های مشکل‌دار نیز انجام شود، اما پیاده‌سازی یک سیستم دستوری واحد برای همه بانک‌ها شاید خوب نباشد و به این شکل بانک‌های خوب دیگر انگیزه نخواهند داشت و بانک‌های بد هم خیالشان راحت است که نگاه به آن بانک‌ها مثل نگاه به سایر بانک‌ها است. به نظر من، بانک مرکزی باید نگاه واحدی به سیستم بانکی نداشته باشد و با سیستم رتبه‌بندی بانک‌ها، بانک مرکزی به آسانی می‌تواند مدیریت خود را روی سیستم بانکی انجام دهد.

بانک مرکزی تمرکز نظارتی خود را باید در چه حوزه‌هایی به کار بگیرد؟

قاعدتا نظارت‌ها بیشتر بر روی بخش تسهیلات است، تسهیلاتی که توسط بانک‌ها پرداخت می‌شود، پاشنه آشیل بسیاری از بانک‌هاست که باعث ایجاد این ناترازی‌ها می‌شود. شعار مقام معظم رهبری برای امسال بحث جهش تولید است و بانک باید بتواند تسهیلات خودش را به بخش‌های مولد بدهد، اما الان بانک‌ها ترجیح می‌دهند به جای این کار، اوراق دولتی با نرخ‌های بالا خریداری کنند و پول را در آن قسمت سرمایه‌گذاری کنند که ریسکی برای

بانک‌ها ندارد و بازدهی مطلوبی هم دارد، ولی بخش‌های واقعی اقتصاد از این اتفاق آسیب می‌بینند.

سال گذشته سه مؤسسه نور، توسعه و کاسپین توسط بانک مرکزی منحل شدند. اینگونه اقدامات چقدر در رفع ناترازی در کل نظام بانکی و تقویت اعتماد سپرده‌گذاران اثرگذار خواهد بود؟

این اقدام قابل ستایش بود. همین ایجاد فضای شفاف، مخصوصا در بخش عمومی می‌تواند اعتماد مردم را هم جلب کند. بانک مرکزی در راستای شفاف‌سازی بیشتر باید گزارش‌های دوره‌ای را منتشر کند. امروز بانک‌هایی که در بازار سرمایه هستند عملکردشان کاملا شفاف است و مردم می‌دانند کدام بانک عملکرد خوبی دارد و کدام بانک‌ها ضعف دارند. فضای شفاف‌سازی باید برای بانک‌های دولتی و آنهایی که در بازار سرمایه نیستند، هم فراهم شود. این شفاف‌سازی، اعتماد عمومی را به عملکرد سیستم بانکی و بانک مرکزی افزایش می‌دهد و از آن طرف بانک مرکزی خیالش راحت است که شاهد پدیده‌ای مثل ریسک سیستمیک نخواهیم بود.

در سال جاری ۸ بانک طبق سیاست‌های بانک مرکزی در مسیر رفع ناترازی قرار گرفتند و بانک مرکزی این مسئله را به عنوان یک رویکرد اساسی دنبال می‌کند. به نظر شما پاکسازی محیط بانکی کشور از ناترازی، چه آثاری روی کل اقتصاد کشور خواهد داشت؟

بستگی دارد از چه ابزاری برای رفع ناترازی

تسهیلاتی که توسط بانک‌ها پرداخت می‌شود، پاشنه آشیل بسیاری از بانک‌هاست که باعث ایجاد ناترازی‌ها می‌شود



اقدامات بانک مرکزی قابل ستایش است

اقدامات بانک مرکزی با توجه به شرایطی که وجود داشت، قابل ستایش است. همین که توانستند نرخ رشد نقدینگی را کنترل کنند و روی کانال ۲۰ درصدی کاهش دهند و پایه پولی را کنترل کردند و یکسری اقداماتی در خصوص انحلال بانک‌ها انجام شد، اقداماتی ستودنی است.

شفاف سازی
اعتماد عمومی
را به عملکرد
سیستم بانکی
و بانک مرکزی
افزایش می دهد
و از آن طرف
بانک مرکزی
خیالش راحت
است که شاهد
پدیده ای
مثل ریسک
سیستمیک
نخواهیم بود

۳۲



اقتصاد

• شماره ۵۱ - مرداد ۱۴۰۳ •

استفاده کند. اگر این ناترازی به منزله تزریق نقدینگی و تغییر ساختار سرمایه بانکها باشد، عملاً ادامه این وضعیت در سالهای بعدی هم خواهد بود و خیلی تأثیر خاصی نخواهد داشت، ولی اگر واقعا سیاستهای کارآمدی به جز تزریق نقدینگی باشد، مانند بحثهای شفافیت و اجرای سیاستهای نظارتی و به کار گرفتن افراد متخصص، موجب موفقیت این اقدامات خواهد شد.

کدام اقدامات بانکی دولت سیزدهم به نظر شما در آینده باید پیگیری شود و تداوم داشته باشد؟

این سیاستها باید در قالب سیاستهای کوتاهمدت و بلندمدت طراحی شود. کاهش رشد نقدینگی و محدودیتهایی که بانکها به ویژه در پرداخت تسهیلات بانکی دارند، سیاست مطلوبی در کوتاهمدت بوده است. به عنوان یک اقتصاددان، اعتقادی ندارم نرخ بهرهها اینقدر بالا باشد، به خاطر اینکه هزینه تأمین مالی را به شدت بالا می برد. اگرچه شاید بشود به صورت موقتی تورم را کنترل کرد، ولی به بخش واقعی اقتصاد ضربه می زند، کما اینکه نمونه آن را در بازار سرمایه مشاهده می کنیم. الان نرخ سود سپردههای بانکی به صورت غیررسمی مثبت شده است. تورم نقطه به نقطه ما در اردیبهشت ماه حدود ۳۱ درصد و نرخهای اخزا روی ۳۲ تا ۳۴ درصد و نرخ سود سپرده حدود ۳۰ درصد است و تقریباً نرخ بهره واقعی ماصفر شده است.

معمولاً وقتی نرخ بهره واقعی مثبت شود که در سال ۹۳ و ۹۴ چنین اتفاقی افتاد، مردم ترجیح می دهند پولشان را در بانک سپرده گذاری کنند که در این شرایط سیستم بانکی لطمه می بیند، چرا که به خاطر هزینه تأمین مالی بخش واقعی نمی آید وام بگیرد و بانکها مجبور هستند سپرده ۳۰ درصدی یا بالاتر به سپرده گذاران بدهند، ولی از آن طرف به جز دولت، بخش واقعی حاضر نیست چنین هزینه ای را بدهد، چون در اقتصاد فعلی ما واقعا هیچ بخشی نیست که سالانه چنین رشدی را داشته باشد. همه ما می دانیم افزایش نرخ بهره بانکی اثر ضدتورمی دارد، ولی قاعدتاً این نرخ به تدریج باید کاهش پیدا کند.

نرخ رشد نقدینگی از سطوح بالای ۴۰ درصد از حدود دو

سال گذشته، به کانال ۲۳ درصد در فروردین امسال رسیده است. این روند را چطور می بینید و تأثیر آن بر کنترل نرخ تورم چگونه خواهد بود؟

کاهش نقدینگی هم یکی از اقدامات خوب بانک مرکزی بوده و اقدام آقای فرزین قابل ستایش است. فکرمی کنم، تورم تا یک حدودی کاهش پیدا خواهد کرد و وارد کانال ۲۰ درصد می شود، اما یک تورم چسبنده خواهیم داشت که تداوم آن کاهش تورم، نیازمند افت تورم انتظاری است.

بخشی از تورم انتظاری تابع متغیرهای اقتصادی و بخشی هم تابع متغیرهای غیراقتصادی است. انتخابات ریاست جمهوری آمریکا شاید تأثیر مستقیم نداشته باشد، ولی انتظارات تورمی را خیلی تحت تأثیر قرار می دهد.

پیش بینی من این است که اتفاقات خوبی در حوزه کنترل انتظارات تورمی و کاهش تورم خواهد افتاد، ولی بخش واقعی اقتصاد ما هنوز نتوانسته قدرت لازم را پیدا کند. الان مشکلی که داریم این است که دولت به دنبال تأمین کسری بودجه است و با این سیاست مالیاتی که پیاده کرده اند، عملاً در بخش عرضه و تولید به مشکل برمی خوریم. یک بخشی از تورم از سمت تقاضا و یک بخشی از سمت عرضه است که از سمت عرضه من خیلی نگران هستم. در بحث نقدینگی و کنترل نقدینگی به نظر بانک مرکزی عملکرد خوبی داشته، ولی بخش واقعی که عرضه باشد، یک مقدار جای نگرانی دارد.

به عنوان جمع بندی اگر نکته ای دارید بفرمایید.

اقدامات بانک مرکزی با توجه به شرایطی که وجود داشت، قابل ستایش است. همین که توانستند نرخ رشد نقدینگی را کنترل کنند و روی کانال ۲۰ درصدی کاهش دهند و پایه پولی را کنترل کردند و یکسری اقداماتی در خصوص انحلال بانکها انجام دادند، اقداماتی ستودنی است، ولی به نظر من نرخهای اوراق بدهی و بالتبع نرخ سود سپردههای بانکی، نرخهای بالایی است که برای کلان اقتصاد، رشد و تولید و تحقق شعار رهبری، یک مانع اساسی ایجاد می کند که می تواند بخش تولید و عرضه را تحت تأثیر قرار دهد و نیاز است در این حوزه اقداماتی انجام شود.

با وجود خاورمیانه پر از آتش بازار ارز مدیریت شد

- مهم‌ترین اقدام بانک مرکزی در قالب سیاست تثبیت، مدیریت رشد نقدینگی بود
- بانک مرکزی در کنار توجه به مهار تورم، به رشد تولید و بنگاه‌ها نیز کمک کرده است
- در حالی که به دلیل اتفاقات خاورمیانه دوران بسیار سختی را گذراندیم، اما بانک مرکزی توانست بازار ارز را کنترل کند

رامین پولادری

عضو اتاق بازرگانی ایران و عراق



داشته‌اند که این اتفاق هم قابل تحسین است و می‌تواند به تولید ما در کشور کمک کند. دستاورد مهم دیگر بانک مرکزی نیز ثبات ارزی بود. در حالی که به دلیل اتفاقات خاورمیانه دوران بسیار سختی را گذراندیم و کنترل ارز در این مقطع بسیار سخت بود، ولی بانک مرکزی توانست بازار ارز را کنترل کند و با ورود به بازار طلا از طریق حراج رقابتی شمش و سکه در مرکز مبادله و اقدامات دیگری که انجام داد باعث کنترل نرخ ارز شد و بحث بعدی نیز تأمین ارز تولید بود که رشد خوبی نسبت به قبل داشته است.

در مورد حذف بازار غیررسمی ارز هم باید بگویم کار بسیار سختی است، ولی همین که بانک مرکزی به صورت جدی این موضوع را رصد می‌کند، قابل تحسین است. اگر این اتفاق رخ دهد، می‌تواند یکی از مهم‌ترین اقدامات بانک مرکزی باشد. چون واقعاً حذف دلان کار بسیار سخت و پیچیده‌ای است و کمک بسیار بزرگی به تجار و تنظیم و کنترل قیمت ارز خواهد بود. متأسفانه برخی از کارشناسان فقط انتقاد می‌کنند، اما باید بپذیریم که بانک مرکزی دارد کار انجام می‌دهد، مسلماً هر شخصی و هر نهادهای وقتی کار انجام می‌دهد، انتقادهای را هم در پی دارد، برخی هیچ کاری انجام نمی‌دهند و بنابراین انتقادی هم از آنها وجود ندارد.

بانک مرکزی با سیاست تثبیتی که در پیش گرفته، چند موضوع مهم را در دستور کار خود قرار داد که به مهار تورم و رشد تولید کمک می‌کند. از جمله اقدامات اثرگذار بانک مرکزی می‌توان به تقویت دیپلماسی ارزی و پولی، تقویت نظارت‌ها و اصلاح نظام بانکی، تنظیم گری و مدیریت بازار ارز، تنظیم مناسبات مالی میان بانک مرکزی و شبکه بانکی با دولت اشاره کرد، اما مهم‌ترین اقدام بانک مرکزی مدیریت رشد نقدینگی بود. رشد نقدینگی در مهرماه ۱۴۰۰ تا ۴۲۰۸ درصد نیز افزایش یافته بود که در پایان سال ۱۴۰۱ به ۳۳۰۱ درصد و در پایان سال ۱۴۰۲ به ۲۴۰۳ درصد کاهش پیدا کرد که واقعاً اقدام قابل تحسینی بود. به موازات آن، رشد پایه پولی که در فروردین ۱۴۰۲، ۴۵ درصد بود را به ۲۱ درصد در پایان اردیبهشت ماه امسال کاهش داد.

موضوع بعدی که بانک مرکزی به آن توجه داشته، تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌ها بوده که طبق آمار، طی ۱۲ ماه سال گذشته بیش از ۵ همت تسهیلات پرداخت شده که نسبت به سال قبل از آن، حدود ۲۵ درصد افزایش داشته است. این اقداماتی است که بانک مرکزی برای مهار تورم انجام داده و به رشد تولید و بنگاه‌ها کمک کرده است و یکی از موضوعاتی هم که همین جا باید از آن یاد کنم توجه ویژه‌ای است که بانک مرکزی و دولت به شرکت‌های دانش بنیان



صنایع بزرگ باید ارز حاصل از صادرات را بازگردانند



محمد حسین روشنک

رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و تاجیکستان

صادر می‌کرد، اما اکنون به دلیل اینکه قیمت تمام شده کالا در ایران بالا رفته، میزان صادرات به تاجیکستان کاهش یافته است. زمانی که ایران بیشترین میزان صادرات به تاجیکستان را داشت، نرخ ارز حداکثر دو هزار تومان بود که پس از افزایش نرخ ارز، به تدریج اقلام صادراتی به تاجیکستان کاهش یافته است. اکنون محصولات شوینده، مصالح ساختمانی مانند گاشی و سرامیک و برخی مواد غذایی صادرات داریم و عمدتاً کالای صادراتی ایران به کشورهای آسیای میانه از جمله تاجیکستان، براساس مشتقات پتروشیمی است، از طرفی صادرات فولاد و فرش ماشینی نیز به این کشور انجام می‌شود.

بسیاری از اقلام عمده صادراتی که در گذشته به تاجیکستان داشتیم از تجارت با این کشور خارج شده، ما در گذشته سالی ۴۰ میلیون دلار روغن نباتی، مرغ و تخم مرغ، کنسرو و محصولات غذایی مختلف صادر می‌کردیم. میزان صادرات ایران به تاجیکستان از نظر رقم ارزی تغییر چندانی نداشته، چرا که با وجود کاهش تنوع در محصولات صادراتی، حجم صادرات همین محصولات افزایش یافته، اما رشد مورد انتظار در میزان ارزش کالاهای صادراتی را نداشتیم. برای مدتی تجارت ایران و تاجیکستان به حداقل رسیده بود که با رفت و آمد مسئولان دولت سیزدهم و دولت تاجیکستان، ارتباط سیاسی و اجتماعی بهبود پیدا کرده و از این بابت مشکلات حل شده است و با بهبود روابط سیاسی و اجتماعی میان دو کشور، حجم تجارت ایران و تاجیکستان رشد پیدا کرده است. برای توسعه تجارت راهکاری که وجود دارد این است که ارز حاصل از صادرات، غیر از مواد پتروشیمی، نفت، فولاد و در کل مواد خام به نرخ بازار از صادرکننده توسط دولت خریداری شود. از طرفی در رابطه با سرمایه‌گذاری‌های خارجی، هر سرمایه‌گذاری که ساختمان یا کارخانه در ایران ساخت رابه عنوان آورده ارزی اوقبول کنند و نیاز به سرمایه دیگری نداشته باشد.

حذف دلار از تجارت خارجی ایران و تبادلات با کشورهای دیگر به این سادگی امکانپذیر نیست و سال‌های زیادی زمان می‌برد، نباید این فکر را کنیم که به آسانی می‌توان ارزهای کشورها را جایگزین دلار کرد. در عین حال، ممکن است دلار در تبادلات ایران با کشورهایی مانند عراق و افغانستان حذف و ارزهای محلی جایگزین آنها شود. در خصوص تجارت با تاجیکستان، در حال حاضر مبادله ریالی و سامانی در تجارت ایران و تاجیکستان نداریم و با استفاده از ارز بین‌المللی با تاجیکستان تجارت می‌کنیم.

مشکلات در حوزه صادرات به موضوع برگشت ارز حاصل از صادرات مربوط می‌شود، با وجود اینکه سیاست‌های ارزی بانک مرکزی خوب و مورد قبول بوده، اما از نظر صادرات خوب نیست. برای مثال دلیلی ندارد که سرمایه‌گذار خارجی که می‌خواهد در ایران سرمایه‌گذاری کند مجبور کنیم از طریق بانک این سرمایه‌گذاری را انجام دهد. مشخص است سرمایه او از خارج از کشور وارد شده است و باید سرمایه‌گذاری او به رسمیت شناخته شود. پیگیری بازگشت ارز حاصل از صادرات برخی کالاها از جمله پتروشیمی و فولاد که حجم بسیار زیادی از حجم صادراتی ایران را تشکیل می‌دهند، توجه دارد اما برای کالاهایی مانند پسته، زعفران و گیاهان دارویی که توسط بخش خُرد خصوصی انجام می‌شود، خیر. در این رابطه بانک مرکزی از صادرکننده میزان و رقم محصول صادراتی را درخواست کند و ارز حاصل از صادرات رابه نرخ بازار مورد قبول قرار دهد.

در زمینه وضعیت مراودات تجاری ایران و تاجیکستان نیز باید گفت که تاجیکستان تنها دو سه قلم کالا از جمله پنبه، آلومینیوم و خشکبار (میوه‌های خشک) را به ایران صادر می‌کند، البته این کشور کالاهای معدنی هم دارد که به خوبی استخراج نمی‌کنند و ایران این کالاهای را وارد نمی‌کند. از زمان آغاز مراودات تجاری بین دو کشور، ایران هزاران قلم کالا به تاجیکستان



دوره آموزشی تجزیه و
تحلیل صورت های مالی
بانک ها

کارگاه آموزشی مفهوم،
سنجش و برآورد
انتظارات تورمی



دوره های جدید آموزشی اندیشکده پول و ارز برگزار شد

همچنین چهارمین جلسه از کارگاه آموزشی "مفهوم، سنجش و برآورد انتظارات تورمی" در تاریخ دوم مردادماه سال جاری در موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز و به همت اندیشکده پول و ارز برگزار شد. مطالب این جلسه توسط دکتر سیاب ممی پور (دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه خوارزمی)، در چندین سرفصل ارائه شد. در این جلسه، ابتدایه روش شناسی علم اقتصاد پرداخته شد و سپس به صورت بنیادین موضوع تورم و نظریه های مربوط به آن از جمله نظریه کلاسیک تورمی، کینزین، پول گرایان و ساختارگرایان مورد بررسی قرار گرفت و شواهدی از این نظریات در مورد اقتصاد ایران بیان شد. پس از بررسی مبانی نظری متغیر تورم، مباحثی در مورد اهمیت متغیر تورم انتظاری ارائه و به صورت مبسوط انواع انتظارات نظیر انتظارات تطبیقی و عقلایی مورد بحث قرار گرفت. در انتها نیز به بحث در مورد اثرگذاری متقابل نرخ ارز و تورم انتظاری پرداخته شد.

سومین جلسه از دوره آموزشی "تجزیه و تحلیل صورت های مالی بانک ها" در موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز و به همت اندیشکده پول و ارز، در تاریخ ۳۰ تیرماه سال جاری برگزار شد. مباحث این دوره توسط دکتر عباس دادجوی توکلی (دکترای اقتصاد پولی) تدریس شد و طی آن، به موضوعاتی همچون چارچوب نظری صورت های مالی، ماهیت پول و انواع آن، آشنایی با ترازنامه بانک مرکزی، آشنایی با اقلام طرف دارایی و طرف بدهی، حقوق صاحبان سهام و برخی از نسبت های مهم مالی پرداخته شد. جلسه سوم به مبحث سپرده قانونی اختصاص یافت و طی آن به مفاهیمی مانند دستورالعمل سپرده قانونی، محاسبه سپرده قانونی، جایزه سپرده قانونی، نرخ ذخیره قانونی و نسبت سپرده قانونی به کل این سپرده، به صورت مفصل پرداخته شد.



بسته جامع کنترل تورم باید طراحی شود

اقتصاد ایران امکان تحقق تورم زیر ۲۰ درصد را دارد

- رشد پیوسته و زیاد حجم پول و نقدینگی در اقتصاد، در بلندمدت تورم را در پی دارد
- میانگین نرخ تورم سالانه پس از دوران جنگ تحمیلی تا سال ۱۴۰۲ به رقم ۲۲٫۹ درصد رسید
- با در اولویت قرار گرفتن سیاست تثبیت اقتصادی در دو سال اخیر، روند صعودی نرخ رشد نقدینگی متوقف شد
- همبستگی بلندمدت قوی میان رشد کل های پولی از جمله نقدینگی با نرخ تورم وجود دارد

رضا فراهانی

پژوهشگر اقتصادی

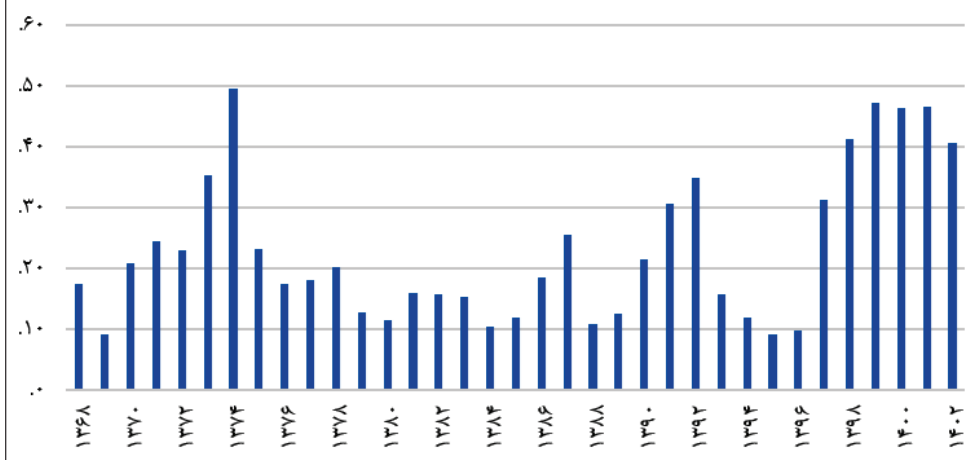
۳۶



اقتصاد

● شماره ۵۱ - مرداد ۱۴۰۳ ●

تورم سالانه



نمودار ۱
تورم سالانه

رشد نقدینگی در پایان سال ۱۳۹۹ تا ۴۰.۶ درصد افزایش یافت و در مرداد ماه ۱۴۰۰ همزمان با آغاز کار دولت سیزدهم به ۳۹.۱ درصد رسید. اما در دست فرمان جدید سیاست‌گذار پولی و با در اولویت قرار گرفتن سیاست تثبیت اقتصادی در دو سال اخیر، روند صعودی نرخ رشد نقدینگی متوقف شد. این رقم در پایان سال ۱۴۰۰ با کاهش ۲.۸ درصدی به رقم ۳۶.۳ درصد و در پایان سال ۱۴۰۱ به ۳۱.۱ درصد رسید.

اما سال گذشته رشد نقدینگی کشور کاهش چشمگیری را تجربه کرد، به طوری که در پایان سال گذشته، نرخ رشد نقدینگی به ۲۴.۳ درصد رسید که در قیاس با زمان شروع دولت سیزدهم در مرداد ماه ۱۴۰۰، با کاهش ۱۴.۸ واحد درصدی و به عبارت دیگر کاهش بیش از ۳۷ درصدی روبرو شد که کمترین میزان در پنج سال گذشته را نشان می‌دهد و نکته قابل توجه آنکه بخش عمده‌ای از این کاهش (بیش از ۲۸ درصد کاهش معادل بیش از ۱۰ واحد درصد)، مربوط به دوره مدیریت فعلی بانک مرکزی است. (نمودار ۲ و ۳)

طبق نظریاتی همچون نظریه مقداری پول (Quantity Theory of Money) که رابطه $MV=PY$ جان استوارت میل موید آن است (در این رابطه M حجم نقدینگی

تورم یکی از چالش‌های اساسی اقتصادی در ایران است که بر زندگی روزمره مردم تأثیر قابل توجهی می‌گذارد. در پنج دهه اخیر و به نوعی بعد از جهش درآمدهای نفتی ایران در اواخر دهه چهل و اوایل دهه پنجاه شمسی، افزایش مستمر سطح عمومی قیمت‌ها و یا همان تورم، با ساختار اقتصادی کشور عجین شده است، به طوری که طبق آمار بانک مرکزی پس از یک دهه نرخ تورم سالانه زیر ۵ درصد در دهه چهل شمسی، این نرخ به رقم ۲۵۰.۱ درصد در سال ۱۳۵۶ رسید.

همچنین میانگین نرخ تورم سالانه پس از دوران جنگ تحمیلی هشت ساله ایران و عراق تا سال ۱۴۰۲ نیز به رقم ۲۲۰.۹ درصد می‌رسد که نشان از یک هسته سخت تورمی ساختاری بالای ۲۰ درصد برای اقتصاد ایران است که به نوعی می‌توان آن را اغلب ناشی از ناترازی‌های بخش مالی و واقعی اقتصاد کشور دانست که جراحی آن معطوف به اصلاح سیاست‌های مالی و بهبود وضعیت تراز بخش واقعی اقتصاد کشور به جهات مختلف است. (نمودار ۱)

براساس داده‌های بانک مرکزی، نرخ

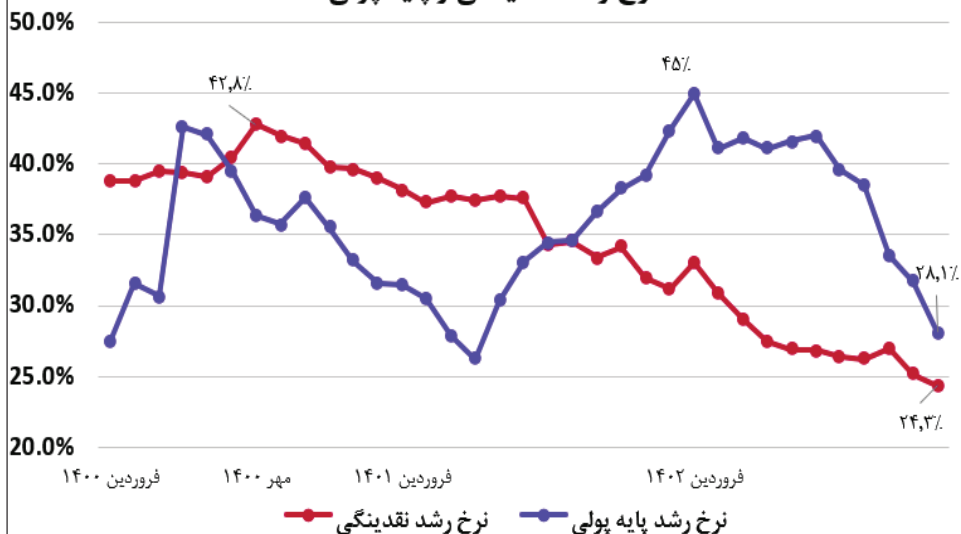
۳۷



اقتصاد

شماره ۵۱ - مرداد ۱۴۰۳

نرخ رشد نقدینگی و پایه پولی



ثبات نسبی اقتصاد کلان در اذهان عمومی حداقل در کوتاه مدت

۴. ثبات نسبی بازارها از جمله بازار ارز از ابتدای سال ۱۴۰۲ تا به حال

۵. کاهش چشمگیر تورم تولیدکننده و ورود آن به کانال ۲۰ درصد پس از ۶۷ ماه، در کنار نظریات اقتصادی مانند نظریه مقداری پول (QTM) با ثبات سایر شرایط، در میان مدت کاهش نرخ تورم و رسیدن به نرخ تورمی در حد همان هسته سخت تورمی، یعنی در حدود ۲۳ درصد پیش‌بینی می‌شود که بیانگر سهولت دسترسی به کانال‌هایی پایین‌تر از تورم در میان مدت است که به نوعی بخش عمده‌ای از آن، مرهون اقدامات سیاست‌گذار پولی در دوره اخیر بانک مرکزی است.

بدیهی است عبور از هسته سخت تورم ۲۰ درصدی در اقتصاد ایران مستلزم اصلاحات ساختاری در بخش مالی و واقعی اقتصاد کشور است که از جمله موارد آن می‌توان به اصلاح ساختار بودجه دولت به جهت رفع ناترازی و کنترل کسری آن، کاهش وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی و سایر دارایی‌های سرمایه‌ای، افزایش بهره‌وری در بخش‌های مختلف تولید به خصوص

(مجموع پول و شبه پول) و P سطح عمومی قیمت‌ها و Y حجم معاملات یا در واقع حجم تولید و V سرعت گردش پول است)، همبستگی بلندمدت قوی میان رشد کل‌های پولی از جمله نقدینگی با نرخ تورم را می‌توان مشاهده کرد.

در واقع بر اساس نظریه مقداری پول، با ثبات سایر شرایط سطح عمومی، قیمت کالاها و خدمات متناسب با عرضه پول در یک اقتصاد است، به این مفهوم که رشد پیوسته و زیاد حجم پول و نقدینگی در اقتصاد، در بلندمدت تورم را در پی دارد.

اجمالاً با کنار هم قرار گرفتن داده‌هایی همچون:

- کاهش با ثبات کل‌های پولی در سال‌های اخیر (که از جمله موارد آن می‌توان به همگرا شدن نرخ رشد پایه پولی و نقدینگی و قرار گرفتن در کانال ۲۰ درصد اشاره کرد)
- کاهش نرخ رشد پول به عنوان بخش سیال نقدینگی از ۷۵,۱ درصد در ابتدای سال ۱۴۰۲ به ۱۵,۷ درصد در ابتدای سال جاری که سبب افت طرف تقاضا نسبت به طرف عرضه در کل اقتصاد می‌شود
- بهبود شرایط انتظارات تورمی و انتظار



نمودار ۲

نرخ رشد نقدینگی و پایه پولی

۳۸



اقتصاد

شماره ۵۱ - مرداد ۱۴۰۳

Bar chart showing the percentage of respondents for each month from Farvardin 1399 to Farvardin 1403. The Y-axis represents the percentage from 0% to 100%. The X-axis lists the months. The highest percentage is 88.6% in Mehr 1399, and the lowest is 15.7% in Farvardin 1403.

Month	Percentage
فروردین ۹۹	55.0%
اردیبهشت ۹۹	53.0%
خرداد ۹۹	61.0%
تیر ۹۹	75.0%
مهر ۹۹	78.0%
آبان ۹۹	88.6%
آذر ۹۹	80.0%
دی ۹۹	70.0%
بهمن ۹۹	62.0%
اسفند ۹۹	57.0%
فروردین ۱۴۰۰	61.0%
اردیبهشت ۱۴۰۰	53.0%
خرداد ۱۴۰۰	45.0%
تیر ۱۴۰۰	43.0%
مهر ۱۴۰۰	35.0%
آبان ۱۴۰۰	35.0%
آذر ۱۴۰۰	35.0%
دی ۱۴۰۰	35.0%
بهمن ۱۴۰۰	35.0%
اسفند ۱۴۰۰	35.0%
فروردین ۱۴۰۱	40.0%
اردیبهشت ۱۴۰۱	38.0%
خرداد ۱۴۰۱	38.0%
تیر ۱۴۰۱	40.0%
مهر ۱۴۰۱	42.0%
آبان ۱۴۰۱	45.0%
آذر ۱۴۰۱	55.0%
دی ۱۴۰۱	58.0%
بهمن ۱۴۰۱	55.0%
اسفند ۱۴۰۱	55.0%
فروردین ۱۴۰۲	55.0%
اردیبهشت ۱۴۰۲	60.0%
خرداد ۱۴۰۲	70.0%
تیر ۱۴۰۲	68.0%
مهر ۱۴۰۲	65.0%
آبان ۱۴۰۲	75.1%
آذر ۱۴۰۲	40.0%
دی ۱۴۰۲	40.0%
بهمن ۱۴۰۲	40.0%
اسفند ۱۴۰۲	40.0%
فروردین ۱۴۰۳	38.0%
اردیبهشت ۱۴۰۳	28.0%
خرداد ۱۴۰۳	28.0%
تیر ۱۴۰۳	22.0%
مهر ۱۴۰۳	25.0%
آبان ۱۴۰۳	15.7%
آذر ۱۴۰۳	15.7%



حوزه انرژی، هماهنگی سیاست‌های پولی، تجاری و مالی، اصلاح ساختار قیمت‌ها از جمله برخی از موارد قیمت‌های دستوری و کمک به زنجیره‌های تولید، حذف و اصلاح برخی از انواع یارانه‌های اول زنجیره‌ای که کارکرد خود را از دست داده‌اند، جلوگیری از خروج سرمایه و افزایش جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی از طریق ایجاد محیط امن برای سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی و حرکت به سمت رفع تحریم‌ها از طریق خنثی‌سازی تحریم‌ها با تقویت وضعیت اقتصادی کشور و گسترش همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی و کاهش آثار تحریم‌ها در شرایط تحریم اشاره کرد.



طراحی بسته سیاستی جامع تورم

در موضوع حل مسئله تورم در اقتصاد ایران، با یک چالش چند بعدی مواجه هستیم که سطوح مختلف آن ریشه در عوامل متعددی دارد که به نظر می‌رسد سیاست‌گذار پولی در شرایط فعلی مسئولیت خود را تا جای ممکن پیش برده است و برای غلبه بر آن و ثبات اشتراک کلان، نیاز به اقدامات همه جانبه و هماهنگ در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی که بسته سیاستی جامع و هماهنگ را طلب می‌کند.



چرا کنترل کسری بودجه مهم است؟

- کاهش سلطه مالی، پیش شرط کنترل پایدار تورم است
- برای مهار پایدار تورم، اولویت قرار گرفتن کنترل کسری بودجه یک ضرورت است
- مهار ناترازی بودجه باید نقش پررنگی در نقشه سیاست گذاری اقتصادی داشته باشد
- دولت باید با در نظر گرفتن تدابیر لازم، از بسط شدید هزینه ها جلوگیری کند

امیرحسین موسوی
پژوهشگر اقتصادی

در حوزه‌هایی نظیر ناترازی صندوق‌های بازنشستگی، مدیریت بدهی‌های دولت، در اولویت قرار گرفتن تکمیل و نهایی‌سازی طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام، ناترازی بانک‌ها، سرمایه‌گذاری در بخش پیشران‌ها و موضوع بهینه‌سازی مصرف انرژی باید با فوریت اقدامات متناسبی انجام شود.

در بخش وظایف اصلی دولت، از یک سمت چالش کنترل کسری بودجه و تورم، دولت را تحت فشار قرار می‌دهد و از سوی دیگر با توجه به شرایط عمومی اقتصاد کلان و ضرورت‌های قابل ملاحظه از نگاه سرمایه‌گذاری و تامین کالا و خدمات عمومی در حوزه‌هایی نظیر آموزش، بهداشت و درمان، دولت وظایف مهمی را بر عهده خود دارد که پاسخ به این الزامات معطوف به تخصیص میزان قابل توجهی از منابع است. در چنین شرایطی مسیر مناسب برای تحقق همزمان هر دو موضوع، حرکت برای افزایش منابع پایدار و بهبود وضعیت کالاها و خدمات عمومی است. با توجه به تجربه تورم‌های بالا، مستمر و دورقمی که از نیمه دوم دهه ۹۰ شدت گرفت، اقدامات بنیادینی در سال‌های اخیر مانند مهار رشد نقدینگی و کاهش کسری بودجه دولت، برای جبران عقب ماندگی‌های گذشته انجام شد. با توجه به قرار گرفتن در آستانه روی کار آمدن دولت چهاردهم، برای مهار پایدار تورم، اولویت قرار گرفتن کنترل کسری بودجه یک ضرورت است و مهار ناترازی بودجه باید نقش پُررنگی در نقشه سیاست‌گذاری اقتصادی داشته باشد. تلاش جدی در مسیر کنترل کسری بودجه و همچنین اتخاذ رویکرد دولت در برآورد دقیق‌تر منابع و جلوگیری از بیش‌برآوردی منابع، پیش‌نیاز تحقق این هدف است. در عین حال، دولت باید با در نظر گرفتن تدابیر لازم، از بسط شدید هزینه‌ها نیز جلوگیری کند. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در بخش منابع و مصارف، ضمن لزوم ایجاد شفافیت بیشتر لازم است و ابتکارات درآمدی و هزینه‌ای ویژه‌ای در رابطه با آن مشخص شود، منابع و مصارف هدفمندسازی بارانه‌ها است. همچنین در حوزه‌هایی نظیر ناترازی صندوق‌های بازنشستگی، بدهی‌های دولت، در اولویت قرار گرفتن تکمیل و نهایی‌سازی طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام به عنوان تکلیف سیاست‌های کلی، ناترازی بانک‌ها، سرمایه‌گذاری در بخش پیشران‌ها و موضوع بهینه‌سازی مصرف انرژی باید با فوریت اقدامات متناسبی انجام شود که تامین منابع لازم آن از گنال بودجه می‌گذرد. ناظر به کلان مسائل اقتصادی پیش رو، دولت همواره باید تلاش کند تا از سلطه مالی جلوگیری کند. سلطه مالی، اثربخشی سیاست‌های

پولی را از بین می‌برد و در چنین شرایطی نمی‌توان انتظار مهار تورم را داشت. (نمودار ۱)

دولت چهاردهم در نخستین تجربه تدوین بودجه خود برای تقدیم لایحه بودجه ۱۴۰۴، علاوه بر اتخاذ این رویکرد باید به صورت مستمر، نگاه ویژه‌ای به حل ناترازی‌های انباشته شده طی یک دهه اخیر سیستم بانکی داشته باشد. در غیر این صورت، امکان تحقق هدف‌گذاری تورمی سیاست‌گذار پولی با چالش روبه‌رو خواهد شد.

بودجه به عنوان مهم‌ترین سند مالی کشور از یکسو، متاثر از شاخص‌های کلان اقتصادی بوده و از سوی دیگر با رویکردها و سیاست‌های کلان اتخاذ شده در آن می‌تواند بر این شاخص‌ها اثرگذار باشد. بودجه یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی دولت‌ها است. بودجه در واقع نمایانگر کیفیت و هزینه‌داری کشور توسط دولت است که در این میان پیش‌بینی و برآورد صحیح و دقیق منابع بودجه از زوایای متعدد، دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است. این در شرایطی است که همواره یکی از آسیب‌های معمول بودجه‌ریزی در ایران، بیش‌برآوردی منابع بودجه بوده است. پیش‌بینی صحیح منابع بودجه، ضمن گاستن از رشد بدهی‌های فرا بودجه‌ای دولت، ارتقای انضباط مالی دولت را سبب شده و از سوی دیگر، مواجهه با مقادیر واقعی، برنامه‌ریزی دقیق‌تری برای ابتکارات بودجه‌ای و اولویت‌بندی تخصیص اعتبارات را باعث خواهد شد.

مصارف عمومی یا به اختصار اعتبارات هزینه‌ای، حاصل جمع هزینه‌های عمومی ملی (شامل هزینه‌های عمومی و متفرقه دستگاه‌های اصلی) و هزینه‌های استانی و اعتبارات متفرقه است و مصارف اختصاصی را شامل نمی‌شود. روند رشد مخارج هزینه‌ای دولت نشان می‌دهد که سیاست کنترل هزینه‌ای یکی از اولویت‌های دولت بوده است. (نمودار ۲)

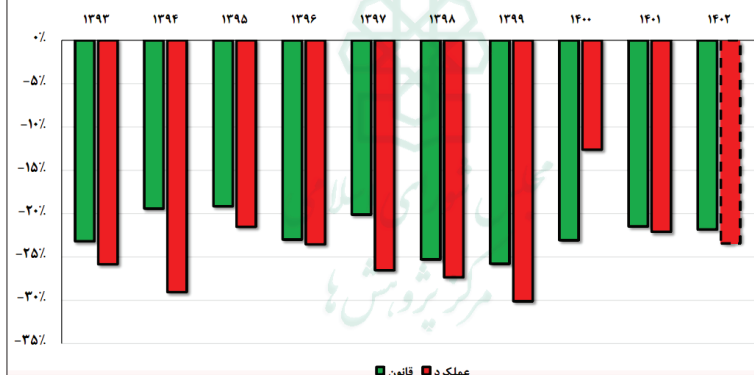
سلطه مالی در اقتصاد ایران

همانطور که پیش‌تر نیز اشاره شد، سلطه مالی از مسائل مطرح در اقتصاد کشورهای در حال توسعه است، به طوری که در این کشورها معمولاً سیاست‌های پولی تحت تأثیر سیاست مالی قرار گرفته و دولت‌ها در راستای جبران کسری بودجه خود، از بانک مرکزی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم استقراض می‌کنند و بدین ترتیب مانع از اجرای سیاست‌های پولی موفق و گارآمد در کنترل تورم می‌شوند. با وجود اینکه ناگرهای استاندارد برای شناسایی علایم سلطه مالی وجود دارد، اما در کشورهای صادرکننده نفت مانند ایران که بودجه دولت به درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت

سلطه مالی
اثربخشی
سیاست‌های
پولی را از بین
می‌برد و در
چنین شرایطی
نمی‌توان انتظار
مهار تورم را
داشت



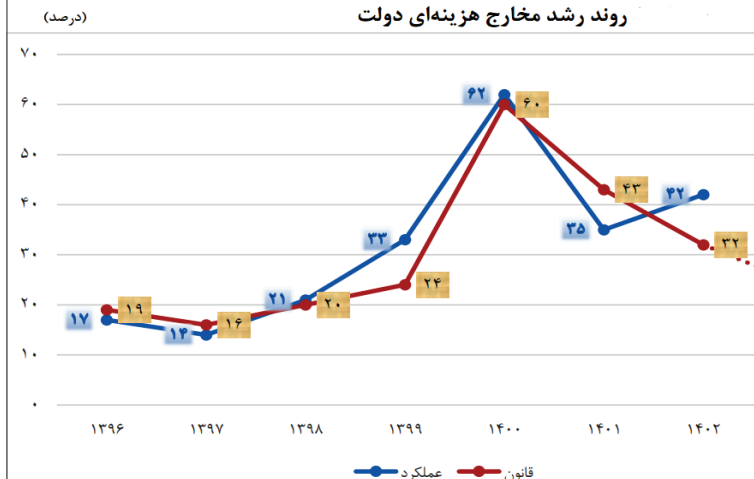
نسبت کسری تراز عملیاتی به سقف بودجه



نمودار ۱

نسبت کسری تراز عملیاتی به سقف بودجه

رشد مخارج هزینه‌ای دولت



نمودار ۲

رشد مخارج هزینه‌ای دولت

شده که یافته‌های تجربی حاکی از آن است که فرضیه سلطه مالی در اقتصاد ایران طی سال‌های بعد از انقلاب اسلامی حاکم بوده و دولت به منظور تامین مالی کسری بودجه از بانک مرکزی استقراض کرده و این امر در نهایت موجب انبساط پولی در اقتصاد شده است. لذا، می‌توان وجود سلطه مالی در اقتصاد ایران را یکی از عوامل ناکارآمدی سیاست‌های اتخاذ شده توسط مقامات پولی در کنترل تورم دانست. البته به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر شدت این سلطه مالی کاهش یافته است و با توجه به مهار رشد نقدینگی در کانال میانگین بلندمدت و کاهش اتکای دولت به منابع نفتی وافت محسوس کسری بودجه، سلطه مالی کم‌رنگ‌تر شده باشد. به نظر می‌رسد یکی از اولویت‌های اصلی دولت چهاردهم، تمرکز بر تدوین کاهش سلطه مالی در اقتصاد ایران است.

وابسته بوده و متغیرهای مهم کلان اقتصادی نیز تحت تأثیر درآمدهای نفتی قرار می‌گیرد، چنین نماگرهای استاندارد دیگری نمی‌توانند به عنوان معیار مناسبی برای شناسایی سلطه مالی قرار گیرند و سلطه مالی حتی ممکن است با وجود مازاد بودجه و سطح پایین بدهی‌های دولتی نیز وجود داشته باشد. در مقاله "تحلیل تجربی سلطه مالی در اقتصاد ایران: رویکرد خود توضیح برداری ساختاری"، مطالعه شده که فرضیه سلطه مالی در اقتصاد ایران با استفاده از معیار (GAMMA) برای بررسی سلطه مالی در اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت معرفی شده، باید مورد آزمون قرار گیرد. در همین ارتباط به منظور بررسی رابطه میان سیاست‌های پولی و سیاست‌های مالی از منظر سلطه مالی، از یک الگوی خود توضیح برداری ساختاری (SVAR) استفاده

۴۲



شماره ۵۱ - مرداد ۱۴۰۳



طبق داده‌های گزارش جدید مرکز پژوهش‌های مجلس:

ثبات ارزی، امنیت سرمایه‌گذاری کشور را افزایش داد

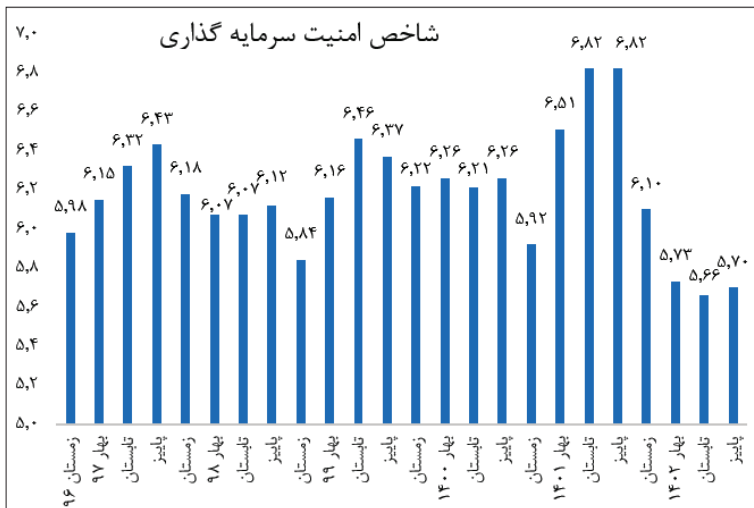
۴۳



اقتصاد

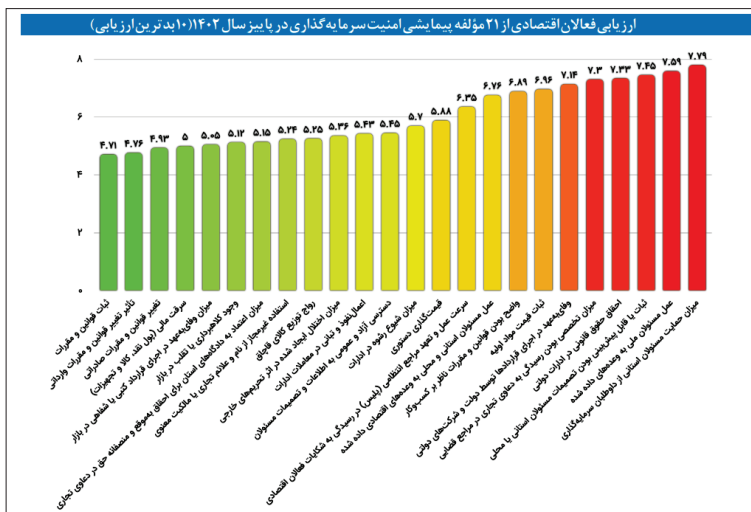
• شماره ۵۱ - مرداد ۱۴۰۳ •

- از میان ۱۷ مولفه آماری، "ثبات نرخ ارز" بهترین وضعیت را داشته و عدد ۱۰۰۷ را ثبت کرد
- ثبات نرخ ارز در یکی از بهترین شرایط خود در تمامی ادوار سنجش شاخص سرمایه‌گذاری قرار دارد
- آثار اجرای سیاست تثبیت اقتصادی، در ثبات بازار ارز قابل مشاهده است



نمودار ۱

شاخص امنیت سرمایه گذاری



نمودار ۲

رویه‌های اجرایی، شفافیت و سلامت اداری و همچنین مصونیت جان و مال شهروندان از تعرض است. گزارش اخیر مرکز پژوهش‌های مجلس، بیست و چهارمین سنجش پی‌درپی و فصلی "شاخص امنیت سرمایه‌گذاری در ایران" است که اولین سنجش آن در زمستان ۹۶ انجام شد.

گزارش مرکز پژوهش‌ها نشان می‌دهد شاخص امنیت سرمایه‌گذاری در پاییز ۱۴۰۲ ثابت عدد ۵.۷ از ۱۰ (۱۰ بدترین حالت)، نسبت به عدد ۵.۶۶ در فصل قبل کمی افزایش یافته که بیانگر نامناسب‌تر شدن هرچند اندک در این شاخص

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی با عنوان "پایش امنیت سرمایه‌گذاری به تفکیک استان‌ها و حوزه‌های کاری در پاییز سال ۱۴۰۲" ۳۸ مؤلفه مختلف شامل ۱۷ مؤلفه آماری (عددی) و ۲۱ مؤلفه غیر آماری (پیمایشی) را که در ۷ نماگر تجمیع شده، ارزیابی کرد.

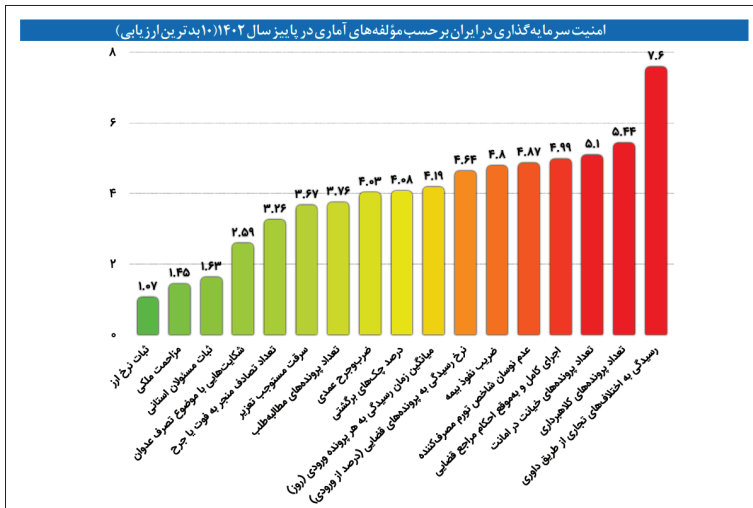
۷ نماگر این گزارش شامل عملکرد دولت، ثبات اقتصاد کلان، فرهنگ وفای به عهد و صداقت و درستی، تعریف و تضمین حقوق مالکیت، ثبات و پیش‌بینی‌پذیری مقررات و

۴۴



اقتصاد

شماره ۵۱ - مرداد ۱۴۰۳



ارزیابی ۱۷ مؤلفه آماری امنیت سرمایه گذاری در پاییز سال ۱۴۰۲ (به تریب از مناسب تا نامناسب)

عنوان مؤلفه	رتبه	پاییز سال ۱۴۰۲	تابستان سال ۱۴۰۲
ثبات نرخ ارز (پاییز ۱۴۰۲)	۱	۰.۸۷	۱
مزااحت ملکی (به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت)	۲	۱.۴۵	۳
ثبات مسئولان استانی (پاییز ۱۴۰۲)	۳	۱.۶۳	۲
شکایتهایی با موضوع تصرف عدوان (به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت)	۴	۲.۵۹	۴
تعداد تصادفات منجر به فوت یا جراحت (به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت)	۵	۳.۶۷	۵
سرقت مستوجب تعزیر (به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت)	۶	۳.۷۶	۶
تعداد پروندههای مطالبه طلب (به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت)	۷	۳.۸۷	۷
ضرب و جرح عمدی (به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت)	۸	۴.۰۳	۸
درصد چکهای برگشتی	۹	۴.۰۸	۹
میانگین زمان رسیدگی به هر پرونده ورودی (روز)	۱۰	۴.۱۹	۱۰
نرخ رسیدگی به پروندههای قضایی (درصد از ورودی)	۱۱	۴.۶۶	۱۱
ضرب و جرح کامل و به موقع احوکام مراجع قضایی	۱۲	۴.۸۰	۱۲
عدم نوسان شاخص تورم مصرف کننده (پاییز سال ۱۴۰۲)	۱۳	۴.۸۷	۱۳
اجرای کامل و به موقع احکام مراجع قضایی	۱۴	۴.۹۹	۱۴
تعداد پروندههای کلانبرداري در امانت (به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت)	۱۵	۵.۱۰	۱۵
تعداد پروندههای کلاهبرداری (به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت)	۱۶	۵.۴۴	۱۶
رسیدگی به اختلافهای تجاری از طریق داوری (سال ۱۴۰۱)	۱۷	۷.۶۰	۱۷
میانگین ارزیابی مؤلفه های آماری		۳.۹۳	۳.۹۵

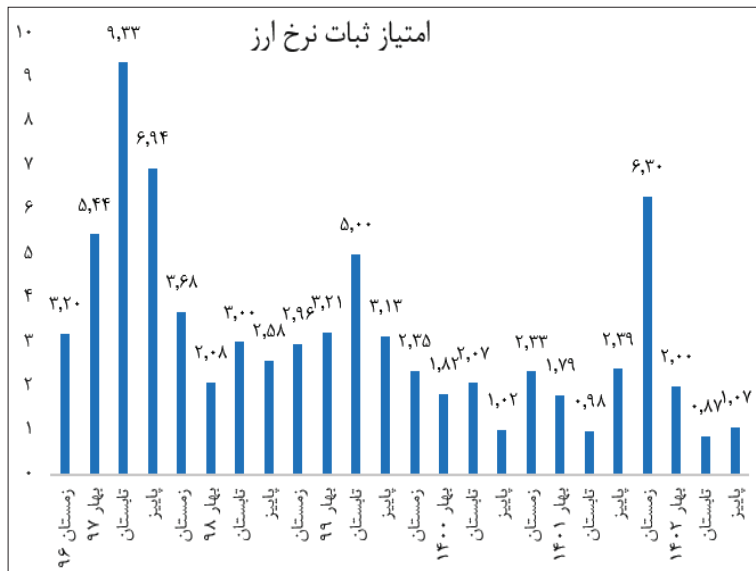
اختلاف های تجاری از طریق دعاوی "با ثبت عدد ۷.۰۶، بدترین وضعیت را داشته است. (نمودار ۳)

همچنین وضعیت ۱۷ مؤلفه آماری در پاییز و تابستان ۱۴۰۲ در جدول ۱ مقایسه شده است. با در نظر گرفتن تمامی ۳۷ مؤلفه آماری و پیمایشی گزارش مذکور، مشخص می شود مؤلفه "ثبات نرخ ارز" بهترین مؤلفه از نظر فعالان اقتصادی بوده است. این مؤلفه هر چند نسبت به فصل پیشین کمی نامساعدتر شده، اما همچنان بهترین مؤلفه در ارزیابی فعالان اقتصادی از شاخص سرمایه گذاری به شمار

است. با این حال، شاخص مذکور همچنان در وضعیت مطلوبتری نسبت به ادوار دیگر خود قرار دارد. (نمودار ۱)

طبق این گزارش، از ۲۱ مؤلفه غیرآماري (پیمایشی)، مؤلفه "ثبات قوانین و مقررات" بهترین وضعیت را با عدد ۴.۷۱ و مؤلفه "میزان حمایت مسئولان استانی از داوطلبان سرمایه گذاری"، بدترین وضعیت را با عدد ۷.۷۹ ثبت کرده است. (نمودار ۲)

همچنین از میان ۱۷ مؤلفه آماری، "ثبات نرخ ارز" بهترین وضعیت را داشته و عدد ۱.۰۷ را ثبت کرده است. در مقابل مؤلفه "رسیدگی به



نمودار ۴

امتیاز ثبات نرخ ارز

وی خرداد ماه سال گذشته و در سی امین همایش سیاست های پولی و ارزی، گفته بود: نرخ ارز در اقتصاد ما عامل اصلی بی ثباتی اقتصاد و تثبیت اقتصادی در این زمینه ضروری است.

رئیس کل بانک مرکزی همچنین بهمن ۱۴۰۲ در نشست مشترک ستاد اقتصاد مقاومتی دادگستری استان تهران و شورای گفت و گوی دولت و بخش خصوصی گفت: سیاست این بانک ایجاد شرایط برای قابل پیش بینی شدن نرخ ارز است. بر این اساس، تلاش بر این بوده است که شاخص های اقتصادی کلان را به ثبات برسانیم و اقتصاد را برای فعالان اقتصادی پیش بینی پذیر کنیم تا تجار و بازرگانان با نوسانات روبرو نشوند، چرا که معتقدم ثبات، زمینه ساز امنیت اقتصادی است.

می رود. مرور پیشینه مولفه "ثبات نرخ ارز" در تمامی پیمایش های قبلی هم نشان می دهد این شاخص همچنان در یکی از بهترین شرایط خود در تمامی ادوار سنجش شاخص سرمایه گذاری قرار دارد. (نمودار ۴)

ثبات نرخ ارز که در ارزیابی فعالان اقتصادی به عنوان بهترین شاخص در برقراری امنیت سرمایه گذاری ارزیابی شده، همان موضوعی است که رئیس کل بانک مرکزی بارها از آن به عنوان هدف خود از اجرای سیاست تثبیت یاد کرده است. محمدرضا فرزین با اشاره به نقش نوسان نرخ ارز در ناامنی و بی ثباتی اقتصاد کشور طی سال های اخیر، اجرای سیاست تثبیت اقتصادی با محوریت تثبیت ارزی را راهکار بازگرداندن ثبات به اقتصاد کشور خواند.

برش



ثبات نرخ ارز بهترین مولفه برای فعالان اقتصادی

مولفه "ثبات نرخ ارز" بهترین مولفه از نظر فعالان اقتصادی بوده است. این مولفه هر چند نسبت به فصل پیشین کمی نامساعدتر شده، اما همچنان بهترین مولفه در ارزیابی فعالان اقتصادی از شاخص سرمایه گذاری به شمار می رود. مرور پیشینه مولفه "ثبات نرخ ارز" در تمامی پیمایش های قبلی هم نشان می دهد این شاخص همچنان در یکی از بهترین شرایط خود در تمامی ادوار سنجش شاخص سرمایه گذاری قرار دارد.

۴۶



اقتصاد

شماره ۵۱ - مرداد ۱۴۰۳

تلاش
سیاست‌گذاران
اقتصادی و
به‌ویژه بانک
مرکزی به عنوان
مسئول اصلی
کنترل تورم، باید
به ثبات بخشی
به بازار ارز
معطوف شود



ثبات ارزی، پیش شرط ثبات اقتصاد

برای بسیاری از کارشناسان و حتی مردم مشخص شده که ثبات ارزی، یک شرط بسیار مهم برای برقراری ثبات در کل اقتصاد کشور است. دلایل مختلفی را می‌توان برای تشریح چرایی این مسئله عنوان کرد. وابستگی زیاد تولید، به ویژه تولید مواد غذایی به واردات، تبدیل شدن ارز به لنگر کنترل تورم طی نیم قرن اخیر، بروز تحریم و محدود شدن درآمدهای ارزی و در نتیجه حساس‌تر شدن اقتصاد به جریانات ارزی و البته تبدیل نرخ ارز به عاملی برای شکل‌دهی به انتظارات تورمی، برخی از مهم‌ترین عواملی است که ارز را به مسئله‌ای کلیدی در اقتصاد ایران تبدیل کرده است.

با درک این حقیقت، تلاش سیاست‌گذاران اقتصادی و به‌ویژه بانک مرکزی به عنوان مسئول اصلی کنترل تورم، باید به ثبات بخشی به بازار ارز معطوف شود. این گزاره البته هرگز به معنای ارزیابی و سرکوب مصنوعی نرخ ارز نیست، بلکه بیشتر به معنای کنترل نرخ ارز در یک دامنه با ثبات و جلوگیری از بروز شوک‌ها ارزی است. با در نظر گرفتن اهمیت این موضوع، بانک مرکزی در حدود یک سال و نیم اخیر، اقدامات مختلفی برای مدیریت بازار ارز و ثبات بخشی به آن انجام داد.

اولین اقدام سیاست‌گذار، تخصیص ارز ترجیحی به تعداد محدودی از کالاهای اساسی مرتبط با معیشت مردم بود. این اقدام باعث شد تاثیر نوسانات ارزی بر معیشت مردم به حداقل رسیده و انتظارات تورمی جامعه هم

کمتر شود. اقدام دیگر بانک مرکزی، راه‌اندازی یک بازار رسمی برای مبادلات ارز و طلا بود. مرکز مبادله ارز و طلا، با هدف ایجاد یک بستر رسمی برای مبادلات ارزی و تقویت حکمرانی ارزی ایجاد شد. با گذشت حدود یک سال و نیم از راه‌اندازی این بازار، اقدامات مختلفی هم برای توسعه این بازار انجام شده و در دست انجام است. از جمله مهم‌ترین این اقدامات و برنامه‌ها، ایجاد بازار جدید برای داد و ستد ارز به نرخ توافقی برای صادرکنندگان کوچک و دانش‌بنیان‌ها است. برنامه دیگر سیاست‌گذار، طراحی ابزارهای معاملاتی مختلف از جمله معاملات آتی است تا از این رهگذر، بازار ارز برای فعالان اقتصادی بیش از گذشته پیش‌بینی پذیر شود.

اقدام دیگر بانک مرکزی، ساماندهی فعالان بازار ارز و حذف بازیگران ناسالم بود. انتقال تقاضای ارز از دلار و درهم به دیگر ارزهای محلی، اقدام دیگری بود که بانک مرکزی با هدف تمرکززدایی از تقاضای دلار و درهم انجام داد. تخصیص دینار عراق به جای دلار به زائران اربعین، نمونه بارز این موضوع بود. در عین حال و با وجود تدابیر بانک مرکزی، همچنان برخی اقدامات دیگر برای ارتقای ثبات در بازار ارز لازم است. از جمله مهم‌ترین آنها، انطباق بخشی حداکثری سیاست‌های ارزی و تجاری است. منطبق شدن تقاضای ارز با منابع ارزی، بخش مهمی از شوک‌های ارزی را برطرف کرده و دغدغه سیاست‌گذار برای مهار تورم و انتظارت را حل می‌کند.



بانک مرکزی خیال متقاضیان ارز اربعین را راحت کرد

اجرای مکانیزم موفق تخصیص ارز اربعین برای دومین سال

- تخصیص دینار به جای دلار به زائران اربعین، سیاستی است که سال گذشته برای اولین بار اجرا شد
- اقدام سیاست گذار در تخصیص ارز اربعین سال گذشته به دینار، مانع بروز فشار تقاضا به بازار غیررسمی شد
- یکی از مهم ترین نکات در سیاست ارز اربعین بانک مرکزی سوق دادن تقاضا از بازار غیررسمی به مرکز مبادله است
- یکی از مهم ترین اهداف راه اندازی مرکز مبادله تقویت حکمرانی ارزی سیاست گذار بود

حمید کمار

پژوهشگر اقتصادی



۴۸



● شماره ۵۱ - مرداد ۱۴۰۳ ●

تسهیل
حداکثری
فرآیند تخصیص
ارز، نکته دیگری
در سیاست ارز
اربعین بانک
مرکزی بود

بود. تدبیر بانک مرکزی، البته آثار مثبت دیگری هم داشت. این اقدام سیاست‌گذار همچنین مانع بروز فشار تقاضا به بازار غیررسمی شد و از افزایش نرخ در این بازار و تحریک انتظارات تورمی جلوگیری کرد.

تسهیل حداکثری فرآیند تخصیص ارز، نکته دیگری در سیاست ارز اربعین بانک مرکزی بود که نشان می‌دهد سیاست‌گذار در تلاش است با تامین هرچه آسان‌تر ارز برای متقاضیان، مانع انتقال این تقاضا به بازار غیررسمی شود. تخصیص ارز به صورت خانوار و بی‌نیازی از حضور تک‌تک اعضای خانواده، انتخاب بازه زمانی مناسب به منظور جلوگیری از هجوم تقاضا برای دریافت ارز، گستردگی واجدان شرایط دریافت ارز (تخصیص ارز به افراد بالای ۵ سال) و همچنین انتخاب ۷ بانک بزرگ و پُرشعبه با هدف تامین ارز در تمام نقاط کشور و حتی مناطق دوردست، برخی از تدابیری است که بانک مرکزی برای تسهیل تامین ارز اربعین و پیشگیری از سرریز تقاضا به بازار غیررسمی در نظر گرفته است.

شاید یکی از مهم‌ترین نکات در سیاست ارز اربعین بانک مرکزی، سوق دادن تقاضا از بازار غیررسمی به مرکز مبادله است. این اقدام واجد چند آثار است که یکی از آنها، جلوگیری از التهاب قیمت در بازار غیررسمی و در نتیجه جلوگیری از شکل‌گیری انتظارات تورمی در جامعه است. اما روی دیگر سکه این سیاست، تبدیل مرکز مبادله به مرجع ارزی کشور در ذهن عموم مردم از طریق متصل کردن نیاز مردم به این بازار و از رونق انداختن بازار غیررسمی است. یکی از مهم‌ترین اهداف راه‌اندازی مرکز مبادله، تقویت حکمرانی ارزی سیاست‌گذار بود. این هدف اما یک شرط مهم دارد و آن، مرجع شدن بازار رسمی ارز برای آحاد مردم و فعالان اقتصادی است. تا زمانی که مرکز مبادله به مرجع تامین ارز و تعیین نرخ تبدیل نشود، بانک مرکزی قادر به اجرای سیاست‌های ارزی خود نخواهد بود. بر همین اساس، انتقال تقاضاهای ارزی به این بازار، یکی از سیاست‌هایی است که بانک مرکزی برای تبدیل مرکز مبادله به بازار مرجع دنبال می‌کند. تامین حداکثری و آسان نیاز ارزی متقاضیان، ضمن تقویت مرجعیت مرکز مبادله، اثر مثبتی بر انتظارات داشته و

بانک مرکزی هفته گذشته دستورالعمل "ترتیبات تامین و عرضه ارز دینار به زائرین اربعین حسینی (ع) در سال ۱۴۰۳" را به هفت بانک عامل ملی ایران، تجارت، صادرات ایران، ملت، پست بانک، پارسیان و سپه ابلاغ کرد. در این دستورالعمل، جزئیات نحوه تخصیص دینار به متقاضیان تشریح شده است. طبق این دستورالعمل، به هر متقاضی بالای ۵ سال، مبلغ ۲۰۰ هزار دینار با نرخ فروش اسکناس مرکز مبادله ارز و طلای ایران (ETS) و بدون هرگونه کارمزد، تخصیص خواهد یافت. پیش از این دستورالعمل هم، رئیس کل بانک مرکزی از برنامه این بانک برای تامین هرچه بهتر ارز زائران اربعین خبر داده بود. محمدرضا فرزین، درباره تخصیص ارز اربعین به زائران متقاضی در سال جاری، گفت: در اینبار سال گذشته تلاش ما این بود که این ارز را تهیه کنیم. سال گذشته ۲۰ روز مانده به اربعین ارز را در اختیار متقاضیان قرار دادیم. البته برخی مردم معتقد بودند اگر این امر زودتر رخ می‌داد، بهتر بود. لذا امسال نیز این آمادگی را داریم که بعد از تاسوعا و عاشورای حسینی و در راستای تکریم زائران محترم، عرضه ارز اربعین را به صورت دینار در شعب منتخب شبکه بانکی آغاز کنیم.

رئیس کل بانک مرکزی تصریح کرد: در اربعین امسال نیز به هر زائر متقاضی به میزان ۲۰۰ هزار دینار ارز به نرخ ETS که در مرکز مبادله ارز و طلای ایران مبادله می‌شود و هیچ کارمزدی هم نخواهد داشت، از طریق شعب منتخب شبکه بانکی در شهرها و روستاها پرداخت خواهد شد تا زوار محترم اربعین حسینی دچار مشکل نشوند.

یک سیاست و چند نکته

تخصیص دینار به جای دلار به زائران اربعین، سیاستی است که سال گذشته برای اولین بار اجرا شد. از همان زمان برخی اهداف سیاست‌گذار از این اقدام مشخص بود. تمرکززدایی از تقاضای دلار به عنوان ارز پُر تقاضا و هدایت تقاضا به ارز کشور مقصد با هدف مدیریت ذخایر ارزی و گاستن از مصرف ذخایر ارزشمند، از جمله این اهداف



جزئیات فروش ارز اربعین ۱۴۰۳



زمان عرضه

۷ مرداد تا ۳ شهریور



مشمولان

افراد بالای ۵ سال



میزان ارز پرداختی

۲۵۰ هزار دینار



رسانه مرجع بانک مرکزی



هزینه خرید ارز

نرخ مرکز مبادله



بانک‌های عامل

ملی، تجارت، ملت، سپه

پارسیان، صادرات و پست بانک



مدارک مورد نیاز

کد سامانه سماح

گذرنامه و اصل کارت ملی

افرادی که به شکل هوایی سفر کنند، می‌توانند هم ارز مسافرتی و هم ارز اربعین دریافت کنند



مسکو، توافق نهایی را با مسئولان بانک مرکزی روسیه برای اجرایی کردن پیمان پولی دوجانبه و طراحی سازوکار تسویه ریالی-روبی در مناسبات اقتصادی دو کشور منعقد کرد. بر این اساس در آینده نزدیک، مردم و فعالان اقتصادی دو کشور می‌توانند با ارز ملی خود در کشور مقابل اقدام به خرید و فعالیت‌های اقتصادی مختلف کنند. همین سیاست با یک پیش‌نیاز دیگر، قابلیت اجرا در کشورهای دیگر نظیر عراق و تکمیل سیاست هدایت تقاضا از دلار به دیگر ارزها را دارد. پیش‌شرط مهم توسعه این سیاست به دیگر کشورها و نیازهای ارزی، کاهش تورم و باثبات کردن پول ملی به منظور ارتقاء اعتبار آن در کشورهای همسایه است. توسعه ریال آفشور به کشورهای دیگر خصوصا همسایگان، می‌تواند بخشی از نیاز ارزی متقاضیان را برطرف کرده و بدین ترتیب نه فقط ارز کشور مقصد، بلکه ریال برون مرزی، جایگزین ارزهایی نظیر دلار شده و نیاز ارزی متقاضیان از جمله مسافران را برطرف خواهد کرد.

با ترسیم شرایط مطلوب از عرضه ارز، مانع شکل‌گیری انتظارات منفی ارزی می‌شود.

توسعه سیاست ارز اربعین به دیگر تقاضاهای مسافرتی ارز

تدبیر بانک مرکزی در هدایت تقاضای ارز در موضوع سفر زیارتی اربعین، قابلیت توسعه به دیگر تقاضاهای مسافرتی ارز را نیز دارد. از جمله مهم‌ترین مواردی که بانک مرکزی می‌تواند تجربه موفق ارز اربعین را در مورد آنها هم تکرار کند، تقاضای ارز برای سفرهای سیاحتی به مقاصد مانند ترکیه و عربستان است. با توجه به رقم نسبتاً بالای تقاضای ارز سفرهای سیاحتی، توسعه سیاست انتقال تقاضای ارز از دلار به ارز کشور مقصد، می‌تواند بخش دیگری از فشار به بازار غیررسمی ارز را برداشته و با کاستن رونق از این بازار، مرکز مبادله را به بازار اصلی تامین ارز برای عموم جامعه تبدیل کند.

ریال آفشور، مرحله بعدی هدایت تقاضای ارز

رئیس کل بانک مرکزی اخیراً و در سفر به

۵۰



اقتصاد

• شماره ۵۱ - مرداد ۱۴۰۳ •



الگوی شکوفایی اقتصادی در آسیای جنوب شرقی

جادوی اقتصادی سنگاپور چگونه اتفاق افتاد؟

- سنگاپور با داشتن تولید سرانه حدود ۸۵ هزار دلار، در مقام سوم اقتصاد جهانی از منظر این شاخص و بالاتر از کشورهای همچون ایالات متحده و بریتانیا قرار دارد
- از دلایل رشد اقتصادی سنگاپور، توفیق آن در جذب سرمایه خارجی است و چند صد ابرشرکت چندملیتی از ایالات متحده ژاپن، چین، هند و اروپا در سنگاپور فعال هستند
- اقتصاد سنگاپور یکی از آزادترین و رقابتی ترین اقتصادهای دنیا محسوب می شود

۵۱



اقتصاد

• شماره ۵۱ - مرداد ۱۴۰۳ •

بانک جهانی
در جدیدترین
شاخص سرمایه
انسانی خود
سنگاپور را
بهترین کشور
جهان در توسعه
سرمایه انسانی
رتبه بندی کرده
است

سنگاپور کشوری جزیره‌ای در جنوب شرق آسیاست که در گذشته تاریخی خود، برای سال‌های طولانی (۱۸۲۴-۱۹۶۳) مستعمره بریتانیا بود و در سال ۱۹۶۳، به عنوان عضوی از فدراسیون مالزی، استقلال خود را از بریتانیا به دست آورد. البته دو سال بعد در سال ۱۹۶۵ از مالزی نیز جدا شد و به این ترتیب جمهوری سنگاپور شکل گرفت. با گذشت قریب به شش دهه از اعلام استقلال کامل سنگاپور در سال ۱۹۶۵، این کشور به نمونه موفقی برای رونق و شکوفایی بدل شده است. اما این جزیره کوچک چگونه توانست از یک کشور بسیار فقیر با منابع طبیعی کم، به یکی از کارآمدترین و ثروتمندترین کشورهای جهان بدل شود؟ نقش سیاست‌های اقتصادی و بالادستی سیاست‌های پولی و ارزی در این موفقیت چه بوده است؟

در این گزارش، پس از اینکه ابتدا خلاصه‌ای از تحولات سیاست‌های پولی و اقتصاد جهانی در دو هفته گذشته میلادی ارائه می‌شود، اقتصاد سنگاپور بررسی و سپس به سیاست‌های بانک مرکزی این کشور و نحوه اثرگذاری آن بر متغیرهای اقتصادی مرتبط پرداخته می‌شود.

آخرین تحولات اقتصاد جهانی و سیاست‌های بانک‌های مرکزی

بانک مرکزی رومانی در ۵ ژوئیه (۱۵ تیر) اعلام کرد نرخ سیاست پولی خود را ۰.۲۵ واحد درصد کاهش داده و آن را به ۶.۷۵ درصد می‌رساند. این اولین کاهش نرخ بهره در رومانی از ژانویه ۲۰۲۳ است. این تصمیم پس از کاهش نرخ تورم سالانه از ۶.۶۱ درصد در مارس به ۵.۱۲ درصد در ماه مه اتخاذ شده است. نرخ تورم هدف بانک مرکزی رومانی ۲.۵ درصد با دامنه نوسان مثبت و منفی یک درصد است.

معاون اول سابق بانک مرکزی افغانستان، نوراحمد آغا، در ۶ ژوئیه (۱۶ تیر) به عنوان رئیس بانک مرکزی افغانستان منصوب شد. وی از سوی ایالات متحده، اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد ذیل عنوان کمک به تأمین مالی تروریسم تحت تحریم‌های فردی است.

نرخ تورم سالیانه ایالات متحده در ماه ژوئن برای سومین ماه متوالی گاهشی شد و به ۳ درصد افت کرد. این پایین‌ترین نرخ تورم سالیانه از ژوئن ۲۰۲۳ است. اعلام این خبر گمانه‌زنی‌ها را در خصوص کاهش نرخ بهره و جوه فدرال از جانب

فدرال رزرو در آینده نزدیک تقویت و به دنبال خود موجی از افزایش قیمت‌ها در بسیاری از بازارها از جمله طلا و سایر فلزات گران‌بها را ایجاد کرد. (شکل ۱)

بانک کره (BoK) روز ۱۱ ژوئیه (۲۱ تیر) برای دوازدهمین جلسه متوالی، نرخ بهره خود را حفظ کرد و در عین حال گفت که کاهش نرخ را در "زمان مناسب" در نظر خواهد گرفت. هیات هفت نفره سیاست پولی بانک کره به اتفاق آرا تصمیم گرفت تا نرخ پایه را در ۳.۵ درصد نگه دارد، سطحی که از ژانویه ۲۰۲۳ تغییر نکرده است. این هیات برای مهار تورم، نرخ بهره را بین اوت ۲۰۲۱ و ژانویه ۲۰۲۳ در مجموع ۳ واحد درصد افزایش داده است. (شکل ۲)

نرخ تورم سالانه در ترکیه در ژوئن ۲۰۲۴ به ۷۱.۶۰ درصد کاهش یافت که از تورم ۷۵.۴۵ درصدی در ماه مه و نیز از پیش‌بینی‌های بازار برای تورم این ماه (۷۲.۶۰ درصد) کمتر بود. البته، شایان ذکر است که تورم سالیانه ترکیه در ژوئن ۲۰۲۳ معادل ۳۸.۲۱ درصد بود و پس از آن بنا به دلایل مختلف شتاب گرفت. ۲۰ سال حاکمیت آنچه در برخی متون اقتصادی سیاسی تحت عنوان "اردوغان‌میکس" شناخته می‌شود و به تورم دورقمی (به طور متوسط بیش از ۱۵ درصد) منجر شده و بر اساس ارقام ترک استات تا ۸۰ درصد نیز رسیده، نه تنها استقلال بانک مرکزی جمهوری ترکیه (CBRT)، بلکه فضای آن برای مانور و تأثیر آن بر سیاست اقتصادی را نیز تضعیف کرده است. لیر دیگر ارز مرجع بالفعل در ترکیه نیست، زیرا بیش از ۷۰ درصد سپرده‌ها در نظام بانکی ترکیه به دلار آمریکا یا یورو بوده یا به این ارزها وابسته است.

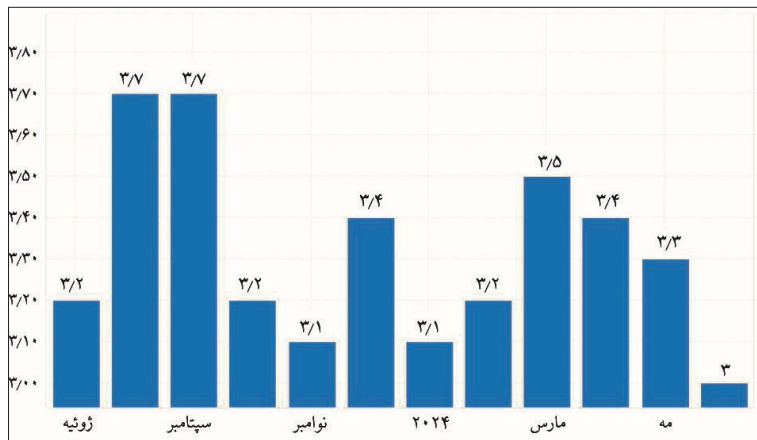
در جدول (۱) گزارش آخرین آمار مربوط به نرخ تورم، نرخ رشد اقتصادی، و نرخ بهره سیاستی در کشورهای منتخب برای مطالعه بیشتر آورده شده است.

سنگاپور از منظر آمار اقتصادی

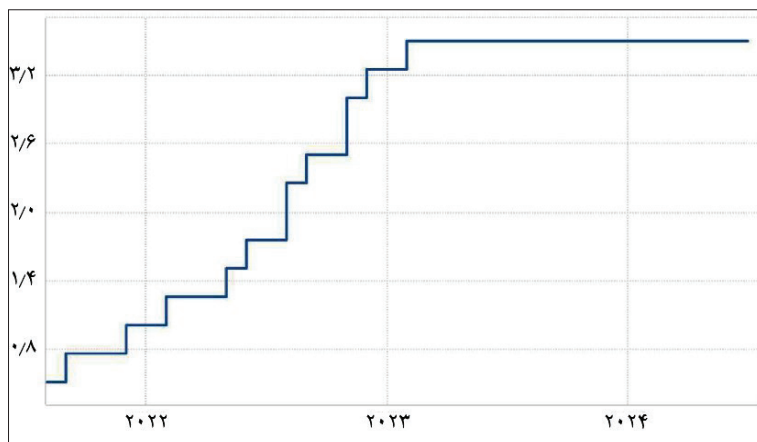
در سال ۱۹۶۵، تولید ناخالص داخلی سرانه در سنگاپور تنها ۵۱۶ دلار بود، در حالی که هم‌اکنون بر اساس آخرین آمارها، این کشور با داشتن تولید سرانه در حدود ۸۵ هزار دلار (در سال ۲۰۲۳)، به عنوان الگویی از شکوفایی اقتصادی در آسیای جنوب شرقی محسوب می‌شود. در ادبیات اقتصادی، برای شکوفایی اقتصاد سنگاپور از اصطلاح "معجزه اقتصادی" یاد می‌شود. (شکل ۳)

در دهه‌های پس از استقلال، سنگاپور به سرعت

شکل ۱
 نرخ تورم ایالات متحده
 (درصد) - منبع:
 tradingeconomics.com
 برگرفته از اداره آمار کار
 ایالات متحده



شکل ۲
 نرخ بهره کره جنوبی
 (درصد) - منبع:
 tradingeconomics.com
 برگرفته از بانک مرکزی کره



است، به طوری که رشد کلی اقتصاد سنگاپور در سال ۲۰۲۳، ۱۰ درصد و کمتر از رشد اقتصادی ۲۰۲۲ بود. انتظار می رود رشد اقتصادی در سال ۲۰۲۴ متوسط باشد و دولت محدوده ۱۰ درصد تا ۳۰ درصد را پیش بینی می کند. بانک جهانی در جدیدترین شاخص سرمایه انسانی خود، سنگاپور را بهترین کشور جهان در توسعه سرمایه انسانی رتبه بندی کرده است.

سنگاپور با جمعیتی حدود ۶ میلیون نفر در سال ۲۰۲۴، یکی از بزرگترین آسیاست. اقتصاد سنگاپور یکی از آزادترین و رقابتی ترین اقتصادهای دنیا محسوب می شود. بر اساس ارزیابی بنیاد هریتیج، شاخص آزادی اقتصادی سنگاپور معادل ۸۳.۵ است و اقتصاد این کشور رتبه اول را در میان ۱۸۴ کشور مورد بررسی به لحاظ آزادترین اقتصاد جهان در سال ۲۰۲۳ به خود

از یک کشور کم درآمد به یک کشور پُر درآمد تبدیل شد. رشد تولید ناخالص داخلی در این دولت -شهریکی از بالاترین های جهان بوده، به طوری که متوسط رشد اقتصادی آن در سال های پس از استقلال حدود ۷ درصد و در ۲۵ سال اول بالاتر از ۹.۲ درصد بوده است. پس از اینکه صنعتی شدن سریع در دهه ۱۹۶۰ مسیر توسعه این کشور جزیره ای را منجیق کرد، تولید به محرک اصلی رشد تبدیل شد. در اوایل دهه ۱۹۷۰، سنگاپور به اشتغال کامل رسید و یک دهه بعد به عنوان یکی از اقتصادهای تازه صنعتی شده آسیا، به مجموعه کشورهای هنگ کنگ، جمهوری کره، تایوان و چین پیوست. بخش های تولید و خدمات همچنان ستون های دوقلوی اقتصاد با ارزش افزوده بالای سنگاپور هستند. البته، رشد اقتصادی سنگاپور در سال های اخیر گند شده

نرخ رشد اقتصادی				نرخ تورم							نرخ بهره سیاستی							
فصل اول ۲۰۲۴	فصل چهارم ۲۰۲۳	فصل سوم ۲۰۲۳	فصل دوم ۲۰۲۳	ژوئن ۲۰۲۴	مه ۲۰۲۴	آوریل ۲۰۲۴	مارس ۲۰۲۴	فوریه ۲۰۲۴	ژانویه ۲۰۲۴	دسامبر ۲۰۲۳	ژوئن ۲۰۲۴	مه ۲۰۲۴	آوریل ۲۰۲۴	مارس ۲۰۲۴	فوریه ۲۰۲۴	ژانویه ۲۰۲۴		
۰.۴	۰.۱	۰.۱	۰.۶	۲.۵	۲.۶	۲.۴	۲.۴	۲.۶	۲.۸	۲.۹	۴.۲۵	۴.۵	۴.۵	۴.۵	۴.۵	۴.۵	حوزه یورو	
۳	۳.۱	۲.۹	۲.۴	۳	۳.۳	۳.۴	۳.۵	۳.۲	۳.۱	۳.۴	۵.۵	۵.۵	۵.۵	۵.۵	۵.۵	۵.۵	ایالات متحده	
۰.۲	-۰.۲	۰.۲	۰.۲	-	۲	۲.۳	۳.۲	۳.۴	۴	۴	۵.۲۵	۵.۲۵	۵.۲۵	۵.۲۵	۵.۲۵	۵.۲۵	انگلیس	
۵.۷	۴	۶.۱	۳.۹	۷۱.۶	۷۵.۴۵	۶۹.۰۸	۶۸.۴۹	۶۷.۰۰	۶۴.۸۶	۶۴.۷۷	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۴۵	۴۵	ترکیه	
۵.۳	۵.۲	۴.۹	۶.۳	۰.۲	۰.۳	۰.۳	۰.۱	۰.۷	-۰.۸	-۰.۳	۳.۴۵	۳.۴۵	۳.۴۵	۳.۴۵	۳.۴۵	۳.۴۵	چین	
-	۴.۳	۲.۵	۳.۸	-	۳.۸۱	۳.۹۱	۳.۳۴	۳.۳۶	۳.۶	۳.۲۷	۵.۴	۵.۴	۵.۴	۵.۴	۵.۴	۵.۴	امارات متحده عربی	
۵.۴	۴.۹	۵.۵	۴.۹	-	۸.۳	۷.۸	۷.۷	۷.۷	۷.۴	۷.۴	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	روسیه	
۷.۸	۸.۶	۸.۱	۸.۲	۵۰.۸	۴.۷۵	۴.۸۳	۴.۸۵	۵۰.۹	۵۰.۱	۵۰.۶۹	۶.۵	۶.۵	۶.۵	۶.۵	۶.۵	۶.۵	هند	
-	-۴.۴	-۵.۸	-۳.۵	-	۳.۱۷	۳.۱۷	۳.۰۲	۳.۴	۳.۳	۳.۳۷	۴.۲۵	۴.۲۵	۴.۲۵	۴.۲۵	۴.۲۵	۴.۲۵	کویت	
-۰.۲	-۰.۲	-۰.۳	۰.۱	۲.۲	۲.۴	۲.۲	۲.۲	۲.۵	۲.۹	۳.۷	۴.۲۵	۴.۵	۴.۵	۴.۵	۴.۵	۴.۵	آلمان	

برای اجرای سیاست‌های پولی دارد و به جای تغییر نرخ‌های بهره داخلی، برخلاف بسیاری از اقتصادهای دیگر، نرخ تبدیل دلار خود را تغییر می‌دهد. مقام پولی سنگاپور (MAS) مسیری را تعیین می‌کند که آن را باند یادمانه سیاستی نرخ ارز موثر اسمی دلار سنگاپور (S\$NEER) می‌نامد و بنا بر آن، پول محلی را در برابر ارزهای شرکای تجاری اصلی خود تقویت یا تضعیف می‌کند. از سال ۱۹۸۱، سیاست پولی در سنگاپور برمدپریت نرخ ارز متمرکز شده است.

بانک مرکزی سنگاپور در تعریف خود و سیاست هایش چنین آورده است: "مقام پولی سنگاپور (MAS) بانک مرکزی سنگاپور است و طیف کاملی از وظایف بانک مرکزی را انجام می دهد. اداره مدیریت بازارهای پولی و داخلی (MDD) مسئول اجرای سیاست های پولی است که مدیریت ۱- نرخ ارز از طریق مداخله در بازارهای ارز و ۲- نقدینگی نظام بانکی از طریق عملیات بازار پول و تسهیلات نقدینگی را شامل می شود."

شکل (۵) خلاصه‌ای از نحوه اعمال سیاست پولی را توسط مقام پولی سنگاپور از طریق عملیات ارزی و بازار بول ارائه می‌کند.

در مورد چرایی استفاده سنگاپور از نرخ ارز به جای نرخ بهره در اعمال سیاست پولی خود، باید به دلایل زیر اشاره کرد:

- سنگاپور یک اقتصاد کوچک و متکی به تجارت است. جمع صادرات و واردات ناخالص

اختصاص داده است (این شاخص در دامنه صفرتا ۱۰۰ قرار دارد و زیر عدد ۵۰ به معنای اقتصاد سرکوب شده و بالای عدد ۸۰ به معنای اقتصاد آزاد است). همچنین، این کشور از لحاظ شاخص ادراک فساد همواره در رده سالم‌ترین کشورها قرار داشته است.

یکی از دلایل رشد اقتصادی سنگاپور توفیق آن در جذب سرمایه خارجی است. این کشور براساس شاخص سرنانه سرمایه‌گذاری خالص بین‌المللی، در جایگاه بالایی قرار دارد. چندصد ابرشرکت چندملیتی از ایالات متحده، ژاپن، چین، هند و اروپا در سنگاپور فعال هستند.

به طور کلی، کارنامه اقتصادی این کشور از هر نظر چشمگیر است. در طول دو دهه گذشته، متوسط دستمزد ساکنان سنگاپور در کارهای تمام‌وقت ۴۳ درصد، در مقایسه با افزایش ۸ درصدی در آمریکا، افزایش یافته است. در حال حاضر، میانگین دستمزد تمام‌وقت سنگاپوری‌ها در حدود ۴۶,۰۰۰ دلار است، در حالی که در انگلیس (کشوری که سنگاپور سال‌های طولانی تحت استعمار آن بود) این رقم پایین‌تر و در حدود ۴۴,۰۰۰ دلار است. همچنین، اقتصاد این کشور از نظر تولید ناخالص داخلی سرانه در جایگاه سوم جهان قرار داشته و با توجه به این شاخص، بسیار بالاتر از بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته جهان ایستاده است. (شکل ۴)

سیاست پولی سنگاپور

بانک مرکزی سنگاپور روش منحصر به فردی



جدول ۱

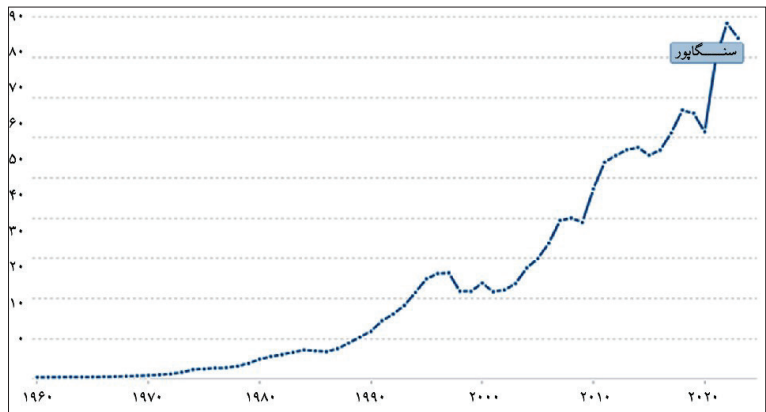
نگاهی به آخرین آمارهای
اقتصادی کشورهای منتخب
توضیحات: نرخ رشد
اقتصادی به صورت تغییر
لید ناخالص داخلی حقیقی
هر فصل نسبت به فصل
مشابه سال قبل و نرخ تورم
به صورت تعریف سالانه ارائه
شده است، منبع:
tradingeconomics.com

OF



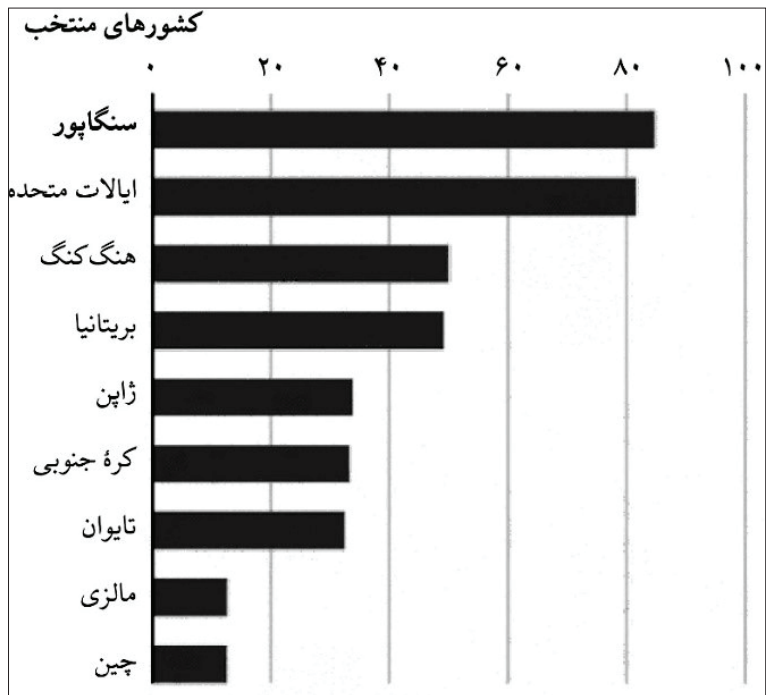
قرن ۲۱ تازمه

● شماره ۵۱ - مرداد ۱۴۰۳ ●



شکل ۳

تولید ناخالص داخلی سرانه
(به قیمت جاری - هزار دلار
آمریکا) منبع: بانک جهانی



شکل ۴

تولید ناخالص داخلی سرانه،
۲۰۲۳، هزار دلار ایالات متحده
- منبع: اکونومیست، ۱۱ مه
۲۰۲۴، برگرفته از داده‌های
صندوق بین‌المللی پول

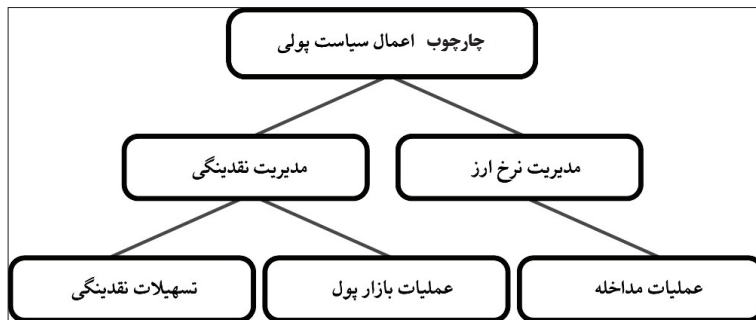
۵۵



شماره ۵۱ - مرداد ۱۴۰۳

• با توجه به چنین شرایطی، نرخ ارز نسبت به نرخ بهره داخلی تاثیر بسیار قوی‌تری بر تورم دارد، به عنوان مثال، اگر دلار سنگاپور در برابر ارزهای شرکای تجاری اصلی افزایش ارزش پیدا کند، قیمت کالاها و خدمات وارداتی را کاهش خواهد داد. این امر قیمت‌هایی که خانوارها باید بپردازند، کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر، بازبودن اقتصاد به این معنی است که نرخ ارز یک رابطه پایدار و قابل پیش‌بینی با ثبات قیمت‌ها به

کالاها و خدمات در این دولت-شهر بیش از سه برابر تولید ناخالص داخلی (GDP) آن است. سنگاپور هیچ منبع طبیعی ندارد و تقریباً به طور کامل به واردات کالاهای ضروری مانند غذا و انرژی وابسته است. در همین حال، حدود ۰۴ دلار سنگاپور از هر دلاری که در داخل هزینه می‌شود، صرف واردات شده و این کشور برای تامین مالی این حجم از واردات به صادرات متکی است.



شکل ۵

سیاست پولی بانک مرکزی
سنگاپور

منبع: Monetary Authority of Singapore

• **دوم،** نرخ ارز به طور غیرمستقیم برای مقابله با عوامل داخلی تورم عمل می کند. ارز قوی تر تقاضای خارجی برای کالاها و خدمات این کشور را تعدیل می کند و با کاهش تقاضا برای نهاده های داخلی، درآمد عوامل به میزان معتدل تری افزایش می یابد. این امر به نوبه خود تقاضای داخلی برای کالاها و خدمات غیرقابل تجارت را نیز کاهش می دهد و فشاری رو به پایین بر قیمت ها وارد می کند.

ویژگی های سیدارزی، دامنه نوسان سیاستی و سیستم خریدن

سیستم نرخ ارز در سنگاپور سه ویژگی اصلی دارد که می توان آن را تحت طبقه بندی سبد، دامنه نوسان یا باند و نحوه خریدن (BBC) خلاصه کرد.

• **اول،** دلار سنگاپور در برابر سبدهی از ارزهای شرکای تجاری اصلی این کشور یعنی ایالات متحده، حوزه یورو، و ژاپن (که به عنوان نرخ ارز موثر اسمی دلار سنگاپور یا S\$NEER شناخته می شود) مدیریت می شود. S\$NEER یک شاخص ترکیبی است که از نرخ ارز دوجانبه بین سنگاپور و شرکای تجاری اصلی آن تشکیل شده است. این شاخص یک شاخص وزنی مبتنی بر مبادله است که در آن وزن ها بر اساس اهمیت روابط تجاری به ارزهای مختلف شرکای تجاری اصلی سنگاپور تعریف می شوند. بنا به گفته بانک مرکزی، سیاست پولی مبتنی بر این شاخص، به دلار سنگاپور اجازه می دهد تا به طور تجمعی در رابطه با شرکای تجاری اصلی خود واکنش نشان دهد، که این کار اثر قابل توجهی بر سطوح عمومی قیمت در سنگاپور دارد. از آنجا که سیاست پولی مبتنی بر کنترل نرخ ارز در سنگاپور بر پایه یک شاخص وزنی است،

عنوان هدف نهایی سیاست در میان مدت دارد. همچنین، ساختار اقتصاد سنگاپور زمینه استفاده از نرخ بهره را به عنوان ابزار سیاست پولی کاهش می دهد، زیرا:

• **اولاً،** بخش صنعت این کشور تحت سلطه شرکت های چندملیتی (MNCs) است که به جای نظام های بانکی محلی یا بازارهای بدهی، به تامین مالی از دفاتر مرکزی خود (معمولاً در اقتصادهای توسعه یافته) متکی هستند.

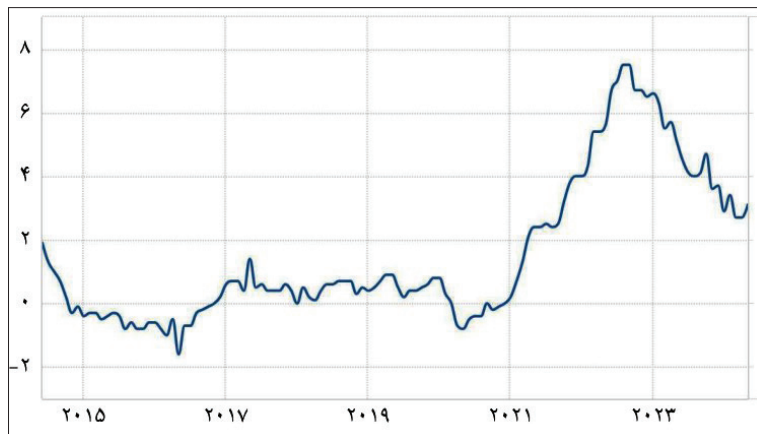
• **دوم،** نقش سنگاپور به عنوان یک مرکز مالی بین المللی، به ایجاد یک مرکز بانکداری فراساحلی بزرگ منجر شده است که عمدتاً با ارزهای G۳ معامله می کند و دارایی هایی که به آن ارزها تعلق می گیرد، بسیار بیشتر از دارایی های نظام بانکی داخلی است. از آنجایی که هیچ کنترلی بر جریان سرمایه بین نظام بانکی خارج از کشور (ارز خارجی) و نظام بانکی داخلی (دلار سنگاپور) وجود ندارد، تغییرات جزئی در تفاوت نرخ بهره می تواند به جابه جایی بزرگ و سریع سرمایه منجر شود. در نتیجه، هدف گذاری نرخ بهره در سنگاپور دشوار است، زیرا هرگونه تلاش MAS برای افزایش یا کاهش نرخ های بهره داخلی با انتقال وجوه به داخل یا خارج از نظام مالی داخلی خنثی می شود. تغییرات نرخ ارز از راه های زیر به اقتصاد منتقل می شود:

• **اولاً،** نرخ ارز مستقیماً برای کاهش فشارهای تورمی وارداتی عمل می کند. با توجه به اینکه سنگاپور بیشتر از آنچه مصرف می کند وارد می نماید، قیمت های داخلی به قیمت های جهانی بسیار حساس است. بنابراین، نرخ ارز یک حائل مهم در برابر فشارهای قیمت خارجی در مرزها، به ویژه در دوره های افزایش قیمت های جهانی کالاها، فراهم می کند و در نتیجه به هدف ثبات میان مدت قیمت کمک می کند.

۵۶



• شماره ۵۱ - مرداد ۱۴۰۳ •



شکل ۶

نرخ تورم سنگاپور (درصد).
منبع:
tradingeconomics.com
برگرفته از اداره آمار سنگاپور

و عرض است که MAS می‌تواند آنها را تنظیم کند. این پارامترها حداقل دو بار در سال، معمولاً در آوریل و اکتبر بررسی می‌شوند. اگر شرایط اقتصادی کشور به گونه‌ای بود که نیاز به تغییر فوری تنظیمات وجود داشته باشد، می‌توان بررسی‌های بیشتری انجام داد، مانند سال ۲۰۲۲ که تورم بالا باعث دو حرکت خارج از چرخه شد. تنظیم شیب بر سرعت تقویت یا تضعیف دلار سنگاپور تأثیر می‌گذارد. تنظیم سطح یا نقطه میانی باند سیاستی، امکان تقویت یا تضعیف فوری S\$NEER را فراهم و آن را به ابزاری برای مداخله در وضعیت‌های اضطراری مانند رکود تبدیل می‌کند. با گسترش دامنه و عرض سیاستی، MAS می‌تواند امکان نوسانات بیشتری را برای S\$NEER فراهم کند. این ویژگی‌ها با هم، لنگر ثباتی را برای اقتصاد بسیار باز سنگاپور فراهم و اثربخشی چارچوب اعتماد به دلار سنگاپور را تقویت کرده است. انتخاب نرخ ارز به عنوان ابزار اصلی سیاست پولی به این معناست که MAS کنترل بر نرخ‌های بهره داخلی و عرضه پول را وانهاده است. MAS سعی نمی‌کند سطح نرخ‌های بهره داخلی را کنترل و خود را به کاهش نوسانات بیش‌ازحد نرخ بهره محدود کند. بنابراین، نرخ بهره دلار سنگاپور تا حد زیادی توسط نرخ بهره خارجی و انتظارات سرمایه‌گذاران از حرکت آتی دلار سنگاپور تعیین می‌شود.

در گام بعدی، اعمال سیاست پولی، MAS نرخ‌های بهره و عرضه پول را به جای استفاده به عنوان ابزار سیاست پولی، برای نظارت

حرکات آن نسبت به زمانی که به یک واحد پولی وابسته باشد، نوسان کمتری دارد. این ویژگی اهمیت الگوی تجاری متنوع سنگاپور را نیز منعکس می‌کند.

• **دوم، MAS یک رژیم شناور مدیریت شده را برای دلار سنگاپور اجرا می‌کند.** نرخ ارز موزون تجاری مجاز است در محدوده سیاستی خاصی نوسان داشته باشد که مکانیزمی را برای تطبیق با نوسانات کوتاه‌مدت در بازارهای ارز فراهم و امکان انعطاف در مدیریت نرخ ارز را ایجاد می‌کند. از منظر عملیاتی، وجود این باند و دامنه نوسان، برخلاف سیستمی که مبتنی بر یک ارز ثابت است، نیاز به مداخلات ارزی ثابت را به حداقل می‌رساند.

• **سوم، شیب باند سیاست نرخ ارز به طور منظم بررسی می‌شود تا اطمینان حاصل شود که با مبانی اساسی اقتصاد سازگار است.** به عبارتی، این ویژگی خزیدن است که در باند گنجانده شده است. این کار اجازه می‌دهد تا نرخ ارز تعدیل و از ناهماهنگی جلوگیری شود. البته، شیب باند سیاست و همچنین سطحی که در مرکز آن قرار دارد، فاش نمی‌شود.

مقام پولی سنگاپور سطح دقیق نرخ ارز را تعیین یا آن را در زمان واقعی (بلادرنگ) کنترل نمی‌کند. در عوض، S\$NEER مجاز است و می‌تواند در محدوده سیاستی مشخصی که سطوح دقیق آن فاش نشده است، به سمت بالا یا پایین حرکت کند. اگر از این باند خارج شود، مقام پولی سنگاپور (MAS) با خرید یا فروش دلار سنگاپور وارد عمل می‌شود. چنانکه آمد، نوار سیاستی دارای سه پارامتر شیب، سطح



دلار سنگاپور در برابر سبدي از ارزهای شرکای تجاری اصلی این کشور یعنی ایالات متحده حوزه یورو و ژاپن مدیریت می شود

اقتصادی و همچنین برای تضمین وجود نقدینگی کافی در سیستم برای مقاصد نظارتی و تسویه حساب، کنترل می کند. مدیریت نقدینگی نظام بانکی MAS شامل عملیات بازار پول و تسهیلات نقدینگی است. چنانکه ذکر شد، برخلاف بیشتر بانک های مرکزی دیگر، MAS نرخ های بهره داخلی را هدف قرار نمی دهد. قضیه سه گانه غیرممکن که به عنوان سه گانه اقتصاد باز نیز شناخته می شود بیان می کند کشوری که دارای حساب سرمایه باز است، نمی تواند همزمان نرخ ارز خارجی و نرخ بهره داخلی خود را مدیریت کند. بنابراین، حساب سرمایه باز سنگاپور و سیاست پولی مبتنی بر نرخ مبادله حاکی از آن است که نرخ های بهره داخلی و عرضه پول لزوماً درون زا هستند.

به این ترتیب، چارچوب مدیریت نقدینگی MAS هیچ سطحی از نرخ بهره یا عرضه پول را هدف قرار نمی دهد. در عوض، هدف آن صرفاً اطمینان از وجود مقدار مناسب نقدینگی در نظام بانکی است که برای پاسخگویی به تقاضای بانک ها برای مانده های احتیاطی و تسویه کافی باشد و به بیش از این حد توجهی نمی کند. MAS هر روز صبح حدود ساعت ۹:۴۵ صبح عملیات بازار پول را انجام می دهد.

اجرای سیاست پولی

در سنگاپور، اجرای سیاست پولی از تدوین سیاست پولی جدا نگه داشته می شود تا تصمیمات سیاست پولی تحت تأثیر ملاحظات اجرایی کوتاه مدت قرار نگیرد. در طول روز، MAS حرکات S\$NEER را از نزدیک زیر نظر دارد تا اطمینان یابد که به طور منظم در محدوده خط مشی حرکت می کند. هنگامی که S\$NEER به لبه باند سیاست در هر دو طرف برسد، یا زمانی که نوسانات یا سفته بازی هایی

در بازار دلار سنگاپور وجود داشته باشد، MAS با استفاده از معاملات نقدی یا فوروارد از طریق نمایندگی های اصلی خود (PDS)، در بازار ارز مداخله خواهد کرد. همچنین، ممکن است قبل از رسیدن به دو حد دامنه یا باند سیاستی مداخله کند، یا به S\$NEER اجازه دهد قبل از مداخله، محدوده را بشکند و از آن خارج شود. البته، مقام پولی تا آنجا که ممکن است، از مداخله سریع خودداری می کند و به نیروهای بازار اجازه می دهد تا سطح نرخ مبادله دلار سنگاپور را در محدوده سیاستی تعیین کنند. زمان، بزرگی و فراوانی عملیات مداخله مقام پولی در بازار ارز فاش نمی شود. همراه با عدم افشای پارامترهای سیاستی، عدم اظهار نظر در مورد عملیات MAS باعث ایجاد برخی ابهامات سازنده در مدیریت نرخ ارز شده است. در موارد نادری که حضور صریح MAS برای آرام کردن بازار یا جلوگیری از سفته بازی های بیش از حد مورد نیاز است، ممکن است مقام پولی عملیات خود را فاش کند. برای پاسخگویی، جزئیات عملیات مداخله ارزی هر دو هفته یک بار در جلسه سیاست پولی و سرمایه گذاری که معادل کمیته سیاست پولی سایر بانک های مرکزی است، گزارش می شود. البته، با توجه به تلاش های مستمر کارگزاران اقتصادی و نیز همراهی مقام پولی برای افزایش شفافیت چارچوب، در حال حاضر فعالان بازار درک نسبتاً خوبی از سیاست های پولی MAS دارند. از ژوئیه ۲۰۰۱، حرکت S\$NEER در بنیانه سیاست پولی شش ماهه (MPS) گنجانده شده است. همچنین، داده های تاریخی S\$NEER با یک تاخیر شش ماهه از آوریل ۲۰۰۶ منتشر می شود. در اکتبر ۲۰۱۲، MAS تاخیر زمانی را کاهش داد و شروع به انتشار میانگین هفتگی داده های S\$NEER در اولین دوشنبه هر ماه کرد و به فعالان بازار نقاط مرجع بیشتری برای



روش منحصر به فرد سنگاپور برای اجرای سیاست های پولی

بانک مرکزی سنگاپور روش منحصر به فردی برای اجرای سیاست های پولی دارد و به جای تغییر نرخ های بهره داخلی، برخلاف بسیاری از اقتصاد های دیگر، نرخ تبدیل دلار خود را تغییر می دهد. مقام پولی سنگاپور مسیری را تعیین می کند که آن را باند یا دامنه سیاستی نرخ ارز موثر اسمی دلار سنگاپور (S\$NEER) می نامد و بنا بر آن، پول محلی را در برابر ارز های شرکای تجاری اصلی خود تقویت یا تضعیف می کند.

کالیبره کردن مدل‌های S\$NEER خود داد. همزمان با انتشار MAS، MPS دو بار در سال مروری بر اقتصاد کلان (MR) را منتشر می‌کند که تجزیه و تحلیل و ارزیابی تحولات اقتصاد کلان در اقتصاد سنگاپور را مستند می‌نماید و مبنای تصمیمات سیاستی اتخاذ شده را با فعالان بازار، تحلیلگران و عموم مردم به اشتراک می‌گذارد. این انتشارات و داده‌های موجود در آن به تحلیلگران بانکی این امکان را داده است که به برآوردهای نسبتاً مشابهی از S\$NEER برسند. آنها همچنین می‌توانند حضور MAS را از چگونگی تغییر قیمت‌ها در بازار ارز استنباط و رفتار مقام پولی را تحلیل و ارزیابی کنند.

اثر بخشی سیاست پولی

اثر بخشی مناسب سیاست پولی مبتنی بر نرخ ارز، به عنوان یک ابزار ضد تورم برای اقتصاد سنگاپور، با این واقعیت نشان داده می‌شود که تورم داخلی در طول زمان نسبتاً پایین بوده، به طوری که از سال ۱۹۸۱ تا ۲۰۱۲ نرخ تورم این کشور به طور متوسط ۲.۱ درصد در سال بوده است. پس از این سال نیز، چنانکه در شکل (۶) مشخص است، تنها در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ است که به خاطر بالا رفتن قیمت‌های جهانی انرژی و مواد غذایی ناشی از درگیری بین روسیه و اوکراین، تورم در سنگاپور هم مانند همه نقاط جهان جهش پیدا کرد و برای اولین بار در سال ۲۰۲۲ به ۸ درصد نزدیک شد. دلیل اصلی این جهش تورمی وابستگی کامل اقتصاد سنگاپور به واردات برای تامین نیازهای داخلی و در نتیجه تورم وارداتی است، چنانکه در نمودارهای قیمتی برون‌زا، به جز چند سال اخیر، در بیشتر سال‌ها تورم سنگاپور کمتر از دو درصد بوده و در برخی سال‌ها همچون ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶، این کشور تورم منفی را نیز تجربه کرده است. ثبات قیمت‌ها در نتیجه سابقه طولانی تورم پایین، باعث کنترل انتظارات تورمی شده و همین امر به کنترل بیشتر تورم در این کشور کمک می‌کند.

خلاصه و جمع بندی

به طور خلاصه، الف- سنگاپور با داشتن تولید سرانه در حدود ۸۵ هزار دلار (در سال ۲۰۲۳)، در مقام سوم اقتصاد جهانی از منظر این شاخص قرار دارد و بالاتر از کشورهای همچون ایالات متحده و بریتانیا رتبه بندی می‌شود. ب- رشد اقتصادی سنگاپور در دوره پس از استقلال کامل از ۱۹۶۵ به بعد بسیار شتابان بوده و همین رشد آن را در دسته کشورهای تازه صنعتی شده

آسیا قرار داده است. ج- بانک مرکزی سنگاپور، که تحت عنوان "مقام پولی سنگاپور" شناخته می‌شود، برخلاف بسیاری از کشورهای جهان از نرخ بهره به عنوان ابزار متعارف سیاست پولی استفاده نمی‌کند. د- مهم‌ترین ابزار سیاست پولی سنگاپور نرخ ارز موثر اسمی دلار سنگاپور (S\$NEER) است. ه- دلیل استفاده از کنترل نرخ ارز موثر اسمی به جای کنترل نرخ بهره در اعمال سیاست‌های پولی، ویژگی‌های اقتصاد سنگاپور به عنوان یک اقتصاد کوچک باز است که در آن ورود و خروج سرمایه آزاد بوده و حجم تجارت خارجی نسبت به حجم اقتصاد بسیار بالاست. و- همچنین، بسیاری از شرکت‌های تجاری و صنعتی فعال در سنگاپور برای تامین مالی خود به نظام بانکی داخلی آن وابسته نیستند و بیشتر از سمت شرکت‌های مادر خود در کشورهای مبدأ تامین مالی می‌شوند. در نتیجه، تغییر نرخ بهره داخلی سنگاپور بر رفتار اقتصادی آنها اثر پُرنرنگی ندارد. ز- اقتصاد سنگاپور به واردات برای تامین نیازها و تقاضای داخلی خود وابستگی بسیار شدیدی دارد که این امر باعث شده است کنترل تورم وارداتی از طریق کنترل نرخ ارز موثر اسمی به یکی از اولویت‌های بانک مرکزی آن تبدیل شود. ح- سیستم نرخ ارز در سنگاپور سه ویژگی اصلی دارد که می‌توان آنها را تحت طبقه بندی سبب، دامنه نوسان یا باند و نحوه خزیدن خلاصه کرد. دلار سنگاپور در برابر سبب از ارزهای شرکای تجاری اصلی این کشور یعنی ایالات متحده، حوزه یورو، و ژاپن مدیریت می‌شود و دامنه‌ای برای میانگین نرخ ارز موثر اسمی مبتنی بر این سبب از سوی مقام پولی سنگاپور تعیین شده است و تنظیم شیب واکنش بانک بر سرعت تقویت یا تضعیف دلار سنگاپور تأثیر می‌گذارد. تنظیم سطح یا نقطه میانی باند سیاستی نیز امکان تقویت یا تضعیف فوری S\$NEER را فراهم می‌کند. ط- مقام پولی سنگاپور نرخ‌های بهره و عرضه پول را، به جای استفاده به عنوان ابزار سیاست پولی، برای نظارت اقتصادی و همچنین برای تضمین وجود نقدینگی کافی در سیستم برای مقاصد نظارتی و تسویه حساب کنترل می‌کند. ی- بررسی اقتصاد سنگاپور و نرخ‌های تورم حاکم بر آن حاکی از اثر بخشی مناسب سیاست پولی مبتنی بر نرخ ارز به عنوان یک ابزار ضد تورم برای اقتصاد این کشور است.

• **این مطلب برگرفته از گزارش ایلناز ابراهیمی است که در پژوهشکده پولی و بانکی تهیه شده و سجاد ابراهیمی ناظر علمی آن بوده است.**

بانک مرکزی
سنگاپور
برخلاف
بسیاری از
کشورهای
جهان از نرخ
بهره به عنوان
ابزار متعارف
سیاست
پولی استفاده
نمی‌کند





تبدیل قطربه قطب بازار دارایی منطقه‌ای

قدرت‌نمایی نظام بانکی قطر در جهان

- صنعت مدیریت دارایی قطر در سال‌های آتی رشد قابل توجهی را تجربه خواهد کرد
- حجم کل دارایی‌های بستر جامع خدمات بانکی و مالی قطر، از مرز ۱۵ تریلیون ریال قطر عبور می‌کند
- امتیاز شاخص ریسک صنعت بانکداری برای قطر (BIRI)، عدد ۱۰۰ از ۱۰۰ را نشان می‌دهد
- نظام بانکی قطر در سال‌های گذشته، عملکرد بسیار بهتری از همسایگان قدرتمند خود داشته است

۶۰



اقتصاد

● شماره ۵۱ - مرداد ۱۴۰۳ ●

بررسی گزارش رسمی موسسه اعتبارسنجی فیچ از وضعیت نظام بانکی و مالی قطر نشان می‌دهد که بستر جامع بانکداری و خدمات مالی قطر در دهه گذشته، رشد پرشتاب و چشمگیری را تجربه کرده است، اما پیش‌بینی‌های میان‌مدت ۲۰۲۷ و افق بلندمدت ۲۰۳۲ حکایت از شرایط چالش برانگیز در این حوزه برای قطر به سبب توسعه فزاینده بازارهای مالی و بانکی منطقه‌ای کلیدی مانند عربستان سعودی و امارات دارد. اما با این حال، آنچه که پیشرفت، رشد و توسعه نظام خدمات مالی و بانکی قطر را در آینده دور و نزدیک به شدت تهدید خواهد کرد، فقدان وجود یک تنظیم‌کننده و تسهیل‌گر مالی مستقل کارآمد و پویا در این بستر است.

وضعیت صنعت بانکداری قطر چه در دوره کوتاه‌مدت و چه در افق‌های میان‌مدت و بلندمدت، بسیار روشن و درخشان خواهد بود که علت این امر، سطح بالاتر از استاندارد در حجم نقدینگی، بافرهای سرمایه‌ای و دارایی‌های نقدی خارجی است، به طوری که از منظر نقدینگی، دولت بافرهای سرمایه‌ای قابل توجهی در حدود ۳۸ میلیارد دلار ذخایر خالص بین‌المللی در بانک مرکزی و بیش از ۴۴۵ میلیارد دلار دارایی تحت مدیریت سازمان سرمایه‌گذاری قطر دارد. این امر، همراه با موجودی قابل توجهی از دارایی‌های نقدی خارجی، امنیت مناسبی را برای نظام بانکداری این کشور چه در افق میان‌مدت ۲۰۲۷ و چه در افق بلندمدت ۲۰۳۲ فراهم خواهد کرد.

پیش‌بینی شده است که صنعت بیمه قطر تا پایان چشم‌انداز بلندمدت ۲۰۳۲، رشد سالانه ۵ درصدی در بخش حق بیمه‌های ثبت شده رسمی (هم در بیمه‌های عمر و هم در بیمه‌های عمومی و تخصصی) را تجربه کند که یک رشد پایدار و نسبتاً قوی محسوب می‌شود و با تحقق این امر، ارزش این صنعت تا پایان سال ۲۰۳۲، به حدود ۳۲ میلیارد ریال قطر خواهد رسید. همچنین انتظار می‌رود چه در افق میان‌مدت و چه در افق بلندمدت، پیشتازی در بازار بیمه قطر، در اختیار بیمه‌های سلامت و درمان، بیمه‌های وسائط نقلیه و بیمه‌های شخص ثالث باشد و بخش بیمه عمر، همچنان سهم بسیار

کوچکی از بازار را در اختیار داشته باشد. ما بر این باوریم که صنعت مدیریت دارایی قطر در سال‌های آتی، رشد قابل توجهی را تجربه خواهد کرد که نتیجه آن، تبدیل شدن قطر به قطب بازار دارایی‌ها و مهم‌ترین مرکز مالی منطقه‌ای است. با این حال، در کوتاه مدت، چشم‌انداز ضعیف اقتصاد جهانی و رشد اقتصادی گاهنده و آهسته در قطر، تأثیر منفی بر صنعت مدیریت دارایی این کشور خواهد داشت.

بازار بورس اوراق بهادار قطر (QSE) در سال‌های اخیر توجه بسیاری از سرمایه‌گذاران کلان داخلی و بین‌المللی را به خود جلب کرده است، به طوری که بورس قطر در سال ۲۰۱۸ بالاترین بازدهی بازار سرمایه را در سراسر جهان به ثبت رساند، اما در طول همه‌گیری کرونا، این بازار نیز به شدت آسیب دید و با وجود بهبود پرشتاب پس از پاندمی، اکنون نیز وخامت اوضاع اقتصاد جهانی، احتمالاً بر عملکرد بازار سرمایه قطر در افق کوتاه‌مدت تأثیر منفی می‌گذارد.

خلاصه چشم‌انداز نسبت به آخرین روندها و تحولات

پیش‌بینی شده است که در پایان چشم‌انداز بلندمدت ۲۰۳۲، حجم کل دارایی‌های بستر جامع خدمات بانکی و مالی قطر، از مرز ۱۵ تریلیون ریال قطر عبور کند. همچنین تا پایان افق ۲۰۳۲، ارزش کل صنعت بانکداری قطر به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی، رشد قابل توجه و پرشتاب ۲۶۲ درصدی را تجربه خواهد کرد که در صورت تحقق، رکوردی بی‌سابقه و بی‌نظیر در جهان محسوب خواهد شد.

پیش‌بینی شده است که در پایان چشم‌انداز بلندمدت ۲۰۳۲، ارزش کل بازار سرمایه قطر، به مرز ۲۵۰۰ میلیارد ریال قطر برسد و به قطب بازارهای سهامی و بورسی منطقه مبدل شود.

وضعیت شاخص ریسک صنعت مالی و بانکداری قطر

محاسبه امتیاز شاخص ریسک صنعت بانکداری برای قطر (BIRI)، عدد ۱۰۰ از ۱۰۰ رانشان می‌دهد که حکایت از قدرت مطلق داخلی و منطقه‌ای نظام بانکی این کشور و کمترین سطوح ریسک بخش بانکی برای اتمسفر مالی و اقتصادی قطر در بین تمامی

وضعیت صنعت
بانکداری قطر
چه در دوره
کوتاه‌مدت و
چه در افق‌های
میان‌مدت
و بلندمدت
بسیار روشن و
درخشان است



بانک مرکزی
قطر قصد دارد
تا قبل از پایان
افق میان مدت
۲۰۲۷، ارزش
دیجیتال ملی
خود با نام
"e-Qatar" را به
طور رسمی وارد
چرخه نظام
بانکی کند

کشورهای جهان دارد. با این امتیاز، قطر در رتبه بندی ۱۲۲ کشوری این شاخص، در جایگاه مشترک اول جهان همراه با نروژ و سنگاپور قرار گرفته است. کسب بالاترین امتیاز ممکن BIRI برای قطر، منعکس کننده و منتج از پویایی بسیار بالا و سلامت کامل نظام بانکی این کشور، داشتن میانی و بنیادهای کلان اقتصادی قوی، اثرگذاری افزایش شدید قیمت نفت و بهبود مؤلفه های مالی دولت و ارتباطات بین المللی این کشور است.

تحلیل بازار خدمات بانکی و مالی قطر بر مبنای ماتریس SWOT

نقاط ضعف

- عدم وجود تنظیم کننده و تسهیل گر مستقل مالی در قطر، موجب ایجاد ناکارآمدی در بخش های مختلف و عدم تمرکز در حوزه مالی و بانکی در این کشور شده است.
- اتکای بیش از حد کشور به محصولات هیدروکربنی و صنعت نفت

نقاط قوت

- بیش از ۸۰ درصد جمعیت قطر را مهاجران تشکیل می دهند
- قطر سومین کشور جهان از لحاظ تراکم و تعداد میلیونرها است
- نظام بانکداری قطر، یکی از سلامت ترین و باثبات ترین بخش های مالی در منطقه شورای همکاری خلیج فارس است

تهدیدها

- رقابت شدید قطر با رقبای قدرتمند یعنی عربستان سعودی و امارات
- مناقشات جاری منطقه ای
- نوسانات قیمت نفت

فرصت ها

- توسعه فراگیر صنعت مالی و بانکی قطر

در بین کشورهای خاورمیانه که بازیگران برتر منطقه ای را به چالش جدی می کشد

- رشد فزاینده قطر در صنعت بانکداری و مالی اسلامی
- رشد فزاینده قطر در حوزه فین تک
- مقامات سیاسی و اقتصادی قطر، به شدت مشتاق توسعه این کشور به عنوان یک مرکز مالی منطقه ای هستند

بازار خدمات صنعت بانکداری در قطر

نظام بانکی قطر در سال های گذشته، عملکرد بسیار بهتری از همسایگان قدرتمند خود داشته، اما رشد سریع و گسترده صنعت بانکداری در عربستان سعودی و امارات، یک خطر تهدید کننده برای حفظ جایگاه بالای منطقه ای قطر در حوزه بانکی در سال های آتی خواهد بود.

با این حال، وضعیت نظام بانکداری قطر چه در دوره کوتاه مدت و چه در افق های میان مدت و بلندمدت، بسیار روشن و درخشان خواهد بود که علت این امر، سطح بالاتر از استاندارد در حجم نقدینگی، بافرهای سرمایه ای و دارایی های نقدی خارجی است.

همچنین تا پایان افق ۲۰۳۲، ارزش کل صنعت بانکداری قطر، به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی، رشد قابل توجه و پُرشتاب ۲۶۲ درصدی را تجربه خواهد کرد که در صورت تحقق، رکوردی بی سابقه و بی نظیر در جهان محسوب خواهد شد.

انتظار می رود که استراتژی جدید بانک مرکزی قطر در حوزه فین تک و پرداخت های فناورانه دیجیتال، از روند توسعه این کشور به عنوان قطب بانکی و مالی برتر منطقه و تحقق برنامه های چشم انداز ملی ۲۰۳۰ و ۲۰۳۲ دولت، حمایت کند.

همچنین متولیان صنعت بانکداری قطر

برش



برنامه بانک ملی قطر

در حال حاضر، بانک ملی قطر پس از بانک ملی تجاری عربستان سعودی، دومین نهاد مالی و بانکی معتبر و بزرگ در منطقه است که قصد دارد در آینده نزدیک، به رتبه اول بزرگترین بانک های خاورمیانه دست یابد.



قصد دارند که در پایان چشم انداز بلند مدت ۲۰۳۲، اولویت های کلیدی نظام بانکی خود را در حوزه هایی نظیر فین تک اسلامی، مالیه اسلامی، بانکداری پایدار و استفاده از فناوری های نوظهور در تراکنش ها و خدمات بانکی، تحقق بخشند.

چشم انداز رقابتی آتی در صنعت بانکداری قطر

اقتصاد قطر تا دهه ۱۹۵۰، فاقد هرگونه نهاد بانکی بود. در سال ۱۹۵۵، یک موسسه مالی و اعتباری با نام بانک شرقی (که اکنون با نام بانک استاندارد چارترد فعال است)، اولین شعبه خود را در دوحه افتتاح کرد. امتیاز و مالکیت بانک شرقی بعدها توسط بانک بریتانیایی خاورمیانه و بانک عثمانی خریداری شد. در حقیقت، این آغاز روند سرمایه گذاری های خارجی در حوزه بانکی در قطر بود که موجب شد دولت این کشور، به تاسیس بانک های داخلی بیشتری برای تقویت اقتصاد خود تشویق شود. سرانجام در سال ۱۹۶۵، بانک ملی قطر افتتاح شده و جایگزین بانک شرقی به عنوان سکان دار صنعت بانکداری دولتی این کشور شد. بانک مرکزی قطر قصد دارد تا قبل از پایان افق میان مدت ۲۰۲۷، ارز دیجیتال ملی خود با نام "e-Qatar" را به طور رسمی وارد چرخه نظام بانکی این کشور کرده تا روند پرداخت ها، تراکنش ها و نقل و انتقالات صنعت بانکداری قطر، سریع تر، ایمن تر و مقرون به صرفه تر شود.

بانک های عامل برتر قطر در افق ۲۰۳۲

• بانک ملی قطر (QNB Group)

بانک ملی قطر، با مجموع دارایی ۱۰۱۸ تریلیون ریال قطر، بزرگترین بانک این کشور از نظر حجم دارایی محسوب می شود و ارزش آن، بیش از پنج برابر ارزش نزدیکترین رقیب خود در این صنعت است.

در حال حاضر، بانک ملی قطر پس از بانک ملی تجاری عربستان سعودی، دومین نهاد مالی و بانکی معتبر و بزرگ در منطقه است که قصد دارد در آینده نزدیک، به رتبه اول بزرگترین بانک های خاورمیانه دست یابد.

در ژانویه ۲۰۲۳، بانک ملی قطر، ۹۹.۸۸ درصد از سهام بانک ترکیه ای "Finansbank" را خریداری نمود و در

همین ماه، سیستم پرداخت بیومتریک خود را به طور رسمی راه اندازی کرد.

• بانک اسلامی قطر (QIB)

بانک اسلامی قطر (QIB)، دومین بانک بزرگ این کشور با ارزش دارایی ۱۷۸.۲ میلیارد ریال قطر و اولین و بزرگترین بانک اسلامی قطر است. این بانک که در سال ۱۹۸۲ تأسیس شد، تقریباً ۴۰ درصد از سهم بانکداری اسلامی قطر و تقریباً ۹ درصد از سهم کل بازار بخش بانکداری داخلی این کشور را در اختیار دارد.

• بانک تجاری قطر (CBQ)

بانک تجاری قطر، با ارزش کل دارایی ۱۶۳.۳ میلیارد ریال قطر، به عنوان سومین بانک بزرگ این کشور شناخته می شود. این بانک به عنوان اولین بانک خصوصی داخلی قطر در سال ۱۹۷۵ با مأموریت "معرفی مفهوم بانکداری مدرن به یک کشور عمدتاً بدون بانک" تأسیس شد.

در سال ۲۰۱۶، اولین تسهیلات وام سه ساله به ارزش ۱۶۶ میلیون دلار را دریافت کرد که اولین مورد در نوع خود در بین بانک ها و موسسات مالی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بود. بانک تجاری قطر پس از توسعه حضور بین المللی خود در امارات متحده عربی و عمان، به دنبال فتح بازارهای بانکی اتحادیه اروپا است.

• بانک مسرف الریان قطر (Masraf Al Rayan Bank)

بانک مسرف الریان قطر، با مجموع دارایی ۱۶۲.۲ میلیارد ریال قطر، چهارمین بانک بزرگ این کشور از منظر ارزش و حجم دارایی است. هدف کوتاه مدت و میان مدت بانک مسرف الریان قطر، تبدیل شدن به قطب بانکداری اسلامی پیشرو در قطر و منطقه با ارائه طیف گسترده ای از محصولات و خدمات مطابق با شرع است.

• بانک دخان قطر (Dukhan Bank)

بانک دخان قطر، با ارزش دارایی ۱۰۲.۲ میلیارد ریال قطر، در جایگاه پنجمین بانک بزرگ تجاری این کشور قرار گرفته است. پس از ادغام موفقیت آمیز بانک بین المللی قطر و بانک باروا در سال ۲۰۱۹، این گروه مالی در اکتبر ۲۰۲۰ به عنوان بخشی از یک برنامه تحول استراتژیک بزرگ، به بانک دخان تغییر نام داد. در ۲۱ فوریه ۲۰۲۳ بانک دخان در لیست اصلی بورس اوراق بهادار قطر (QSE) پذیرفته شد.

بانک ملی قطر، با مجموع دارایی ۱۰۱۸ تریلیون ریال قطر، بزرگترین بانک این کشور از نظر حجم دارایی محسوب می شود



قطر با داشتن حدود ۵۰ هزار خانوار دارای ثروت خصوصی حداقل یک میلیون دلاری سومین کشور میلیونر خیز جهان است

بازار خدمات صنعت بیمه در قطر

پیش بینی شده است که صنعت بیمه قطر هم در افق میان مدت ۲۰۲۷ و هم تا پایان چشم انداز بلندمدت ۲۰۳۲، رشد قابل قبولی را در میزان تقاضای خدمات بیمه ای به ثبت برساند.

همچنین انتظار می رود چه در افق میان مدت و چه در افق بلندمدت، پیشتازی در بازار بیمه قطر، در اختیار بیمه های سلامت و درمان، بیمه های وسائط نقلیه و بیمه های شخص ثالث باشد و بخش بیمه عمر، همچنان سهم بسیار کوچکی از بازار را در اختیار داشته باشد. انتظار می رود که در چشم انداز بلندمدت صنعت بیمه قطر، رشد سالانه ۵ درصدی در بخش حق بیمه های ثبت شده رسمی (هم در بیمه های عمر و هم در بیمه های عمومی و تخصصی) به وقوع بپیوندد که با تحقق این امر، ارزش این صنعت تا پایان سال ۲۰۳۲، به حدود ۳۲ میلیارد ریال قطر خواهد رسید.

چشم انداز رقابتی آتی در صنعت بیمه قطر

بازار بیمه قطر، تحت سلطه بیمه های عمومی و تخصصی، بویژه بیمه های سلامت و درمان و بیمه های وسائط نقلیه قرار دارد و حوزه بیمه عمر، تنها بخش کوچکی از کل این صنعت را تشکیل می دهد. صنعت بیمه قطر عمدتاً توسط پنج شرکت سهامی عام مدیریت می شود که شرکت بیمه قطر (QIC) بزرگترین آنهاست.

بازار خدمات صنعت مدیریت دارایی در قطر

ما بر این باوریم که صنعت مدیریت دارایی قطر در سال های آتی، رشد قابل توجهی را تجربه خواهد کرد که نتیجه آن، تبدیل شدن قطر به قطب بازار دارایی ها و مهم ترین مرکز مالی منطقه ای است. با این حال، در کوتاه مدت، چشم انداز ضعیف اقتصاد جهانی و رشد اقتصادی گاهنده و آهسته در قطر، تاثیر منفی بر صنعت مدیریت دارایی این کشور خواهد داشت.

انتظار می رود از افق میان مدت ۲۰۲۷ تا پایان چشم انداز بلندمدت ۲۰۳۲، صنعت مدیریت دارایی قطر با توجه به پتانسیل های بکر بازار و حمایت کامل مقامات دولتی این کشور، شاهد یک نرخ رشد قوی بیش از ۲۰ درصدی باشد.

چشم انداز رقابتی آتی در صنعت مدیریت دارایی قطر

دوحه، پایتخت قطر، در سال های اخیر

به طور فزاینده ای در میان سرمایه گذاران صندوق های دارایی، به محبوبیت بالایی دست پیدا کرده است، زیرا ثروت تولید شده در حوزه هیدروکربن و بازار غیراشباع آن، ترکیبی جذاب برای سرمایه گذاران خرد و کلان است.

همچنین این کشور کوچک، پس از سنگاپور و سوئیس، با داشتن حدود ۵۰ هزار خانوار دارای ثروت خصوصی حداقل یک میلیون دلاری، سومین کشور میلیونر خیز در جهان است که همین امر، به شدت در رشد پرشتاب و محسوس صنعت مدیریت دارایی قطر در سال های آتی، تاثیر مثبت خواهد گذاشت.

از سوی دیگر، پیش بینی شده است که با تمهیدات صورت گرفته از سوی مقامات دولتی قطر، این کشور در آینده ای نه چندان دور، به قطب مدیریت سرمایه گذاری اسلامی منطقه تبدیل خواهد شد.

بستر خدمات بازار سرمایه و بورس اوراق

بهدار در قطر

بازار بورس اوراق بهادار قطر، بزرگترین بورس در بین بازارهای نوظهور منطقه و دومین بستر سهامی بزرگ خاورمیانه از نظر ارزش بازار است.

بازار سرمایه قطر در سال های اخیر توجه بسیاری از سرمایه گذاران کلان داخلی و بین المللی را به خود جلب کرده است، به طوری که بورس قطر، در سال ۲۰۱۸ بالاترین بازدهی بازار سرمایه را در سراسر جهان به ثبت رساند، اما در طول همه گیری کرونا، این بازار نیز به شدت آسیب دید و با وجود بهبود پرشتاب پس از پاندمی، اکنون نیز وخامت اوضاع اقتصاد جهانی، احتمالاً بر عملکرد بازار سرمایه قطر در افق کوتاه مدت تأثیر منفی می گذارد.

پیش بینی شده است که در پایان چشم انداز بلندمدت ۲۰۳۲، ارزش کل بازار سرمایه قطر، به مرز ۲۵۰۰ میلیارد ریال قطر برسد و به قطب بازارهای سهامی و بورسی منطقه مبدل شود. به نظر می رسد که در چشم انداز میان مدت و بلندمدت، بیشترین سودآوری در بازار سرمایه قطر، مربوط به شرکت های فعال در حوزه انرژی و سلامت باشد. پیش بینی شده است که سهام شرکت بیمه اسلامی دامان (بیما) و بانک دحان قطر در پایان افق بلندمدت ۲۰۳۲، در بین ارزشمندترین نمادهای بورسی منطقه قرار بگیرد.





روسای بانک‌های مرکزی جهان در آئینه تاریخ (۳۲)

مدیریت انتظارات فرانک سوئیس رانجات داد

- توماس جردن جزو معدود اقتصاددانان سوئیسی و اروپایی است که توانسته به درجه "Habilitation" دست یابد
- دوران مدیریت جردن در مهم‌ترین نهاد پولی و مالی سوئیس، رسماً از ۱۸ آوریل ۲۰۱۲ آغاز شد
- در دو سال اول ریاست توماس جردن بر بانک مرکزی این کشور، میانگین هزینه‌های خانوارهای سوئیسی کاهش یافت
- از ابتکارات مهم توماس جردن در بانک مرکزی سوئیس، اجرای برنامه مدون فراگیر در حوزه مدیریت انتظارات اقتصادی شهروندان بود

۶۵



اقتصاد

• شماره ۵۱ - مرداد ۱۴۰۳ •

در روز ۱۴ آوریل
۲۰۱۸، جردن
برای دفاع از
برنامه‌های
پیشنهادی
خود و اخذ رای
اعتماد، در
پارلمان فدرال
سوئیس حضور
یافت

تولد، کودکی و نوجوانی توماس جردن در محیطی فرهنگی، آرام و آزاد

"توماس یاکوب اولریش جردن"، ملقب به توماس جی جردن، در یک شب سرد و برفی زمستانی در ۲۸ ژانویه ۱۹۶۳ در شهر بینه (بیل) ایالت برن سوئیس به دنیا آمد. پدرش استفان یاکوب جردن، معلم جغرافیا در دبیرستان‌های ایالت برن بود و به طور غیررسمی، به ماهیگیری و پرورش اسب نیز می‌پرداخت. مادرش بنتینو امیلی جردن، کارمند اداره حیات وحش و محیط زیست ایالت برن بود و عصرها، در کلیسای کوچک واقع در نزدیکی محل سکونت خود، به فرزندان خانواده‌های بی‌بضاعت، ادبیات و نقاشی درس می‌داد. توماس در یک خانواده کم جمعیت ۴ نفره، در یک محیط آرام، فرهنگی و بستری مملو از آزادی‌های کنترل شده، مورد علاقه، جهت‌دار و مثمر، پرورش یافت. در واقع، پدر و مادر به وی و برادرش لیارد، اجازه انتخاب رشته، مهارت دلخواه و کار مورد علاقه را از همان سنین نوجوانی داده بودند. به همین دلیل، توماس از سن ۱۲ سالگی، بعد از پایان یافتن ساعات حضور در مدرسه، در یکی از کارگاه‌های نجاری شهر بیل مشغول به کار می‌شد و برادرش لیارد نیز در یک رستوران محلی، فعال بود. همین امر موجب شد که توماس، تعامل سازنده‌ای با محیط اطراف خود، در نتیجه آزادی‌های کنترل شونده داشته باشد و این بالندگی و رشد خودخواسته و تحت نظارت و تشویق‌های پدر و مادر، زمینه را برای پیشرفت تحصیلی و درسی وی نیز فراهم کرد، به طوری که توماس جردن، در سال ۱۹۸۱ و پس از پایان دوره تحصیلات متوسطه و اخذ مدرک دیپلم، به دلیل کسب نمرات درخشان و ممتاز، توانست در لیست واجدین شرایط برای دریافت بورسیه دانشگاهی ملی سوئیس قرار گیرد و امکان تحصیل با دریافت مقرری ماهانه را از همان مقطع لیسانس، پیدا کند (آکادمی علوم سوئیس، ۲۰۲۴).

دوران شکوفایی علمی و تحصیلی توماس جردن در سوئیس و ایالات متحده

توماس جردن در سال ۱۹۸۲، با دریافت بورسیه ملی از دولت سوئیس، با راهنمایی‌های پدر و مادر و کشف علاقه حقیقی خویش، توانست به مقطع کارشناسی در رشته اقتصاد و مطالعات بازرگانی در دانشگاه برن سوئیس راه یابد. درخشش تحصیلی و هوشمندی مثال‌زدنی جردن علاوه بر تحسین اساتید

و مدیران دانشکده، موجب شد که وی پس از اتمام دوره تحصیل لیسانس، با دریافت مجدد بورسیه دانشگاهی و اینبار به صورت بورسیه کامل (تحصیل رایگان + دریافت مقرری ماهانه + امکان تدریس در هنگام تحصیل)، در سال ۱۹۸۶، به مقطع کارشناسی ارشد اقتصاد بین‌الملل و در سال ۱۹۸۹، به مقطع دکتری تخصصی رشته اقتصاد در شاخه علوم اقتصادی و سیاست‌گذاری عمومی، ورود کرده و در سال ۱۹۹۳، در دفاع از رساله خود با موضوع "راه حل‌هایی برای بحران‌های پولی در صنعت بانکداری در اروپا و جهان" به دوران تحصیلات آکادمیک درخشان خود در سوئیس، پایان داد. در اکتبر ۱۹۹۳، توماس جردن موفق به دریافت یک بورسیه تحصیلی برای آغاز دوره فوق دکتری اقتصاد در ایالات متحده شد و توانست دوره تحقیقات پس‌دکتری خود را در سه مقطع یکساله و در مجموع ۳ سال، در دپارتمان‌های علمی اقتصاد، سه دانشگاه معتبر آمریکا یعنی هاروارد، کمبریج و ماساچوست و با کار بر روی موضوعی با عنوان "بحران بدهی‌های دولتی و ورشکستگی‌های بانکی در اتحادیه پولی اروپا"، بگذراند. خلاصه‌ای از کارنامه پُرافتخار تحصیلات آکادمیک توماس جردن به شرح زیر است:

- کارشناسی اقتصاد و مطالعات بازرگانی، دانشگاه برن سوئیس، ۱۹۸۶-۱۹۸۲
 - کارشناسی ارشد اقتصاد بین‌الملل، دانشگاه برن سوئیس، ۱۹۸۹-۱۹۸۶
 - دکتری تخصصی علوم اقتصادی و سیاست‌گذاری عمومی، دانشگاه برن سوئیس، ۱۹۹۳-۱۹۸۹
 - پس‌دکتری اقتصاد و سیاست‌گذاری پولی و مالی، ایالات متحده، ۱۹۹۶-۱۹۹۳
- همچنین توماس جردن جز معدود اقتصاددانان سوئیسی و اروپایی است که توانسته به درجه "Habilitation" (بالترین درجه علمی ممکن برای یک دانش‌آموخته در دانشگاه‌های اروپا، آسیای مرکزی و قفقاز، شمال آفریقا و آمریکای لاتین) دست یابد. (انستیتوی مطالعات بین‌المللی سوئیس، ۲۰۲۴)

فعالیت‌های پژوهشی و دانشگاهی و افتخارات آکادمیک توماس جردن

استعداد تحصیلی، هوشمندی بالا، علاقه و احاطه کامل به مباحث علمی روز حوزه اقتصاد، بانکداری و مالیه بین‌الملل در توماس جردن موجب شد که وی پس از اتمام دوره تحقیقات

پسادکتری و بازگشت از ایالات متحده، به حیطه تدریس و پژوهش‌های علمی و آکادمیک قدم بگذارد. جردن در سال ۱۹۹۸ به دعوت ریاست دپارتمان اقتصاد دانشگاه برن، به عنوان مدرس و پژوهشگر ارشد، به این گروه آموزشی پیوست و تا سال ۲۰۰۳، راهنمایی و مشاوره بسیاری از دانشجویان دوره تحصیلات تکمیلی در رشته‌های اقتصاد و سیاست‌گذاری عمومی، در هر دو مقطع کارشناسی ارشد و دکتری را به عهده گرفت. در سال ۲۰۰۳، با شدت گرفتن مسئولیت‌های اجرایی در بدنه اقتصادی دولت سوئیس و همچنین نهادهای اروپایی، امکان حضور تمام وقت جردن در دانشگاه برن فراهم نشد، اما به دلیل خدمات شایان وی در عرصه توسعه پژوهش‌های نوین و مبتکرانه مالی و بانکی در این دانشگاه، از سال ۲۰۰۳، به عنوان استاد افتخاری دپارتمان اقتصاد دانشگاه برن منصوب شد که این دوره از فعالیت علمی جردن تا به امروز نیز ادامه دارد. به بیان دقیق‌تر، تا قبل از آغاز دوران ریاست بر بانک مرکزی سوئیس، جردن، با قدرت و تمرکز بیشتری به امور تحقیقاتی و دانشگاهی خود پرداخت، اما توانمندی بالا در عرصه مدیریت اجرایی و مشغله همزمان حضور در سمت‌های شغلی در رده‌های بالای ملی و بین‌المللی، امکان فعالیت پُررنگ آکادمیک را از وی گرفت. با این حال، توماس جردن هیچگاه به طور کامل از این اتمسفر خارج نشد و از سال ۱۹۹۸ تا به امروز، قریب ۲۶ سال، به عنوان استاد و پژوهشگر حوزه اقتصاد، مالی، بانکداری، مدیریت پولی، نظریه پردازی پولی و سیاست‌گذاری عمومی در دانشگاه‌های سوئیس مشغول به فعالیت بوده است (آکادمی علوم سوئیس، ۲۰۲۴).

عمده تخصص توماس جردن در حوزه پژوهش‌های آکادمیک و ملی، تدریس دانشگاهی، تحقیقات تئوریک، کتب و مقالات علمی و ژورنالیستی در شاخه‌هایی نظیر "اقتصاد مالی"، "نظریه‌های پولی"، "سیاست‌های پولی"، "نظام‌های پولی منطقه‌ای"، "نظام پولی بین‌الملل"، "بحران‌های بدهی"، "بحران‌های اقتصادی و مالی"، "رویکردهای بانکداری نوین"، "سیاست‌گذاری‌های بانکی نوین"، "سیاست‌گذاری عمومی"، "مدیریت استراتژیک بانکی"، "بحران‌های صنعت بانکداری" و "بانکداری سیستماتیک" است. وی در این سال‌ها، بیش از ۱۵۰ اثر منتشر شده در قالب مقالات علمی، یادداشت‌ها و

سرمقاله‌های متعددی در مجلات علمی اقتصادی و نشریات و جراید مطرح جهان مانند تایمز، فوربس، واشنگتن پست، وال استریت ژورنال، بلومبرگ، فارن پارلیسی، نیویورک تایمز و فایننشال تایمز به چاپ رسانده است (مرکز تحقیقات سیاست اقتصادی، ۲۰۲۴).

دوران حرفه‌ای شغلی توماس جی جردن تا قبل از ریاست بر بانک مرکزی سوئیس

سمت‌های اجرایی در بدنه اقتصادی دولت سوئیس

- کارشناس حوزه اقتصاد پولی در دپارتمان بانکداری بین‌الملل، بانک مرکزی سوئیس، ۱۹۹۷-۱۹۹۹
- دستیار مدیر واحد مطالعات اقتصادی، بانک مرکزی سوئیس، ۲۰۰۱-۱۹۹۹
- رئیس واحد تحقیقات پولی و بانکی، بانک مرکزی سوئیس، ۲۰۰۳-۲۰۰۱
- ریاست کل دپارتمان بازارهای مالی (بازار پول و ارز، مدیریت دارایی، مدیریت ریسک و تحلیل بازار مالی)، بانک مرکزی سوئیس، ۲۰۰۵-۲۰۰۳
- عضویت در هیات مدیره بانک مرکزی سوئیس، ۲۰۰۵-ادامه دارد
- مدیرعامل و رئیس هیات مدیره مرکز بین‌المللی مطالعات پولی و بانکی سوئیس، ۲۰۰۷-۲۰۰۵
- معاونت پولی و مالی و رئیس اداره ثبات مالی، نقدینگی، مالی و ریسک، بانک مرکزی سوئیس، ۲۰۰۸-۲۰۰۷
- معاونت خدمات حقوقی، انطباق، حسابرسی داخلی، بانک مرکزی سوئیس، ۲۰۱۰-۲۰۰۸
- رئیس هیات مدیره صندوق تثبیت بانک مرکزی سوئیس، ۲۰۱۳-۲۰۰۸
- نایب رئیس هیات مدیره و قائم مقام بانک مرکزی سوئیس، ۲۰۱۲-۲۰۱۰

سمت‌های اجرایی در بانک مرکزی اروپا و نهادهای بین‌المللی در جهان

- عضویت در کارگروه مالی عمومی، کمیته سیاست پولی بانک مرکزی اروپا، ۲۰۰۵-۲۰۰۳
- عضویت در کمیته کارشناسان اصلاح سیستم سیاست‌گذاری پولی، بانک مرکزی اروپا، ۲۰۱۲-۲۰۰۵
- عضویت در اداره کل اقتصاد، آمار و تحقیقات بانک مرکزی اروپا، ۲۰۰۸-۲۰۰۶

توماس جردن، یکی از طولانی‌ترین دوره‌های مدیریت بر بانک مرکزی سوئیس در هزاره جدید راتجربه کرده است



توماس جردن
در اولین اقدام
پس از انتصاب
به سمت ریاست
بانک مرکزی
سوئیس، به
سراغ برنامه
هدف گذاری
تورمی این کشور
در بازه زمانی ۴
ساله پیش رو
رفت

- جانشین رئیس بانک مرکزی اسپانیا در شورای حکام بانک مرکزی اروپا، ۲۰۰۸-۲۰۱۲
- عضو شورای عالی آمار و اطلاعات پولی بانک مرکزی اروپا، ۲۰۰۸-۲۰۰۹
- عضویت کمیته پژوهشی در آکادمی آموزش های بنیادین پولی و مالی بانک جهانی، ۲۰۰۸-۲۰۱۷
- عضویت در کمیته مرکزی پژوهشگران ارشد صندوق بین المللی پول، ۲۰۰۹-۲۰۲۲
- عضویت در هیات اجرایی بنیاد مطالعات اقتصادی کاربردی، بانک مرکزی اروپا، ۲۰۱۰-۲۰۱۱
- عضو هیات مدیره مرکز بین المللی مطالعات پولی و بانکی، بانک تسویه بین المللی، ۲۰۱۰-۲۰۱۲
- عضو کمیته اقتصادی و مالی اتحادیه بانکداران مرکزی منطقه اسکاندیناوی، ۲۰۱۰-۲۰۱۲
- مشاور ارشد و دستیار ویژه رئیس اتحادیه بانکداران مرکزی منطقه اسکاندیناوی، ۲۰۱۱-۲۰۱۲
- (انستیتوی مطالعات بین المللی سوئیس، ۲۰۲۴/مارکت اسکرینر، ۲۰۲۴)

آغاز دوران سکنداری توماس جردن در بانک مرکزی سوئیس

در اوایل آوریل سال ۲۰۱۲ میلادی، با پایان کار ریاست فیلیپ هیلدبراند در بانک مرکزی سوئیس، نشست مشترک رئیس جمهور وقت، اعضای هیات مدیره بانک مرکزی سوئیس، اعضای شورای فدرال و رئیس پارلمان فدرال سوئیس در جهت همفکری، اجماع و رای گیری اولیه برای انتخاب رئیس جدید مهم ترین نهاد پولی و بانکی این کشور برگزار شد. در این جلسه، اکثریت حاضرین به ویژه رئیس جمهور وقت و اعضای هیات مدیره بانک مرکزی و اعضای شورای فدرال سوئیس، بر انتخاب توماس جردن برای تصدی این پست، به توافق رسیدند. در روز ۱۴ آوریل ۲۰۱۸، جردن برای دفاع از برنامه های پیشنهادی خود و اخذ رای اعتماد، در پارلمان فدرال سوئیس حضور یافت. پس از ساعت ها بحث، مذاکره و استماع سخنان وی، نمایندگان مجلس فدرال سوئیس، با اکثریت قاطع آراء، توماس جردن را برای یک دوره ۴ ساله قابل تمدید، به عنوان رئیس بانک مرکزی این کشور، منصوب کردند. بدین ترتیب، دوران مدیریت جردن در مهم ترین نهاد پولی و مالی سوئیس، رسماً از ۱۸ آوریل ۲۰۱۲ آغاز شد و با سه دوره تمدید و ابقاء در این سمت، تا به امروز

ادامه دارد. توماس جردن، یکی از طولانی ترین دوره های مدیریت بر بانک مرکزی سوئیس در هزاره جدید را تجربه کرده است. همچنین دوران ریاست وی در این جایگاه، مقارن با حضور بن برنکی، جنتیلین و جروم پاول در صدر نهاد فدرال رزرو ایالات متحده بوده است (بانک مرکزی سوئیس، ۲۰۲۴).

اقدامات و چالش های توماس جردن در مسند ریاست بانک مرکزی سوئیس

• مهار و مدیریت هوشمندانه و کارآمد نرخ تورم سوئیس در دوران ریاست توماس جردن

توماس جردن در اولین اقدام پس از انتصاب به سمت ریاست بانک مرکزی سوئیس، به سراغ برنامه هدف گذاری تورمی این کشور در بازه زمانی ۴ ساله پیش رو رفت. وی برای ارائه و دفاع از بسته پیشنهادی سیاست های مهار تورمی خود، در ۴ می ۲۰۱۲، به پارلمان قانون گذاری فدرال سوئیس رفت. وی در این جلسه اعلام کرد که برای دستیابی به اهداف ثبات قیمتی، هدف گذاری تورمی کالاهای استراتژیک و اساسی را انعطاف پذیر و میانگین قیمتی فرانک سوئیس را در مقابل ارزهای جهانی، به ویژه دلار، شناور می کند. طرح پیشنهادی جردن در ۲۲۰ صفحه و با ۴۵ بند و تبصره اجرایی و عملیاتی در حوزه مدیریت تورمی، به رای نمایندگان مجلس گذاشته شد و توانست با اکثریت آرا، به تصویب برسد و به عنوان دستورالعمل قانونی لازم الاجرا به وزارتخانه های متبوع و سازمان ها و نهادهای مجری، ابلاغ شود. طراحی و پیاده سازی سیاست های مهار تورمی جردن در قالب این لایحه قانونی که از ابتدا با حمایت همه جانبه دولت و پارلمان سوئیس همراه بود، موجب شد که در دو سال اول ریاست توماس جردن بر بانک مرکزی این کشور، میانگین هزینه های خانوار سوئیسی که در فاصله زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲، به سبب افزایش ناگهانی در قیمت انرژی و کالاهای اساسی نظیر اقلام خوراکی، در نتیجه وقوع بحران مالی جهانی، افزایش یافته بود، مهار و مدیریت شد. بدین ترتیب مجموعه تصمیمات اجرایی بندهای عملیاتی ۴۵ گانه ضد تورمی توماس جردن سبب شد که شاخص تورم کل، نرخ تورم تولیدکننده (شاخص تورم تولید و صنعت)، شاخص قیمت مصرف کننده و از همه مهم تر، نرخ تورم کالاهای استراتژیک و اساسی شامل انرژی، مواد غذایی و خوراکی های ضروری در سوئیس در بازه زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۴ با روند گاهشی روبرو شده و برخی





از این شاخص‌ها تا مرز صفر درصد و حتی نرخ تورم منفی نیز تنزل یابند. همچنین توماس جی جردن در اواخر دور سوم ریاست بربانک مرکزی سوئیس در سال ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲، با وجود ترکش‌ها و پیامدهای منفی شدید و عمیق اقتصادی و مالی ناشی از پاندمی کرونا، به دلیل ابتکار عمل هوشمندانه، استفاده از ظرفیت‌های کامل بالقوه حاکمیتی و علمی و تلاش مستمر و فراگیر در اجرای مفاد حقوقی و دستورالعمل‌های اجرایی بسته سیاستی مهار تورمی و آمادگی همه‌جانبه برای بازطراحی و اجرای مجدد سیاست‌های پولی بهینه، توانست در این جایگاه مهم پولی و مالی، مولفه‌های تورمی را کنترل و نرخ تورم در بخش‌های مختلف را در محدوده هدف‌گذاری تعیین شده، مدیریت کند (فوربس، ۲۰۲۴)

• مدیریت بهینه شاخص‌های کلان اقتصاد داخلی

سوئیس در سال‌های پس از بحران مالی ۲۰۰۸

در سال‌های پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸، بانک مرکزی سوئیس یکی از نهادهای پولی و مالی موفق اروپایی بود که توانست با مدیریت صحیح سازوکارهای اقتصادی کشور از طریق طراحی و اجرای سیاست‌های پولی جدید که منتج به اثرات قابل توجه مثبت، به ویژه در بحث مهار

انتظارات کاذب شهروندان و فعالان اقتصادی در حوزه تورمی و بازار کار شد، عبور کم‌هزینه‌تری از این چالش مالی و اقتصادی جهانی داشته باشد، به طوری که به استناد آمارهای بانک جهانی، سوئیس جز معدود کشورهای قاره اروپا بود که کمترین تغییرات منفی محسوس در شاخص‌های کلان اقتصادی را در سال‌های پس از بحران مالی ۲۰۰۸ تجربه کرد. از ابتکارات مهم و اقدامات موثر توماس جردن در بانک مرکزی سوئیس در این برهه حساس، طراحی و اجرای یک برنامه مدون فراگیر در حوزه مدیریت انتظارات اقتصادی شهروندان در جهت جلوگیری از وقوع وضعیت غیرقابل کنترل برای شاخص‌های کلان اقتصادی این کشور بود. در ژوئن ۲۰۱۲، توماس جردن، با اعلام وضعیت فوق‌العاده، راهبری تیم مدیریت کلان کابینه اقتصادی دولت سوئیس را به دست گرفت و با تدوین و ارائه یک بسته پیشنهادی اضطراری، در طی ۱۳ ماه، موفق به بهبود وضعیت شاخص‌های کلان اقتصاد داخلی سوئیس شد. کمیته پژوهش‌های بانک مرکزی سوئیس، بخش اعظمی از سیاست‌های پولی و محتویات سیاست‌گذاری عملیاتی این برنامه را معطوف به اجرای مکانیزم مهار و مدیریت کوتاه‌مدت



سوئیس
جز معدود
کشورهای
قاره اروپا بود
که کمترین
تغییرات منفی
محسوس در
شاخص‌های
کلان اقتصادی
را در سال‌های
پس از بحران
مالی ۲۰۰۸
تجربه کرد

و میان مدت انتظارات اقتصادی شهروندان و فعالان و صاحبان صنایع و کسب و کارهای این کشور کرده بودند، به طوری که بایک اقدام هوشمندانه، بلندمدت، پویا و منعطف، سرمایه و دارایی شهروندان سوئیسی و فعالان اقتصادی، صاحبان مشاغل و کسب و کارها در این کشور، به ویژه سرمایه‌گذاری‌های انجام گرفته در بازار بورس اوراق بهادار سوئیس موسوم به "بورس سیکس سوئیس"، تحت پوشش کامل یک بیمه ملی با عنوان "بیمه انتظارات تورمی دولتی" قرار گرفت. بدین ترتیب با اطمینان بخشی به عموم مردم این کشور نسبت به حفظ ارزش دارایی‌ها و سرمایه‌هایشان حتی در صورت تشدید بحران و افزایش شدید نرخ تورم و کاهش چشمگیر سطح تولید ناخالص داخلی و کاهش رشد اقتصادی، تحرکات کاذب عمومی در سال‌های پس از بحران مالی ۲۰۰۸، خنثی شد. آمارهای منتشره بانک مرکزی اروپا نشان داد که طی ۱۳ ماه اجرای این برنامه، شاخص‌های کلان اقتصاد داخلی سوئیس به شکل محسوس و معناداری بهبود یافت که تحقق چنین امری، مدیون راهبری و مدیریت توماس جردن در مقام ریاست بانک مرکزی این کشور بوده است. (بانک تسویه بین‌الملل، ۲۰۲۴)

• **مدیریت هوشمندانه اقتصاد سوئیس در بحران پاندمی کرونا با عملکرد درخشان جردن**
بحران‌های اقتصادی و مالی ناشی از پاندمی کرونا، چالش سختی برای دوره مدیریت توماس جردن محسوب می‌شد، به طوری که در اواخر سال ۲۰۱۹ میلادی، رئیس‌جمهور وقت و شورای فدرال سوئیس، اعلام وضعیت اضطراری ملی و بهداشتی کرده بود. توماس جردن نیز با اعلام شرایط ویژه اقتصادی و مالی کنونی، کنفرانس خبری خود را برای تشریح برنامه‌های بانک مرکزی سوئیس در مقابله با پیامدهای منفی ناشی از همه‌گیری کرونا برگزار کرد. بسته

پیشنهادی جردن شامل چارچوب‌های مالی بهینه‌شده و کانال‌های توزیع تثبیت شده، به اقتصاد سوئیس کمک کرد تا از رکود تورمی در طول پاندمی کووید-۱۹ جلوگیری کند. با توجه به وابستگی بالای سوئیس به حوزه صادرات و تجارت خارجی، انتظار می‌رفت فعالیت‌های اقتصادی بسیاری از واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی این کشور، تحت تأثیر کمبود مواد اولیه تا ماه‌ها با اختلال مواجه شود، اما درایت توماس جردن در تصمیم‌سازی‌ها، اقدامات به‌موقع و تقویت چارچوب نهادی مولفه‌های کلان اقتصادی سوئیس، موجب عبور موفق و کم‌هزینه این کشور از بحران کرونا شد، به طوری که از مارس ۲۰۲۰، سوئیس روابط تجاری عادی خود با هم‌پیمانان اصلی یعنی چین، ایالات متحده، اتحادیه اروپا و کشورهای منطقه اسکاندیناوی را از سرگرفت و از آوریل ۲۰۲۰ میلادی، دولت فدرال و بانک مرکزی سوئیس، حمایت مالی و تسهیلاتی همه‌جانبه خود از واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی را به ارزش بیش از ۱۵۰۰ میلیارد فرانک، به اجرا درآوردند. بدین ترتیب، تدابیر مشترک دولت، شورای فدرال و توماس جردن، بستر مالی قابل اطمینانی را برای حمایت از اقتصاد این کشور تا زمان بهبودی کامل از این بحران، فراهم کرد. نتایج اقدامات جردن سبب شد که روند احیای تدریجی اقتصاد سوئیس تا پایان سال ۲۰۲۳ میلادی با چشم‌اندازی مثبت ادامه یابد و رشد اقتصادی این کشور، عددی بیش از پیش‌بینی‌های انجام شده را به ثبت برساند (وال استریت ژورنال، ۲۰۲۴).

• **ارتقاء ارزش فرانک سوئیس در مقابل دلار ایالات متحده در دوره مدیریت توماس جردن**
یکی از مهم‌ترین اقدامات و فعالیت‌های موثر توماس جردن در دوران ریاست بر بانک مرکزی سوئیس، تقویت ارزش فرانک سوئیس در بازارهای ارزی جهان و دستیابی به یک توازن



یکی از
مهم‌ترین
اقدامات جردن
تقویت ارزش
فرانک سوئیس
در بازارهای
ارزی جهان و
دستیابی به یک
توازن منطقی
در رابطه بین
فرانک سوئیس
و دلار آمریکا
بود

- نماینده دولت فدرال سوئیس در مجمع عمومی و کمیته راهبری هیئت ثبات مالی (FSB)، ۲۰۱۲-۲۰۲۴
- عضویت در شورای عمومی بانک مرکزی اروپا، ۲۰۱۲-۲۰۲۴
- عضویت در شورای حکام بانک مرکزی اروپا، ۲۰۱۲-۲۰۲۴
- عضویت در گروه مشورتی منطقه‌ای شورای ثبات مالی اروپا، ۲۰۱۲-۲۰۲۴
- عضویت در هیات مشاوران دیپارتمان اقتصاد دانشگاه زوریخ، ۲۰۱۲-۲۰۲۴
- عضویت در هیات امنای بنیاد فناوری فدرال زوریخ (ETH)، ۲۰۱۲-۲۰۲۴
- مطالعات بین‌المللی سوئیس، ۲۰۲۴

منابع:

1. https://scnat.ch/en/for_a_sustainable_society/policy_economics/People/thomas_jordan
2. <https://siaf.ch/en/speakers/prof-dr-thomas-j-jordan>
3. <https://cepr.org/about/people/thomas-jordan>
4. <https://in.marketscreener.com/insider/THOMAS-JAKOB-ULRICH-JORDAN-A1885H/>
5. <https://www.snb.ch/en/the-snb/organisation/supervisory-management-boards#direktorium>
6. [https://en.wikipedia.org/wiki/Thomas_Jordan_\(economist\)](https://en.wikipedia.org/wiki/Thomas_Jordan_(economist))
7. <https://www.handelszeitung.ch/management/thomas-jakob-ulrich-jordan>
8. <https://www.wsj.com/market-data/quotes/ch/xswx/SNBN>
9. <https://www.wsj.com/market-data/quotes/CH/XSWX/SNBN/company-people/executive-profile/14783647>
10. <https://www.forbes.com/companies/schweizerische-nation/?sh=1d4ed6225811>
11. <https://www.moneyhouse.ch/de/company/schweizerische-nationalbank-2882653011>
12. <https://www.munzinger.de/search/portrait/Thomas+Jordan/0/29071.html>
13. https://www.bis.org/author/thomas_jordan.htm
14. <https://www.bloomberg.com/profile/person/6601844>
15. <https://www.reuters.com/business/finance/thomas-jordan-technocrat-central-banker-who-made-big-decisions-2024-03-01/>
16. <https://www.statista.com/statistics/261381/inflation-rate-of-switzerland/>
17. <https://take-profit.org/en/statistics/inflation-rate/switzerland/>
18. <https://tradingeconomics.com/switzerland/inflation-cpi>
19. <https://tradingeconomics.com/switzerland/food-inflation>
20. <https://tradingeconomics.com/switzerland/consumer-price-index-cpi>

منطقی در رابطه بین فرانک سوئیس-دلار آمریکا بود. جردن در اولین روزهای پس از انتصاب در جایگاه رئیس بزرگترین نهاد مالی سوئیس اعلام کرده بود که بسته اجرایی سیاست‌های پولی مدون ۴ ساله آینده‌ما، ناظر بر به کارگیری تمامی ابزارهای ممکن در جهت تقویت ارزش فرانک سوئیس در مقابل ارزهای خارجی به ویژه دلار ایالات متحده خواهد بود. وی در ادامه افزوده بود که اگر بتوانیم با سیاست‌های در دست اجرا، توان بنیادین پول ملی کشور را افزایش دهیم، از صدمات ناشی از بحران‌های پولی و مالی دهه‌های آتی، لطمه کمتری خواهیم خورد. توماس جردن معتقد بود که به موازات حفظ رابطه گرم اقتصادی-سیاسی با آمریکا، اتحادیه اروپا، کشورهای منطقه اسکاندیناوی و سایر اقتصادهای توسعه یافته و در حال توسعه جهان، می‌بایست کارآمدی بنیادین، توان رقابتی و سلطه فرانک سوئیس را در برابر دلار آمریکا افزایش داده تا بتوان در سطحی برابر و قدرتمند، از تن دادن به سیاست‌های اقتصادی و مالی ناگزیر بین‌المللی و تحت فشار که می‌تواند موجب آشفتگی و ورشکستگی آتی اقتصادی و پیدایش بحران بدهی در سوئیس شود، جلوگیری کرد (بلومبرگ، ۲۰۲۳).

همین تفکر عملیاتی سیستماتیک موجب شد که در دوره ریاست پولوز، دوگانه دلار کانادا و دلار آمریکا، در سطحی قابل قبول قرار گرفته و ارزش دلار کانادا در بازار ارزهای جهانی، نسبت به دوره‌های پیشین، افزایش محسوسی یابد. (بلومبرگ، ۲۰۲۴؛ رویترز، ۲۰۲۴)

• مناصب شغلی و اجرایی توماس جردن همزمان با مدیریت در بانک مرکزی سوئیس

از منظر تحلیل گران حوزه پولی و بانکی، توماس جردن، یکی از موفق‌ترین و هوشمندترین بانکداران مرکزی جهان است که توانسته کشور خود را از ترکش‌های هولناک دو بحران بزرگ مالی هزاره جدید، مصون بدارد. به همین دلیل، در حین مدیریت بر بانک مرکزی سوئیس، از تخصص وی در سایر نهادها نیز استفاده شده است:

- عضویت در هیات مدیره بانک تسویه بین‌الملل (BIS)، ۲۰۱۲-۲۰۲۴
- ریاست کمیته بانکداری و مدیریت ریسک بانک تسویه بین‌الملل، ۲۰۱۲-۲۰۲۰
- ریاست کمیته دائمی بودجه و منابع بانک تسویه بین‌الملل، ۲۰۲۰-۲۰۲۴
- نماینده دولت فدرال سوئیس در صندوق بین‌المللی پول (IMF)، ۲۰۱۲-۲۰۲۴





به روزرسانی لیست نیازهای وارداتی، هر ۳ ماه یکبار

شیوه تخصیص ارز واردات در بانک مرکزی امارات

- نیازمندی‌های کالا و خدمات برای واردات با توجه به تغییرات تقاضای داخلی، در امارات به روز می‌شود
- تامین مالی بانک محور واردات، مهم‌ترین شیوه تخصیص بودجه به فعالان و تجار در جهان است
- اعتبار اسناد اتکایی (LC)، رایج‌ترین رویکرد بانک مرکزی امارات در تامین مالی واردات است

۷۲



اقتصاد

• شماره ۵۱ - مرداد ۱۴۰۳ •

نقش بانک
مرکزی امارات
در تامین ارز
مورد نیاز فعالان
حوزه واردات و
تجارت، محوری
است

تخصیص ارزهای مرجع جهانی از جمله دلار، یورو، پوند و یوان به بخش‌های مختلف واردات کالاها و خدمات این کشور براساس یک فهرست رتبه‌بندی شده علمی، پویا، سیال و منعطف را دارد، بدین ترتیب که میزان ارز قابل تخصیص به تجار و بازرگانان نمایه شده در این فهرست بر مبنای عملکرد کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت آنها، میزان بازدهی عملیاتی در حوزه واردات و همچنین رصد نیازمندی کالا و خدمات برای واردات با توجه به تغییرات تقاضای داخلی، به روز می‌شود.

این فهرست به طور معمول هر ۳ ماه یکبار و به صورت فصلی، با توجه به الزامات، دستورالعمل‌ها و بازخوردهای رصد شده که از خروجی تجزیه و تحلیل‌های مستمر انجام گرفته توسط بخش پژوهش عملیاتی دپارتمان تامین مالی واردات به اطلاع و آگاهی مدیران ارشد و روسای بانک مرکزی امارات رسانده می‌شود، بازبینی می‌شود. شورای حکام بانک مرکزی امارات در نشست مشترک اختصاصی با اعضای دپارتمان تامین مالی واردات که هر ۹۰ روز یکبار برگزار می‌شود، نظرات خود را نسبت به فهرست ارسالی به این شورا و نحوه و چگونگی پیشنهادات اصلاح، تغییر و بازبینی در شرکت‌ها، صنایع، کالاها و خدمات، میزان ارزهای تخصیص یافته به آنها را به صورت مکتوب در اختیار اعضای دپارتمان تامین مالی واردات قرار می‌دهد. پس از انجام اصلاحات مورد نظر، فهرست نهایی به دفتر ریاست فدرال بانک امارات ارسال شده و با امضاء رئیس بانک مرکزی امارات، اجازه تخصیص ارز مورد نیاز حوزه واردات بر اساس دستورالعمل‌های از قبل تعیین شده، صادر می‌شود.

طبق گزارش‌های رسمی و به اذعان کارشناسان و صاحب‌نظران مالی و بانکی، سازمان‌دهی کارآمد بانک مرکزی امارات در تامین مالی ارزی بخش واردات در این کشور به دلیل در نظر گرفتن دو مولفه اصلی در تعیین میزان ارز تخصیصی دوره بعد به هر فعال حوزه واردات است که موجب پویایی این بستر در این سال‌ها شده است:

- نخست "عملکرد و بازدهی تجار در واردات به صرفه برای اقتصاد ملی امارات"
- دوم "نیازمندی داخلی کالا و خدمات"

اعتبار اسناد انکایی (LC)، رایج‌ترین رویکرد بانک مرکزی امارات در تامین مالی واردات

بانک مرکزی امارات این امکان را به وجود آورده که بیشتر بانک‌های دولتی، خصوصی، تعاونی و تجاری داخلی این کشور و شعب، دفاتر و

مسئله مدیریت فرآیند تامین مالی ارزی حوزه واردات، یکی از مهم‌ترین موضوعات مرتبط با بدنه اصلی سیاست‌گذاری کلان اقتصاد جهان، چه در کشورهای توسعه یافته و پیشرفته و چه در اقتصادهای نوظهور و کمتر توسعه یافته محسوب می‌شود. چنانچه نتایج حاصل از پژوهش‌های مختلف و همچنین استناد به آمار و ارقام و گزارش‌های منتشر شده رسمی در این حوزه نشان می‌دهد که اساسا مقامات پولی و در راس آنها بانک‌های مرکزی کشورها، محوری‌ترین نقش را در زمینه مدیریت و راهبری شیوه‌ها، رویکردها و چگونگی تخصیص بهینه ارز به بخش‌ها، خدمات و کالاها و وارداتی‌ها می‌کنند و حتی در بازترین اقتصادهای تجاری جهان که بخش اعظم تامین مالی حوزه واردات در آنها از طریق بازار سرمایه و صندوق‌های مدیریت دارایی صورت می‌پذیرد، هنوز هم تامین مالی بانک محور واردات، مهم‌ترین شیوه تخصیص بودجه به فعالان و تجار در جهان است و همچنان، صنعت بانکداری، نقش عمده و کلیدی در ایجاد جریان‌های مالی برای امر واردات ایفا می‌کند. مبتنی بر این مهم، در پرونده جدید پژوهشی با عنوان "تجربه جهانی تامین مالی بخش واردات" به سراغ تبیین جایگاه محوری بانک‌های مرکزی و در کل، نظام بانکداری کشورها در تامین مالی ارز مورد نیاز فعالان حوزه واردات و تجارت می‌رویم و در این مقاله، به تبیین عملکرد و نقش آفرینی بانک مرکزی امارات در این باب می‌پردازیم.

بانک مرکزی امارات در راس هرم تصمیم‌سازی تامین مالی ارزی حوزه واردات

در بین اقتصادهای نوظهور و در حال پیشرفت حاشیه خلیج فارس، امارات متحده عربی، از سازوکار سازمان‌یافته کارآمدتری در بحث تخصیص ارز مورد نیاز واردات به تجار و بازرگانان خود برخوردار است که در راس این مکانیزم تصمیم‌سازی تجاری بین‌المللی، بانک مرکزی امارات قرار گرفته است. در حقیقت، بانک مرکزی امارات در سال ۲۰۱۴، اقدام به تاسیس یک نهاد عملیاتی مجزا در درون ساختار مدیریت خود با عنوان "دپارتمان تامین مالی واردات" کرد که رسالت اصلی آن، تصمیم‌سازی و راهبری استراتژیک تخصیص و تامین تقاضای وجوه درخواستی و مورد نیاز فعالان حوزه واردات این کشور بود. این دپارتمان، وظیفه



بانک مرکزی امارات، ارزهای تخصیص یافته به بازرگانان خُرد را به حساب کیف پول الکترونیک آنها واریز می کند

نماینده‌گی‌های بانک‌های بین‌المللی، خدمات تخصیص ارز مورد نیاز برای واردات را به تجار، بازرگانان و شرکت‌های کوچک و بزرگ داخلی و خارجی ارائه دهند. اعتبار اسناد انکایی (LC)، مهم‌ترین و رایج‌ترین ابزار پرداخت خارجی و متداول‌ترین رویکرد بانک‌محور در تأمین ارز مورد نیاز بازرگانان اماراتی برای واردات کالاها و خدمات به این کشور است. اعتبار اسناد انکایی یا Letter of Credit تعهد مالی است که از طرف نظام بانکی به فعالان تجارت خارجی داده می‌شود و طی آن، بانک متعهد می‌شود که میزان پرداختی مالی توافق شده فی‌مابین واردکننده و صادرکننده را به موقع و با مبلغ صحیح به دست وی برساند.

انواع ال سی‌های رایج مورد استفاده در حوزه تأمین مالی واردات در امارات متحده عربی در یکی از سه گروه اعتباری زیر قرار می‌گیرند:

اعتبار اسناد انکایی غیرقابل برگشت (Irrevocable LC) / اعتبار اسناد انکایی دیداری (At Sight LC) / اعتبار اسناد انکایی گردان (Revolving LC)

- در رویکرد اعتبار اسناد انکایی غیرقابل برگشت (Irrevocable)، هرگونه تغییر شرایط اعتبار از جانب خریدار یا بانک گشایش‌کننده اعتبار، موکول به موافقت و رضایت فروشنده است. فروشنندگان و صادرکنندگان طرف حساب با تجار اماراتی، معمولاً از اینگونه اعتبار اسناد انکایی، استقبال بیشتری می‌کنند.
- در رویکرد اعتبار اسناد انکایی دیداری (At Sight)، بانک ابلاغ‌کننده پس از رویت اسناد حمل ارایه شده از طرف ذینفع (فروشنده)، در صورت رعایت تمامی شرایط اعتبار از سوی وی، بلافاصله وجه آن را پرداخت می‌کند.
- در رویکرد اعتبار اسناد انکایی گردان (Revolving)، که محبوب‌ترین و پرتقاضاترین نوع ال سی در بین فعالان حوزه واردات در امارات است، پس از هر بار استفاده ذینفع از اعتبار، همان مبلغ اسناد تا سطح اعتبار اولیه افزایش

می‌یابد. در واقع در این رویکرد که از سال ۲۰۱۴ تا به امروز، به شدت مورد استقبال بازرگانان اماراتی قرار گرفته است، بدون احتیاج به افتتاح یا اصلاح اعتبار جدید، اعتبار موجود خود به خود تجدید می‌شود.

ابتکار عمل بانک مرکزی امارات در تخصیص ارز واردات به کیف پول‌های الکترونیک

به دلیل اتصال کامل اقتصاد امارات به بازارهای جهانی، به کارگیری طرح‌های پرداخت دیجیتال و الکترونیک مختلفی نظیر کیف پول همراه دولتی، کیف پول اتصالات، کیف پول بیم و کیف پول‌های پرداخت آنلاین الکترونیک از طریق Apple Pay، Google Pay و Samsung Pay در چند سال گذشته در بین تجار اماراتی، به ویژه صاحبان شرکت‌های تجارت بین‌الملل کوچک و متوسط این کشور، رواج یافته است. همچنین در ابتکار عملی جدید، از سال ۲۰۲۱، بانک مرکزی امارات، ارزهای تخصیص یافته به این نوع از فعالان حوزه واردات یعنی بازرگانان خُرد که اسامی آنها در لیست نهایی دپارتمان تأمین مالی واردات بانک مرکزی وجود داشته باشد را به طور مستقیم به کیف پول‌های الکترونیک آنها واریز می‌کند.

منابع:

1. A group of Author (2024), "Explanation of the status of domestic and international economic indicators (exports and imports) of the UAE", Quarterly Economic Review, Central Bank of the UAE, CBUAE Classification: Public, June 2024.
2. A group of Author (2021), "The Standards for Exchange Business in the UAE " Published in Central Bank of the UAE, Version 1.20, November 2021"
3. <https://rulebook.centralbank.ae/en/rulebook/417-banknotes-import-and-export-from-to-foreign-institutions>
4. <https://u.ae/-/media/Information-and-services/Business/UAE-imports-and-exports-guide-eng.pdf>



نحوه تأمین ارز واردات در امارات

بانک مرکزی امارات این امکان را به وجود آورده که بیشتر بانک‌های دولتی، خصوصی، تعاونی و تجاری داخلی این کشور و شعب، دفاتر و نمایندگی‌های بانک‌های بین‌المللی، خدمات تخصیص ارز مورد نیاز برای واردات را به تجار، بازرگانان و شرکت‌های کوچک و بزرگ داخلی و خارجی ارائه دهند.



جایگاه مشورتی بانک مرکزی چین

مهر محرمانه بر سیاست‌گذاری بانک مرکزی چین!

۷۵



اقتصاد

• شماره ۵۱ - مرداد ۱۴۰۳ •

- در متمم قانون جدید بانکداری جمهوری خلق چین، مأموریت اصلی بانک مرکزی "حفاظت از ثبات ارزی و ارتقای رشد اقتصادی" تعیین شد
- کمیسیون سیاست پولی بانک خلق چین (MPC)، مهم‌ترین هیات تصمیم‌گیرنده در حوزه سیاست‌گذاری کلان پولی محسوب می‌شود
- بانک مرکزی چین در استفاده از ابزارهای مبتنی بر کنترل قیمت، نرخ ارز و تورم، محدودیت دارد

فرآیند
سیاست‌گذاری‌های
پولی در
چین در ابتدا
بر اساس
برنامه‌ریزی
اعتباری انجام
می‌شد

در بخش جدید از مجموعه مقالات مرتبط با پرونده پژوهشی "تجربه رویکردهای حکمرانی پولی در بانک‌های مرکزی جهان"، به تبیین شاگله ساختاری و حاکمیتی بانک مرکزی چین پرداخته و اهداف عملیاتی و مکانیزم سیاست‌گذاری‌های پولی در این نهاد پولی را بررسی می‌کنیم و در پایان این نوشتار، در پی پاسخ به این پرسش هستیم که آیا دولت کمونیست چین، اجازه استقلال عملکردی حقیقی به مقامات و تصمیم‌سازان پولی در مهم‌ترین نهاد پولی و بانکی مرکزی این کشور را می‌دهد یا خیر؟

درآمدی بر تاسیس و سازماندهی مالی و حاکمیتی در بانک مرکزی چین

بانک مرکزی چین با عنوان بانک خلق چین (PBC) در سال ۱۹۴۸ تاسیس شد. از زمان آغاز به کار این نهاد تا به امروز، به ویژه در سه دهه اخیر، چارچوب طراحی، تدوین و پیاده‌سازی سیاست‌های پولی چین به طور قابل توجهی دستخوش تغییرات بوده است. در حقیقت، فرآیند سیاست‌گذاری‌های پولی در چین در ابتدا بر اساس برنامه‌ریزی اعتباری انجام می‌شد که در آن، اعتبارات بلندمدت به پروژه‌های انتخاب شده توسط دولت ملی و نهادهای حاکمیتی محلی تخصیص می‌یافت. سپس برنامه‌ریزی اعتباری مرکزی، جای خود را به دوره‌ای از کنترل مستقیم اعتبارات بین سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۷ داد و بانک مرکزی چین، تأمین اعتبارات حقیقی و حقوقی عمومی را به عنوان مأموریت اصلی سیاست پولی خود انتخاب کرد.

در سال ۱۹۹۵، با انجام اصلاحات بنیادین و تدوین قانون جدید نظام بانکداری چین، اهداف، وظایف و مسئولیت‌های بانک خلق چین تحت رهبری و هدایت مستقیم و کامل حاکمیت دولتی چین، تعیین شد که تا به امروز نیز ادامه دارد.

اعم این وظایف و اهداف عبارتند از:

- اجرای کامل سیاست‌های پولی تحت نظارت دولت چین
- پیشگیری از وقوع بحران و رفع ریسک‌های مالی
- ایجاد زمینه‌ها و بسترهایی برای حفظ و ارتقاء ثبات مالی

تبیین مکانیزم و سازوکارهای سیاست‌گذاری کلان پولی در بانک مرکزی چین

سیاست‌گذاری کلان پولی در چین، یک سازوکار پیچیده و نسبتاً مبهم است که در ظاهر، نقش

اصلی در این مکانیزم، بر عهده بانک مرکزی است اما در باطن، مهم‌ترین نهاد پولی و بانکی چین، کنترل کاملی بر طراحی، تدوین و اجرای سیاست‌های پولی ندارد و تأیید و عملیاتی شدن تصمیماتش، منوط به تصویب شورای دولتی چین (هیأت دولت و بالاترین نهاد اجرایی جمهوری خلق چین) است. ثبات پایدار و حفظ ارزش نرخ ارز رنمینبی (یوان چین) در بستر اقتصاد بین‌الملل، مهم‌ترین رسالت دستگاه دیپلماسی اقتصادی چین در داخل و خارج از این کشور است و بانک مرکزی این کشور، به عنوان بازوی اجرایی در بدنه اقتصاد برنامه‌ریزی شده چین، فعالیت به دنبال ایجاد تعادل بین حمایت از اقتصاد داخلی و مواجهه با چالش‌های احتمالی ناشی از ریسک جریان سرمایه بین‌المللی است. در آغاز هزاره جدید، متمم قانون جدید بانکداری جمهوری خلق چین به تصویب رسید که در آن، مأموریت اصلی بانک مرکزی این کشور "حفاظت از ثبات ارزی و ارتقای رشد اقتصادی" و مأموریت فرعی آن، مشارکت در اجرای سیاست‌های پولی، مدیریت ارزی، تنظیم بازار مالی و اجرای مفاد ثبات مالی، تعیین شد. همچنین کمیسیون سیاست پولی بانک خلق چین (MPC) که در سال ۲۰۰۰ تأسیس شد، مهم‌ترین هیأت تصمیم‌گیرنده در حوزه سیاست‌گذاری کلان پولی این کشور محسوب می‌شود. رئیس این کمیسیون که دبیر کمیته حزب کمونیست چین است، توسط رئیس شورای دولتی تعیین می‌شود و تأثیر کلیدی‌تری بر مدیریت و هدایت بانک مرکزی چین نسبت به رئیس این نهاد دارد. در حقیقت می‌توان گفت که فرماندار بانک خلق چین، یک مقام تشریفاتی و کم‌تأثیر بر مکانیزم‌های تصمیم‌سازی و اجرایی بانک مرکزی است. کمیسیون سیاست پولی بانک مرکزی چین، نهاد تصمیم‌گیرنده در زمینه تعیین اهداف سیاست پولی، تعیین ابزارهای پولی، تعیین حد، میزان و چگونگی تغییر در مواضع پولی و نهاد هماهنگ‌ساز در اجرای سیاست‌های کلان اقتصادی است. کمیسیون سیاست پولی بانک مرکزی چین ۱۴ عضو دارد که ساختار سازمانی و ترکیب اعضای آن توسط شورای دولتی چین تعیین می‌شود. با وجود سيطرة این کمیسیون بر سازوکارهای بانک مرکزی چین، اختیارات آن نسبتاً محدود است و صرفاً یک نهاد مشورتی برای طراحی، تدوین، خلق و توسعه سیاست‌های پولی و اهرم اجرایی موثر برای اهداف شورای دولتی چین محسوب می‌شود. اعضای کمیسیون سیاست پولی بانک مرکزی چین هر سه ماه یکبار و به صورت

ثبات پایدار و
حفظ ارزش نرخ
ارز رنمینی
(یوان چین) در
بستراقتصاد
بین الملل،
مهم ترین
رسالت دستگاه
دیپلماسی
اقتصادی چین
در داخل و
خارج از این
کشور است

در نظر گرفته نشده است. به گفته صاحب نظران پولی، مهم ترین نقش بانک مرکزی چین، به دلیل استقلال عملیاتی به شدت ضعیف که فقط محدود به جنبه های فنی تر در اجرای سیاست های پولی می شود، تکمیل نیازهای اقتصادی شورای دولتی چین در حوزه سیاست های مالی است. بنابراین، بانک مرکزی چین در استفاده از ابزارهای مبتنی بر کنترل قیمت، نرخ ارز و تورم، نسبت به بانک های مرکزی بیشتر اقتصادهای پیشرفته، محدودتر است. همچنین شاید به جرات بتوان گفت که بانک خلق چین، تنها نهاد پولی مرکزی در سطح جهان است که تمامی تصمیمات اجرایی آن، اعم از کوچک ترین اصلاحات و تغییرات در قوانین، مصوبات و سیاست های طراحی شده، قبل از پیاده سازی می بایست به تایید رهبر یک حزب سیاسی، یعنی دبیرکل حزب کمونیست چین و رهبر عالی مقام، یعنی رئیس جمهور چین و یا نماینده منصوب و تام الا اختیار آن برسد.

منابع:

1. Baliño, Tomás J. T. (2020), "17 The Evolving Role of the Central Bank in China" Working Paper, International Monetary Fund, ISBN: 9781557751850 DOI: <https://doi.org/10.5089/9781557751850.071> , Pages: 472
2. Chen, Y., Liu, D., & Zhuang, Z. (2023), "The spillover effects of China's monetary policy shock: Evidence from BaR countries", Emerging Markets Review, Vol.55, NO.92.
3. Das, S., & Song, W. (2023) "Monetary policy transmission and policy coordination in China", China Economic Review, Vol.12, NO. 102.
4. Tanghiyn, Tao (2023) "The People's Bank of China and its monetary policy", Working Paper, the Business Institute at the Berlin School of Economics (FHW Berlin), Badensche Straße 50-51, NO.128, D-10825 Berlin.
5. <https://www.reuters.com/breakingviews/chinas-central-bank-is-stuck-policy-dilemma-2024-07-09/>
6. <https://cepr.org/multimedia/implementing-central-bank-policy-china>

فصلی (سالی ۴ مرتبه) تشکیل جلسه می دهند و صورتجلسات آن و پیشنهادات اجرایی، برای تصویب به شورای دولتی چین ارسال می شود. همچنین جلسات دپارتمان های مشورتی مرتبط با این کمیسیون، ماهانه برگزار می شود تا آمار، اطلاعات و تحلیل های مالی و اقتصادی مورد نیاز برای طرح در جلسات ۴ گانه، در اختیار اعضای کمیسیون سیاست پولی قرار گیرد. برخلاف بیشتر بانک های مرکزی اقتصادهای پیشرفته، خروجی و نتایج هیچکدام از نشست های بانک مرکزی چین، در دسترس عموم قرار نمی گیرد و رئیس و اعضای کمیسیون سیاست پولی و فرماندار کل بانک مرکزی، فقط خود را موظف به پاسخگویی در مقابل شورای دولتی چین می دانند.

آیا دولت کمونیست چین، اجازه استقلال عملکردی حقیقی به بانک مرکزی را می دهد؟

منطبق بر گزارشات و اطلاعات مستخرج منتشر شده رسمی و با استناد به آراء و نظرات مدیران عملیاتی، پژوهشگران و محققان اقتصادی و مالی آسیای جنوب شرقی، بانک مرکزی چین، یک نهاد وابسته به دولت کمونیست این کشور است که کمترین استقلال حقیقی عملکردی در طراحی، تدوین و تصمیم سازی در حوزه سیاست گذاری های کلان پولی را دارد. در واقع، به زبان ساده می توان گفت که بانک مرکزی چین، بازوی اجرایی و تحقق بخش خواست و رسالت اقتصادی و مالی مدنظر حاکمیت سیاسی چین است و موظف است از اهداف شورای دولتی چین (هیات دولت و بالاترین نهاد اجرایی جمهوری خلق چین) حمایت کند. همچنین در اساننامه حقوقی نظام بانکداری چین، تا به امروز، به طور رسمی هیچ نقش مستقل و تعیین کننده برای بانک مرکزی این کشور در فرآیند اصلی خلق و توسعه سیاست های پولی

بانک مرکزی غیر پاسخگودرچین

برخلاف بیشتر بانک های مرکزی اقتصادهای پیشرفته، خروجی و نتایج هیچکدام از نشست های بانک مرکزی چین، در دسترس عموم قرار نمی گیرد و رئیس و اعضای کمیسیون سیاست پولی و فرماندار کل بانک مرکزی، فقط خود را موظف به پاسخگویی در مقابل شورای دولتی چین می دانند.



مکانیزم سیاست گذاری پولی در بانک مرکزی هند

حذف کامل دخالت‌های غیرتخصصی در بانک مرکزی هند

- با تصویب یک لایحه قانونی، اختیار تصمیمات اقتصادی تمامی نهادهای دولتی و نیمه دولتی در بحران کرونا به بانک مرکزی هند واگذار شد
- یک اقتصاددان و محقق هندی با نام "سرسوراجی پوچانوالا"، پیشنهاد تشکیل بانک مرکزی هند را ارائه کرد
- تا قبل از سال ۲۰۱۶، رئیس بانک مرکزی هند، به تنهایی مسئول تدوین سیاست پولی در هند بود
- کمیته سیاست پولی بانک مرکزی هند ۶ عضو دارد که برای یک دوره ۴ ساله غیرقابل تمدید انتخاب می‌شوند

۷۸



اقتصاد

● شماره ۵۱ - مرداد ۱۴۰۳ ●

در طول تاریخ
بیش از ۱۰۰ ساله
بانک مرکزی
هند، این نهاد
بحران‌های
زیادی را پشت
سر گذاشت و
با چالش‌های
عدیده‌ای روبرو
بود

مدیران ارشد هندی‌الصل، در راس تمامی جایگاه‌های نظام مدیریتی آن قرار گرفتند. در سال‌های پس از ملی شدن کامل بانک مرکزی هند، این نهاد نقش فعال‌فراينده‌ای در ارتقای سطح عملکردی بخش‌های اصلی اقتصاد هند نظیر کشاورزی، معدن، صنایع مقیاس کوچک و همچنین صنایع متوسط و بزرگ ایفا کرده است. همچنین این نهاد پولی، بزرگ‌ترین مجری و ارائه‌دهنده طرح‌های خوداشتغالی برای ترویج و توسعه اشتغال در میان جوانان تحصیل کرده هندی، از ابتدا تا به امروز بوده است.

به جرات می‌توان گفت که بانک مرکزی هند، نقش بسیار ویژه، تعیین‌کننده و پُررنگی در فرآیند توسعه نهادی هند داشته و با تأسیس و ایجاد موسساتی نظیر شرکت‌های بیمه، شرکت‌های ضمانت‌اعتباری، واحدهای تراست، بانک توسعه صنعتی هند، بانک ملی کشاورزی و توسعه روستایی و خانه مالی هند، عامل اصلی در ترویج و توسعه زیرساخت‌های مالی این کشور محسوب می‌شود.

تبیین مکانیزم و سازوکارهای سیاست‌گذاری پولی کلان در بانک مرکزی هند

قانون اساسی بانکداری و مالی هند که در سال ۱۹۳۴ نگارش و به تصویب رسید، صراحتاً فرماندار بانک مرکزی هند را به عنوان مسئول و تعیین‌کننده نهایی طراحی و اجرای سیاست‌های پولی در کشور به رسمیت می‌شناسد، اما از سال ۲۰۱۶ و با ایجاد تغییرات اساسی در این قانون و به ویژه اصلاحات بنیادین در مفاد و تبصره‌های حقوقی ناظر بر ماموریت، وظایف و عملکرد بانک مرکزی هند، روند سیاست‌گذاری پولی در هند، یک تغییر پارادایم جدی را تجربه کرد. تا قبل از سال ۲۰۱۶، رئیس بانک مرکزی هند، به تنهایی مسئول تدوین سیاست پولی در هند بود. این مقام اگرچه توسط یک کمیته فنی مشاوره داده می‌شد، اما می‌توانست به راحتی تمامی تصمیمات اتخاذ شده را توکند.

اما از سال ۲۰۱۶ به بعد، با تغییر و اصلاح قانون نظام بانکداری، بنا به پیشنهاد اورجیت پاتل، بیست و چهارمین رئیس بانک مرکزی هند، ایده راه‌اندازی کمیته سیاست پولی (MPC) در شورای حکام بانک مرکزی هند به تصویب رسید و از آن به بعد، مسئولیت کامل طراحی، تدوین و پیاده‌سازی سیاست‌های پولی هند به این کمیته محول شد. بدین ترتیب، ماده ۴۵ قانون اصلاح‌شده سال ۱۹۳۴ نظام بانکداری، به

در بخش جدید از پرونده پژوهشی "تجربه رویکردهای حکمرانی پولی در بانک‌های مرکزی جهان" به سراغ تبیین وضعیت بانک مرکزی هند، به عنوان مهم‌ترین نهاد تصمیم‌ساز در حوزه سیاست‌های پولی این کشور رفته و پس از بیان تاریخچه و شناخت سازماندهی اداری، مالی و حاکمیتی آن، مکانیزم و سازوکارهای سیاست‌گذاری پولی کلان در بانک مرکزی هند و میزان استقلال حقیقی این نهاد در طراحی و اجرای سیاست‌های پولی را بررسی می‌نماییم.

درآمدی بر تاریخچه تأسیس، اقدامات و ابتکارات نوآورانه بانک مرکزی هند

بانک مرکزی هند که در سال ۱۹۱۱ تأسیس شد، اولین بانک تجاری هند محسوب می‌شد که علاوه بر حضور پُررنگ و انحصاری فعالان اقتصادی خارجی و مدیران انگلیسی، بخشی از سازوکارهای تشکیلاتی آن تحت مالکیت هندی‌ها قرار گرفته بود. تأسیس این نهاد پولی به پیشنهاد یک اقتصاددان و محقق هندی بانام "سر سورابی پوچخانوالا" انجام گرفت و میزان غرور و سرافرازی وی از انجام این کار به حدی بود که بانک مرکزی هند را "بانک ملت و دارایی کشور" نامید. در طول تاریخ بیش از ۱۰۰ ساله این نهاد، بانک مرکزی هند بحران‌های زیادی را پشت سر گذاشت و با چالش‌های عدیده‌ای روبرو بوده است. به گفته صاحب‌نظران مالی و اقتصادی، مهم‌ترین نهاد پولی و بانکی هند توانسته در این سال‌ها، به ویژه از آغاز هزاره جدید تا به امروز، با موفقیت هر تهدیدی را به فرصت تجاری تبدیل کند و نسبت به همتایان خود در صنعت بانکداری، برتری محسوسی پیدا کند که برخی از این اقدامات بانکی پیشگامانه، نوآورانه و منحصر به فرد به شرح زیر است:

- ابتکار راه‌اندازی طرح سپرده ایمن پس‌انداز خانگی برای ایجاد عادات پس‌انداز/صرفه‌جویی در تمام بخش‌های جامعه از سال ۱۹۲۱
- ابتکار تأسیس یک دپارتمان انحصاری بانوان برای ارائه خدمات بانکی به مشتریان زن در سال ۱۹۶۹
- راه‌اندازی اولین صندوق امانات بانکی در جهان در سال ۱۹۳۲
- ابتکار ایجاد شخصیت حقوقی "امین تجارت بانکی" برای صاحبان سرمایه‌ها، ۱۹۶۲
- در اکتبر ۱۹۶۹، بانک مرکزی هند رسماً ملی شد و مالکیت ۱۰۰ درصدی و کامل آن در انقیاد و اختیار اتباع هندی قرار گرفت و برای اولین بار،



مهم‌ترین نهاد پولی و بانکی هند توانسته در این سال‌ها با موفقیت، هر تهدیدی را به فرصت تجاری تبدیل کند

دولت و بانک مرکزی هند این اختیار را می‌دهد تا کمیته سیاست پولی را برای پیشبرد اهداف مالی و اقتصادی انتخاب نماید. همچنین این ماده، به تبیین جزئیات پیرامون کمیته سیاست پولی و چگونگی، نحوه و روند طراحی و اجرای سیاست‌های پولی می‌پردازد که به شرح زیر است:

- کمیته سیاست پولی بانک مرکزی هند ۶ عضو دارد که برای یک دوره ۴ ساله غیرقابل تمدید انتخاب می‌شوند.
- شش عضو این کمیته متشکل از سه عضو داخلی است که توسط بانک مرکزی هند منصوب شده و سه عضو دیگر آن توسط یک کمیته انتخاب خارجی، معرفی و منصوب می‌شوند.
- اعضای کمیته سیاست پولی بانک مرکزی هند عبارتند از رئیس بانک مرکزی هند/ معاون فرماندار بانک مرکزی و مسئول سیاست پولی/ یکی از مدیران ارشد بانک مرکزی به انتخاب اعضای هیات مدیره و شورای حکام این نهاد/ سه نفر کارشناس و متخصص هندی خُبره در حوزه مالی و بانکی که به انتخاب کمیته جستجوی خارجی بانک مرکزی هند متشکل از فرماندار این نهاد، دبیر معاونت اقتصادی بانک مرکزی و دبیر کابینه پولی، به شورای حکام بانک مرکزی هند پیشنهاد شده و در صورت تأیید، به عضویت کمیته سیاست پولی در می‌آیند.
- کمیته سیاست پولی بانک مرکزی هند موظف است حداقل چهار بار در سال تشکیل جلسه دهد و برای هر جلسه حد نصاب ۴ عضو لازم است.
- هر یک از اعضای این کمیته دارای یک رای است و در صورت تساوی آراء، رای و نظر فرماندار بانک مرکزی هند تعیین‌کننده خواهد بود.
- مأموریت کمیته سیاست پولی بانک مرکزی هند حول محور سه موضوع اصلی یعنی تضمین ثبات قیمتی، تعیین هدف‌گذاری رشد و طراحی، اجرا و نظارت بر سازوکار هدف‌گذاری تورمی انعطاف‌پذیر (FIT)، می‌چرخد.
- پس از برگزاری هر جلسه کمیته سیاست پولی، رئیس بانک مرکزی هند موظف است که تمامی تصمیمات اتخاذ شده و مفاد عملیاتی مصوب شده را از طریق یک نشست رسمی خبری و مطبوعاتی، به اطلاع عموم مردم هند برساند.

بررسی استقلال عملکردی بانک مرکزی هند در طراحی و اجرای سیاست‌های پولی

مبنتی بر تحلیل‌ها، گزارشات و اطلاعات منتشره بر روی وبگاه‌های رسمی در باب نحوه تعامل

روسا، مدیران و متخصصان پولی و بانکی فعال در بانک مرکزی هند با دولت‌ها و حاکمیت سیاسی این کشور، به ویژه جزئیات مندرج در منشور حقوقی فدرال رزرو هند، صورتجلسه‌ها و بیانیه‌های موجود بر روی وبسایت این نهاد پولی و مالی، به نظر می‌رسد که بانک مرکزی هند از استقلال حقیقی عملکردی پُررنگ و نسبتاً بالایی در تصمیم‌سازی‌ها و اجرای سیاست‌های پولی برخوردار است.

به عنوان نمونه، یکی از مهم‌ترین نشانه‌های استقلال عملکردی این نهاد، به مخالفت بانک مرکزی هند با دلاری‌سازی اقتصاد این کشور در سال ۲۰۰۶ و قبل از وقوع بحران مالی ۲۰۰۸ برمی‌گردد، جایی که دولت وقت هند، اصرار و پافشاری زایدالوصفی بر اجرای دلاریزاسیون در اقتصاد داخلی این کشور داشت، اما در نهایت، برای قاطع منفی رئیس وقت بانک مرکزی هند، پیاده‌سازی این فرآیند ملغی شد و هیچ نفوذ فراقانونی و خارج از چارچوبی نتوانست موجب تغییر آراء صادره در این باب شود.

همچنین در نمونه‌های دیگر، در هنگامه وقوع بحران پاندمی کرونای ۲۰۱۹، حاکمیت سیاسی هند، سکان هدایت قرارگاه اقتصادی این کشور برای عبور از این شرایط تنش‌زای فراگیر را در انقیاد کامل بانک مرکزی هند قرار داد و با تصویب یک لایحه قانونی مبنی بر سلب اختیار تمامی نهادهای دولتی و نیمه‌دولتی برای دخالت‌های غیرکارشناسانه در فرآیند گذار از این همه‌گیری، امکان عبور کم‌هزینه کشور از این بحران به ویژه در حوزه مالی و اقتصادی را به واسطه ابتکار عمل‌های بانک مرکزی هند، فراهم کرد.

منابع:

1. Carrasco, Bruno & Mukhopadhyay, Hiranya (2024), "Reserve Bank of India's Policy Dilemmas: Reconciling Policy Goals in Times of Turbulence", ADB Economics Working Paper Series, ASIAN DEVELOPMENT BANK, No.393
2. Mohanty, Deepak (2021), "How does the Reserve Bank of India conduct its monetary policy?", Speech by Mr Deepak Mohanty, Executive Director of the Reserve Bank of India, at the Indian Institute of Management (IIM), Lucknow
3. Prakash, A. & Lokare, S.M. (2022), "Reserve Bank of India Policy Mix", In: Warjiyo, P., Juhro, S.M. (eds), "Central Bank Policy Mix: Issues, Challenges, and Policy Responses", Springer, Singapore, https://doi.org/10.1007/978-981-16-6827-2_10
4. https://www.centralbankofindia.co.in/sites/default/files/documents/History_Book_Pages_1_22.pdf
5. <https://www.drishtias.com/printpdf/monetary-policy-committee-rbi>

